



شورای کتاب کودکان

گذری در ادبیات کودکان

لیلی ایمن (آهی)
توران خماریلو (میرهادی)
مهدخت دولت آبادی

گذری در ادبیات کودکان

۱۲۰۰ ف

۵/۱

... آهون
...
... آزاد

طبع
" "

۱۳۴۱

گذری در ادبیات کودکان

تالیف: لیلی ایمن (آهی)
توران خمارلو (میرهادی)
مهدخت دولت آبادی

۱۰۹۴۰۱۱۱

این کتاب در دو هزار نسخه در شرکت افست (سهامی خاص) چاپخانه بیست و پنجم شهر یور

به چاپ رسیده است

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۴۷۳ به تاریخ ۵۲/۱۰/۱۶

فهرست

- ۱ فصل اول - تعریف و هدف: ادبیات چیست - ادبیات کودکان - هدف ادبیات کودکان
- ۵ فصل دوم - سیری در زمان مکان: ادبیات کودکان در طول زمان - ادبیات کودکان در چند منطقه از جهان - ادبیات کودکان در ایران
- ۳۱ فصل سوم - کودکان و نوجوانان و کتاب: خصوصیات رشد جسمی و روانی - احتیاجات و علاقه‌مندیهای اساسی انسانی - تواناییهای خواندن و تسلط بر زبان - محیط زندگی و تجربیات و شناختهایی که ایجاد می‌کند
- ۴۶ فصل چهارم - انتخاب کتاب: ظاهر کتاب - باطن یا محتوای کتاب - مؤلف - ناشر - قیمت کتاب
- ۵۸ فصل پنجم - انواع ادبیات کودکان: داستان - شرایط داستان خوب - کتابهای غیرداستان - ضوابط ارزشیابی و انتخاب کتابهای غیرداستان - شعر - تفاوت بین شعر بزرگسالان و خردسالان - کتابهای تصویری
- ۹۹ فصل ششم - ادبیات کودکان و نوجوانان و وسایل ارتباط جمعی: رادیو و ادبیات کودکان - تلویزیون و ادبیات کودکان - سینما و ادبیات کودکان و نوجوانان - تأثر کودکان - مجله‌های کودکان و نوجوانان
- فصل هفتم - شیوه‌های مختلف در علاقه‌مند کردن کودکان به مطالعه: داستان‌گویی و کتابخوانی - معرفی کتاب - نمایشگاه کتاب - بحث و گفتگو درباره کتاب - بازیها و مسابقات مربوط به کتاب -

روزهای خاص و برنامه‌های خاص - نمایش فیلم و اسلاید و فیلم
استریپ - مطالعه صحیح - تبدیل علاقه به عادت - مطالعه انحرافی
و طرز درمان آن

۱۱۹

فصل هشتم - طرز تشکیل و اداره کتابخانه‌های آموزشگاهی: انواع کتابخانه

و مشخصات آنها - کتابخانه مرکزی، کتابخانه کلاس یا هردونوع
کتابخانه‌ها - کتابخانه با مخزن و یا با مخزن بسته - کتابخانه دائم
و موقت، کتابخانه موقت و غیرموقت - بودجه کتابخانه محل
کتابخانه و تجهیزات آن - انتخاب و خرید کتاب - ثبت کتاب -
فهرست‌نویس و برگه‌نویسی طبقه‌بندی کتابها و تهیه فیش یا
برگه - آماده‌سازی کتاب طرز اداره کتابخانه دبستان

۱۴۲

فصل اول تعریف و هدف

ادبیات چیست؟

تعریف کردن «ادبیات» کار مشکلی است و هرگز اتفاق نظر درباره آن به وجود نیامده است. شاید یکی از جامعترین توصیفها این باشد که بگوییم مجموعه تظاهرات هنری هر قوم که در قالب کلام ریخته شده است ادبیات آن قوم یا ملت به شمار می آید. از این تعریف نتیجه می شود که ادبیات هر قوم الزاماً به تار و پود گذشته و حال آن قوم وابسته است و بهمین سبب تا حد زیادی به فرهنگی که به وجود آورنده آن است اختصاص دارد. یعنی منعکس کننده افکار و عقاید و مسائل قومی است که خالق آن است. از طرف دیگر ادبیات خود می تواند و باید نورافکنی باشد بر راههای آینده بشر.

ادبیات کودکان

ادبیات کودکان در اصل با تعریفی که از ادبیات به معنای اعم ذکر شد تفاوتی ندارد. یعنی در کیفیت نه فقط ادبیات کودکان چیزی از ادبیات بزرگسالان نباید کسر داشته باشد بلکه از آنجا که برای انسانی جوان و کم تجربه به وجود می آید باید عالیتر و سازنده تر باشد. آنچه ادبیات کودکان را از ادبیات بزرگسالان متمایز می سازد تفاوتی است که بین نیازها و امکانات کودکان و بزرگسالان وجود دارد. بعلت وجوه مشترکی که در نیازهای اولیه کودکان اقوام مختلف وجود دارد، اختصاصی و قومی بودن ادبیات

کودکان تا حد زیادی تحت الشعاع نیازهای مشترك اطفال ملل قرار می‌گیرد.

بهمین سبب است که وجوه مشترك بسیاری در قصه‌های اقوام مختلف دیده می‌شود. همانندی ادبیات کودکان در میان ملت‌های گوناگون، دو علت اصلی دارد:

نخست ارزش‌های اصیل انسانی بین مردم روی زمین کم و بیش یکسان است و بهمین سبب شخصیت‌های خوب و بد داستانها به هر زبان که توصیف شوند تا میزان قابل توجهی به هم شبیه‌اند.

علت دوم گسترش ادبیات از طریق ارتباط بین ملت‌هاست. این ارتباط گاهی به صورت لشگرکشی و گاهی به صورت مراودات دوستانه یا از راه تجارت به وجود آمده است.

با اینکه بعضی از کارشناسان و محققان ادبیات کودکان معتقد به علت نخست و گروهی پشتیبان نظر دوم هستند ولی در حقیقت این دو نظر باهم تضاد و منافاتی ندارند، زیرا ارتباط وقتی در گسترش ادبیات مؤثر است که پیام آورده شده برای ملت گیرنده قابل درک و قابل قبول باشد و نیازهای عاطفی و عقلانی آنان را به نحوی برآورده سازد، وگرنه هیچ اثر ادبی به جبر و یا بادستورجایی برای خود بین مردم پیدا نکرده است.

به طور کلی ادبیات بر دو اصل استوار است:

۱- اصالت موضوع یعنی بکر بودن مطلب یا لا اقل داشتن دیدی تازه نسبت به موضوعی کهنه. بدین معنی که گرچه ادبیات از زندگی، این افسانه دیرین، الهام می‌گیرد ولی اگر نتواند گوشه تاریکی از آن را بنمایاند یا نور جدیدی بر آن بتاباند در واقع خود را نفی کرده است و دیگر ادبیات نیست.

۲- تناسب قالب با محتوا، یعنی هم‌آهنگی محتوی با سبک نگارش و موضوع مورد بحث.

این دو اصل در حقیقت در ادبیات خوب از همدیگر قابل تفکیک نیستند و هرگاه اثری فاقد یکی از این دو اصل باشد در واقع اثر ادبی نیست.

در مورد ادبیات کودکان به اصول فوق اصل دیگری اضافه

می‌شود و آن این است که این ادبیات، برای کودکان به‌وجود می‌آید. چون خوانندگان این آثار در سنین رشد فکری و عاطفی هستند، خالق اثر بخصوص وظیفه دارد با پیام خود به‌رشد همه‌جانبه شخصیت کودک و نوجوان کمک کند. یعنی در واقع تعهد نویسنده خاص کودکان نسبت به خوانندگانش به‌مراتب سنگینتر از نویسندگان ادبیات بزرگسالان است.

در اینجا لازم است توجه داشته باشیم که از لحاظ موضوع نیز فرقی بین ادبیات کودکان و بزرگسالان وجود دارد و آن این است که برای کودکان و نوجوانان هرچه خارج از برنامه درسی و آموزشی مستقیم، هنرمندانه نوشته و تنظیم شود، خواه افسانه باشد خواه شرح حال یا بیان مطالبی علمی، ادبیات خواننده می‌شود.

هدف ادبیات کودکان

اگر پذیرفته باشیم که ادبیات مخلوق اجتماع است پس هدفهای آن در واقع نمی‌تواند از هدفهای مردمی که آن را می‌سازند جدا باشد. ولی در عین حال از آنجا که ادبیات و بخصوص ادبیات کودکان باید آینده‌نگر و سازنده باشد، نقشی عمیق و مؤثر برعهده دارد، که هدفهای مختلف زیر را در بر می‌گیرد:

۱- آماده کردن طفل برای شناختن، دوست داشتن و ساختن محیط. از طریق ادبیات است که کودکان و نوجوانان مسائل مختلف را می‌شناسند و راههای گوناگون روبروشدن با آنها را می‌بینند و تجربه می‌کنند و در نتیجه این گسترش دید و تخیل، قدرت تفکر و سازندگی بیشتر بدست می‌آورند.

۲- شناساندن طفل به خویشتن، ایجاد احترام به اصالت انسانی و میل به اعتلای مداوم. خواندنیهای کودکان و نوجوانان باید بتواند انواع نیازهای روانی آنان را بشکافد، پپروراند و تا حد امکان ارضاکند.

۳- سرگرم کننده و لذت بخش بودن. بهترین افکار و قشنگترین موضوعها اگر به نحو سرگرم کننده و لذت بخش به کودکان و نوجوانان ارائه نشود هرگز نفوذ کلام لازم را نخواهد داشت.

۴- علاقه مند کردن طفل به مطالعه و ایجاد عادت به مطالعه.
اگر بخواهیم قسمت اخیر را خلاصه کنیم، می توانیم بگوییم ادبیات
کودکان شامل کلیه مطالبی است که برای کودکان و نوجوانان تا
حدود پانزده سال نوشته می شود و بدون آنکه قصد آموزش مستقیم
داشته باشد فکر و ذوق و عواطف آنان را پرورش می دهد و سر-
گرمشان می کند.

فصل دوم سیری در زمان و مکان

شناختن گذشته و آشنایی با نحوه‌های تجلی و تحرك ادبیات کودکان در مناطق مختلف جهان می‌تواند ما را در درك بسیاری از مسائل امروز در این رشته در کشور خودمان یاری‌کند. از اینرو در این فصل نه فقط به تاریخچه‌ای از ادبیات کودکان در جهان می‌پردازیم بلکه به خواندنیهای کودکان در چند منطقه جهان نظر می‌افکنیم و سرانجام به بررسی تاریخچه ادبیات کودکان در ایران خواهیم پرداخت:

۱- ادبیات کودکان در طول زمان

ادبیات کودکان زمان شروع معینی ندارد. مطالعه در احوال ملل مختلف در پهنه تاریخ و همچنین تحقیق در زندگی اقوام ابتدایی ما را بر این می‌دارد که بگوییم از زمانی که مادر و طفل وجود داشته است شکلی از ادبیات کودک نیز خلق شده است. مادر برای آرام کردن کودکش از کلام و آهنگ استفاده کرده است و مجموعه‌های دلنشین لالاییهای ملل بدین نحو پدید آمدند. متلها و داستانهای ساده کودکان مطالبی بوده‌اند که مادران برای سرگرم کردن اطفال خویش می‌گفته‌اند.

میل به تربیت نسل جوان و انتقال تاریخ قوم به آنان شاید دلیل به وجود آمدن داستانهای حماسی و قهرمانی ملل شد. در این

مرحله از تاریخ تمدن بشر و وظیفه اساسی تربیت بر عهده پیران قوم بود. اینها گاه برای مطرح کردن مسائل زندگی انسانی و گاه برای نشان دادن خصائص انسانی داستانهایی به شعر و نظم می-پرداختند و بازگو می کردند. این افسانه ها و داستانها سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر می رسید و گاه از زبان داستانگویی دوره گردیاساربان که کاروان خویش را از دورترین شهرهای اسرار-آمیز شرق به غرب می برد شنیده می شد، و به این طریق افسانه های اقوام مختلف سفر دراز خویش را نه فقط در طول قرون و اعصار بلکه در گستره زمین آغاز کردند.

هر بار که افسانه ای بازگو می شد یا شعر و سرگذشتی را که کسی از پدر بزرگش شنیده بود برای نوه اش تعریف می کرد دانسته و ندانسته در آن تغییراتی می داد. در سفر از يك قوم به قوم دیگر این تغییر بیشتر می شد زیرا می بایست با احتیاجات و عقاید و سنن و آداب قوم جدید هماهنگ شود. به این ترتیب قصه ها و متلها و داستانهای ملل تا آنجا به هم آمیخت که دیگر باز-شناختن یکی از دیگری کاری دشوار شد.

امروز افسانه های سرد و پرابهام جنگلهای شمال اروپا گرچه دارای شخصیتهای بظاهر کاملاً متفاوتی با افراد افسانه های فلسفی و لبریز از محبت شرق است ولی چون دو فرد دور افتاده از يك خانواده، شباهتهای قابل توجهی به هم دارند.

سادگی و اصالت افسانه ها، متعلق به هر جا که باشند، شنونده را به خود جلب می کند. شاید به علت همین سادگی و اصالت است که در زیر و بمهای تاریخ زنده مانده اند و از گزند انواع یورشهای نظامی و فکری جان سالم بدر برده اند و فقط آثار جراهات تاریخ بر آنها هویدا است.

این گنجینه عظیم بشری قرنهای پس از اختراع چاپ بصورت مجموعه های نوشته شده درآمد. گرچه بارها نویسندگان بزرگ کوشیده بودند افسانه ها را به زبان خویش باز نویس کنند ولی باز مردم همان نوع ساده آنها را که از مادر بزرگها می شنیدند بیشتر می پسندیدند و باز نویسها را برای دانشمندان و ادبا کنار

می گذاشتند.

در اواخر قرن هفدهم و کمی دیرتر در قرن هیجدهم میلادی در فرانسه و سپس در آلمان مردانی پیداشدند که با کوشش بسیار به جمع‌آوری داستانهای پرداختند که بین مردم رایج بود. شارل پروا^۱ در فرانسه و بعد از چندی برادران گریم^۲ در آلمان و چندین سال بعد ناشران و نویسندگان مختلف در انگلستان مجموعه‌هایی از دلپذیرترین افسانه‌های کشور خویش را منتشر ساختند.

بزرگترین فرق این مجموعه‌ها با بازنویسهای قبلی در سادگی آنها بود. گردآورندگان این افسانه‌ها، حداقل دخل و تصرف را در نوشتن آنچه می‌شنیدند بکار می‌بردند. کوشش آنها این بود که این داستانها را چنانکه هستند برای نسلهای بعد حفظ کنند. هدف آنها درس اخلاق دادن یا راه مردم‌داری و حکومت را به جوانان آموختن نبود. برای همین قرن‌ها و حتی در جهان پرتلاطم امروز این مجموعه‌ها، یعنی مجموعه‌های افسانه‌های ملل، محبوبترین کتابهای کودکان و نوجوانان شدند.

علاوه بر این مجموعه‌های افسانه‌های ملل، بچه‌هایی که می‌توانستند بخوانند هر گاه به کتابی دست می‌یافتند آن را می‌خواندند و در میان انواع کتابهایی که اصلاً برای آنان نوشته نشده بود به تدریج تعدادی را برگزیدند. این واقعیت نشان می‌دهد که در بسیاری از مواقع ارزش هنری و فکری کتاب تا درجه‌ای است که حتی اطفال هم آن را به نحوی درک می‌کنند و از آن خویش می‌پندارند. چنین بود که کتابهایی چون: «روبنسن کروزو» اثر دانیل دوفو^۳، «سفرهای گالیور» اثر جان تون سوئیفت^۴ و بعد داستانهای طویل و التراسکات^۵ و چارلز دیکنز^۶ و مارک تواین^۷ از شاهکارهای ادبیات نسل جوان به حساب آمد.

-
- 1- Charles Perrault
 - 2- Jacob, Wilhelm Grimm
 - 3- Daniel Defoe
 - 4- Jonathan Swift
 - 5- Walter Scott
 - 6- Charles Dickens
 - 7- Mark Twain

در قرن نوزدهم در شمال اروپا، در دانمارک، از قلم مردی که هرگز تصمیم نداشت نویسنده، و آن هم نویسندهٔ اطفال شود، داستان‌هایی بر صفحهٔ کاغذ سرازیر شد که در واقع ادبیات کودکان جهان را با مفهومی که ما امروز از آن داریم پایه‌گذاری کرد. این مرد که او را جهانیان امروز به حق «پدر ادبیات کودکان» می‌نامند هانس کریستیان آندرسن¹ بود. نامی که در زمان ما زینت بخش بزرگترین جایزهٔ ادبیات کودکان در جهان است.

داستان‌های آندرسن گرچه در بسیاری از موارد از افسانه‌های عامیانه الهام گرفته است ولی زاییدهٔ تخیل انسانی است که طعم سختی و فقر را چشیده است و آن را با چاشنی عقاید مذهبی خویش به هم آمیخته و به کمک بال‌های عظیم تخیل در قالب انواع داستان‌ها تقدیم خوانندگان جوان کرده است.

آندرسن در قرنی که می‌زیست و در اجتماعی که او را پرورانده بود نمی‌توانست کاری جز طرح کردن مسائل مختلف انجام دهد. او کوشش در پیدا کردن راه حل برای مسائلی که مطرح کرده انجام نداده است و هر جا که چنین کرده، زیاد موفق نبوده است. ولی آنچه آثار او را جاودانه ساخته است تخیل بسیار قوی، هنر در پرداختن مطالب و از همه مهمتر احترام عمیق اوست به اصالت نیکی و محبت در ذات انسان.

کارهای آندرسن چه از لحاظ قالب و چه از لحاظ شخصیت‌های افسانه‌هایش، متنوع است و راه‌های گوناگونی در پیش‌پای علاقه‌مندان به ادبیات کودکان می‌گذارد. از این رو است که او را پایه‌گذار ادبیات جدید برای کودکان و نوجوانان می‌دانند.

نظری به تاریخ ادبیات جهان به‌مانشان می‌دهد که از کشور برزیل گرفته تا هند و از روسیه تا ژاپن در همین قرن نوزدهم است که توجه به ادبیات کودکان، یعنی توجه به ایجاد مطالب خواندنی مخصوص نسل جوان شروع می‌شود.

در ابتدای کار، طبیعتاً توجه به سوی ادبیات عامیانه است و سپس ترجمهٔ آثار نویسندگان محبوب خارجی. کتاب‌های پرو،

1- Hans Christian Andersen

گریم، اندرسن به اکثر زبانهای دنیا در این قرن ترجمه می‌شود و مجموعه‌های بزرگ داستانهای ملی در کشورهای چوَن ژاپن، انگلستان، فرانسه و کشورهای دیگر منتشر می‌شود.

توجه به روانشناسی و بخصوص روانشناسی کودک از یک سو اهمیت پیدا کردن دید علمی از سوی دیگر باعث می‌شود که ادبیات کودکان از محدوده داستانی خویش پافرا تر نهد و به شناختن طبیعت و عوامل مختلف آن و سپس مسائل مختلف علمی بپردازد. در اوایل قرن بیستم در فرانسه مردی به نام مستعار پرکاستور^۱ تصمیم می‌گیرد به کنجکاوی اطفال نسبت به طبیعت پاسخ دهد و پلی بین این دو برقرار سازد. کتابهای تصویری اولیه او که به نام «آلبومهای پرکاستور» مشهورند با توجه به این هدف تهیه شدند. این نویسنده و مربی واقعی دریافته بود که تهیه کتاب برای کودکان کاری آسان نیست و احتیاج به تخصص، مطالعه و از همه مهمتر شناخت واقعی از طفل و از موضوع هر دو دارد. پس گروهی متخصص در تعلیم و تربیت، روانشناسی، علوم مختلف، طراحی و نقاشی را گرد هم آورد. نتیجه کار این گروه بسیار خوب بود ولی جنگ جهانی دوم آن را چندی متوقف ساخت.

فقر، جنگ، استعمار؛ این پدیده‌ها همیشه به ضرر بچه‌ها و زندگی بوده‌اند. همیشه خفقان و بدبختی آورده‌اند. استعمار و تسلط سیاسی و اقتصادی غرب بر شرق، فرهنگ کهن کشورهای چون هند، ملل شبه جزیره هند و چین و حتی ژاپن را در زیر خاکستر سکوت فروبرد. در هند، اندونزی، سیام، اقوام شمال آفریقا، کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم آنچه خوانده می‌شود باز نویسمهای ساده و غیر هنرمندانه خواب‌آوری است از افسانه‌های غرب.

شاید آگاهی به نحوه مقاومت نویسندگان ژاپنی در طول بیست سال استیلای حکومت میلیتاریست در این کشور بتواند بسیاری از نکات را روشن کند. چنانکه قبلاً گفته شد ژاپن کشوری بود که در اوایل قرن نوزدهم مجموعه‌های چندین جلدی از افسانه‌های مردم

1- Père Castor

خویش را برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده بود. با فرهنگ و ادب غرب نیز آشنایی داشت. آنقدر به تربیت فکری نسل جوان خویش علاقه‌مند بود که در آن زمان چند مجله مخصوص کودکان منتشر کرد. ولی در فاصله دو جنگ جهانی که دوران استیلای فلسفه میلیتاریزم و نازیسم در کشور بود، نویسندگان آن ناگزیر بودند که یکی از دوراه را بپیمایند: یا تابع فلسفه زمان شوند که متناقض با عقیده واقعی آنان بود یا سکوت کنند. آنها راه دوم را برگزیدند زیرا بی‌شک معتقد بودند که گرسنگی کشیدن و فقرانه زیستن وزنده ماندن، از باغی مسموم سیرشدن و در نتیجه به مرگ معنوی رسیدن بهتر است. در این سالها تعداد کتابهای منتشر شده برای کودکان ژاپنی از تعداد انگلستان دست هم شاید کمتر باشد. چه بسا که همین سکوت، سکوتی که فرصت اندیشیدن به پدیده‌ها را می‌داد سبب شد که پس از رفع خطر، امروز ژاپن یکی از چشمه‌های جوشان ادبیات کودکان باشد و آثار روز افزونش به زبانهای مختلف جهان ترجمه شود و در اختیار کودکان قرار گیرد.

اواخر قرن نوزدهم و شروع قرن بیستم زمان جدایی ادبیات ایالات متحده آمریکا از ادبیات انگلستان. پایه‌گذاران این جدایی نویسندگانی چون مارک تواین و لوییزامی آلکات^۱ بوده‌اند، کسانی که معتقد بودند مردم آمریکا و بخصوص نسل جوان آن احتیاج به ادبیاتی دارد که مخصوص همین مردم است و به زندگی و مسائل آن از دریچه چشم یک آمریکایی بنگرد. به همین دلیل دوش به دوش ترجمه‌ها و آثار اروپایی و جمع‌آوری داستانهای بومی آمریکایی کتابهای خاص کودکان و نوجوانان در آمریکا رونق گرفت. کتابهای تصویری که اصولاً در فرانسه متولد شده بود از پیشستیانی مالی ایالات متحده برخوردار شد و به صورت یک پدیده عظیم و قابل توجه در جهان تعلیم و تربیت کودکان درآمد. باید بخاطر داشته باشیم که فلسفه دیویی معتقد به آزادی در تجربه است. معتقد است که باید فرصتهای متنوع تجربه کردن را برای طفل به وجود

1- Louisa May Alcott

آورد و گذاشت تا خود با آزمایشهای متعدد راه لازم را بیابد. در عالم کتاب این فلسفه تأثیر بسیار داشت. کتابهای کودکان و نوجوانان در هر موضوع و مطلبی نوشته و منتشر گردید. تجربه‌های متنوع زندگی نویسندگان با ثروت ناشران بهم پیوست و سیل کتاب و مطالب خواندنی را به سوی دنیای کودکان و نوجوانان جاری ساخت. پایان جنگ جهانی دوم، مسائل عظیم جوانان، تغییر سیستمهای آموزش و پرورش، همه و همه در تغییر جهت دادن به ادبیات کودکان بسیار مؤثر بود. از طرف دیگر مللی که استقلال یافتند از آزادی فکری بیشتری برخوردار شدند. آنها هر يك به نحوی در بوجود آوردن ادبیات کودکان خاص کشور خویش کوشیدند. تعصبات نژادی و ملی مطرود شناخته شد و مرییان به فکر ایجاد پل‌های دوستی و تفاهم افتادند تا جایی که دفتر بین‌المللی کتاب برای کودکان (وابسته به یونسکو) اعلام کرد که از راه تعمیم ادبیات کودکان است که می‌توان حس تفاهم بین‌المللی را عمیقاً در دل مردم و اقوام جهان به وجود آورد.

جهتی که امروز ادبیات کودکان در جهان، به درجات مختلف، در پیش گرفته است جهتی است انسانی و جهانی. امروز مؤسسات، گروهها و افرادی که در این زمینه کار می‌کنند همه کم و بیش به این اصول معتقدند:

— ادبیات کودکان را به علت تأثیر بسیاری که بر تربیت نسل جوان دارد باید کاری جدی و تخصصی تلقی کرد و از دست‌درازیهای تفننی مضر حتی الامکان مصون و محفوظ داشت.

— اگر قرار باشد که روزی صلح و دوستی جایگزین تعصبات و خصومت‌هایی که زاییده آن است بشود باید از کودکی اطفال را گذشته از شناختن مردم کشور خویش، به شناختن مردم جهان نیز، ترغیب کرد. هرچه این شناسایی بیشتر شود درگیری عاطفی بیشتر خواهد بود و امکان بوجود آمدن حسن تفاهم واقعی نیز بیشتر خواهد شد.

— از خردسالی باید جوانان را متکی به نفس و معتقد به اصالت و راستی بار آورد. از جان دادن به خرافات و توهمات منحرف‌کننده

در نوشتن برای آنان باید پرهیز کرد و در گسترش دید اجتماعی و علمی آنان باید کوشید.

به این ترتیب می‌توان گفت که کتابهای کودکان در زمان ما در عین حال که واجد شرایط کتابهای خوب گذشته هستند ولی خصوصیات کاملاً متمایز دارند. کتابهای بچه‌ها در آستانه قرن بیست و یکم بیشتر از همه به پلی شباهت دارد بین کودک و محیطی که در آن زندگی می‌کند، بین کودک و کودکان دیگر و بخصوص کودکانی از محیطهای کاملاً متفاوت. از همه مهمتر پلی است بین کودکان و دنیای ناشناخته آینده. ادبیات کودکان در این زمان کوشش می‌کند بدون دادن نصیحتهای اخلاقی و شعارهای شدید سیاسی و اجتماعی، به اطفال کمک کند تا در دنیای متغیری که زندگی می‌کنند به تدریج نقش حساس و سازنده‌ای ایفا کنند.

شاید اعتقاد به همین اصول است که در کشورهای جهان، چه منفرداً و چه بصورت گروه، وقت و بودجه بسیار صرف تحقیق و بررسی مسائل ادبیات کودکان می‌شود و برای تشویق ناشران و نویسندگان در تمهیه و نشر کتابهای خاص برای کودکان و نوجوانان جوایز و نمایشگاهها و بازارهای بزرگ ترتیب می‌دهند.

۲- ادبیات کودکان در چند منطقه از جهان

چنانکه قبلاً هم اشاره شد شکوفان شدن ادبیات کودکان به مفهومی که امروز ما از آن داریم از قرن نوزدهم میلادی در کشورهای مختلف جهان بخصوص اروپا آغاز شد ولی سیر پیشرفت آن در همه کشورهای نه از لحاظ کیفیت و نه از لحاظ سرعت به یک نحو نبود. از آنجا که بررسی سیر تحول ادبیات کودکان در یک یک کشورها از حوصله این کتاب کاملاً خارج است، شاید کافی باشد به بررسی وضع ادبیات کودکان در کشورهایی بپردازیم که به دلایلی از دیگران خود را متمایز ساخته‌اند، و بررسی چگونگی وضع در این کشورها روشن‌کننده بسیاری از نکات درباره ادبیات کودکان می‌شود:

تاریخ ادبیات کودکان در انگلستان به قرون وسطی، به زمان سرایندگان دوره گرد برمی گردد. یادگارهای درخشان آن دوره‌ها عبارت است از: فابلها*، افسانه‌های عامیانه لطیف، داستانهایی ماجراجویی حماسی چون «آرتور شاه و دلاوران میز گرد» و «داستان رابین هود».

اولین مجموعه داستانهایی کودکان به زبان انگلیسی در سالهای ۱۷۰۰ بوسیله نیوبری^۱ منتشر شد. همین ناشر، متلها و افسانه‌های گردآوری شده فرانسوی را به انگلیسی درآورد و منتشر ساخت. توجه نیوبری به انتشار کتاب برای کودکان باعث شد که امروز یکی از معروفترین جوایزی که برای کتابهای انگلیسی زبان وجود دارد به نام او باشد.

در اواسط دوره ویکتوریا، لوئیس کارول^۲ با نوشتن کتابهای مشهور «آلیس در سرزمین عجایب» و «آلیس در سرزمین آینه‌ها» در واقع ادبیات تخیلی کودکان را در انگلستان پایه گذاری کرد. این نوع از ادبیات در انگلستان چنان رونق گرفت که این کشور را به حق قهرمان ادبیات تخیلی و افسانه‌های جدید برای کودکان می دانند. پس از کارول نویسندگان مشهور دیگری چون راسکین^۳ نویسنده کتاب «پادشاه رودخانه طلائی» و ثاکری^۴ افسانه‌های بسیار زیبایی آفریدند که تا به امروز کودکان را مشغول می سازد. در قرن نوزدهم نویسندگانی چون اسکار وایلد^۵، رابرت لویی ستیونسون^۶، کیپینگ^۷، بئاتریکس پاتر^۸ از افسانه پردازان بنام برای کودکان و نوجوانان بودند. افسانه‌های این نویسندگان گرچه کاملاً از یکدیگر متمایزند و جنبه‌های مختلف شخصیت طفل را پرورش می دهند، ولی همه از شاهکارهای جهانی ادبیات کودکان به شمار می آیند،

* - رجوع شود به صفحه ۶۹.

- 1- John Newbery
- 2- Lewis Carroll
- 3- John Ruskin
- 4- William Thacheray
- 5- Oscar Wild
- 6- Robert Louis Stevenson
- 7- Rodyard Kipling
- 8- Beatrix Potter

و تاکنون بارها به زبانهای مختلف جهان ترجمه و منتشر شده‌اند. از قرن بیستم و بخصوص بعد از جنگ جهانی دوم با پیشرفت کتابخانه‌های مدارس و ایجاد گروههای فنی که کتابهای کودکان را مورد بررسی و اظهار نظر دقیق قرار می‌دهند ادبیات کودکان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده است. گرچه اطفال انگلیسی هنوز هم از خواندن افسانه‌های خیال‌انگیز حیوانی و داستانهای ماجراجویی تاریخی لذت می‌برند ولی بسیاری از اوقات خود را صرف مطالعه کتابهای غیرداستانی در رشته‌های مختلف علوم و فنون و مسائل مختلف اجتماعی می‌کنند. به جرأت می‌توان گفت کتاب غیر درسی در نظام آموزش انگلیس نقشی به‌مراتب سازنده‌تر از کتابهای درسی دارد.

از میان دهها نویسنده و شاعر معاصر انگلیسی برای کودکان و نوجوانان، نام این عده بدون شك در کشورهای دیگر جهان کاملاً شناخته شده است: میلنه^۱، ئی. بی. وایت^۲، والتر دولامار^۳.

ب - اتحاد جماهیر شوروی

تاریخچه ادبیات کودکان این کشور وسیع را که از ملت‌های مختلف تشکیل یافته است می‌توان به دودوره قبل و بعد از انقلاب تقسیم کرد. از دوران قبل از انقلاب سخن مابیشتر درباره روسیه خواهد بود که در آن نویسندگانی چون پوشکین^۴، ژوکوفسکی^۵ تولستوی^۶ و گورکی^۷ برای کودکان و درباره آنها داستان و شعر و مقاله نوشته‌اند. گذشته از این اطفال روسی مانند بچه‌های هرملت دیگر از داستانهای ملی و افسانه‌هایی که بین مردم رایج بوده است برخوردار بوده‌اند. پوشکین با الهام از همین افسانه‌های بسیار زیبا افسانه‌های منظوم دلنشینی را خلق کرد.

- 1- A. A. Milne
- 2- E. B. White
- 3- Walter De La Mare
- 4- Alexander Pushkin
- 5- Jukowsky
- 6- Leo Tolstoy
- 7- Maxim Gorky

تولستوی نویسنده‌گیش برای کودکان و جوانان نه فقط سخت رنگ ملی داشت بلکه جنبه آموزشی قوی نیز بخود می‌گرفت. گورکی علاوه بر خلق آثاری که مورد توجه نوجوانان و جوانان بود با مقاله‌ها و سخنرانیهای خود راه را برای نویسندگان بعد از انقلاب باز کرد. او همواره توصیه کرده است که در نوشتن برای کودکان گذشته از توجه به هنر نویسندگی در حد اعلاى خود، باید به تربیت آنان به عنوان انسانهای خوشبخت و فعال توجه داشت. در نظرات گورکی دو نکته بسیار مورد تأکید قرار گرفته است یکی توجه خاص به ریشه‌های ملی و گذشته تاریخی مردم و دیگر ایجاد علاقه به کار و فعالیت.

بعد از انقلاب ادبیات مردم از یک سو و تهیه مطالبی برای خواندن که ذوق تحصیل و سازندگی را در نسل جوان پرورش دهد از سوی دیگر مورد توجه خاص قرار گرفت. شعرا و نویسندگانی چون مایاکوفسکی^۱، مارشاک^۲، چوکوفسکی^۳، بارتو^۴ و میخایلکوف^۵ در حد اعلاى هنرمندی به خلق افسانه‌ها و داستانها و اشعار مخصوص کودکان پرداختند.

از خصوصیات ادبیات کودکان در اتحاد جماهیر شوروی می‌توان نکات زیر را برشمرد:

- توجه بسیار به هنرمندانه بودن آثاری که برای کودکان منتشر می‌شود، چه از لحاظ نوشته و چه از لحاظ تصاویر.
- توجه به ادبیات ملی و عامیانه اقوام مختلف عضو این اتحاد.
- خلق افسانه‌های بسیار در زمینه‌های مختلف اعم از افسانه‌های علمی و افسانه‌های لطیف شاعرانه.
- وجود تعداد بسیاری از کتابهای غیر داستانی در سطوح و زمینه‌های مختلف.

- وجود انواع مجلات علمی و تفریحی.

- ترجمه وسیع از آثار کشورها و ملل هم‌مسلك و از آثار

1- Mayakovsky

2- Samuel Marshak

3- Kornei Chukovsky

4- Agnia Barto

5- Serguei Mikhailkov

برگزیده کلاسیک و معاصر کشورهای دیگر. این نوع ترجمه‌ها در سالهای اخیر که روابط فرهنگی با دول غرب توسعه یافته است رونق بیشتری گرفته‌اند.

— دولتی بودن کلیه انتشارات.

انحصار دولت بر کلیه انتشارات کشور در شوروی و همچنین تا حد قابل توجهی در کشورهای هم‌مسلك آن باعث شده است که سیاست انتشاراتی در دست دولت باشد. بدین معنی که دولت هم برنامه‌ریز است هم مجری و هم تولیدکننده و توزیع‌کننده. بدون شك در به‌ثمررساندن برنامه‌های خود، دولت از نویسندگان و هنرمندان کشور استفاده می‌کند. یعنی طبق برنامه‌های معین‌شده، کتابی را یا سفارش می‌دهد یا کتابی را برای چاپ و نشر انتخاب می‌کند. در چنین سیستم انتشاراتی جایی برای نوشته‌های مبتذل و مخرب فکر وجود ندارد. کتاب نیز به قیمت ارزان و با تیراژ خیلی زیاد در دسترس عموم قرار می‌گیرد.

تا چند سال پیش دنیا نویسندگان کودکان شوروی را خوب نمی‌شناخت. امروز آثار آنان را به‌زبانهای مختلف جهان می‌توان خواند. نمایندگان آنها نیز در بیشتر فستیوالها و کنفرانسهای مربوط به ادبیات کودکان شرکت می‌کنند.

ج - کشورهای متحده امریکای شمالی

تا اواخر قرن نوزدهم کودکان امریکایی بیشتر از کتابهای انگلیسی استفاده می‌کردند. بعد از این زمان بود که نویسندگان امریکایی به ادبیات کودکان توجه یافتند و آن را تقویت کردند و به این فکر افتادند که احتیاجات روانی و معنوی و اجتماعی بچه‌های امریکایی با بچه‌های انگلستان دوران ملکه ویکتوریا کاملاً متفاوت است. به تدریج در نوشته‌های نویسندگانی چون مارك تواین، لوییزامی الکت، هریت بیچرستو و دیگران چهره کودک و نوجوان امریکایی هویدا شد. از طرف دیگر مهاجرت اقوام ملل مختلف اروپایی و آسیایی باعث شد که از کشورهای چینی، هند، نروژ، روسیه و ایتالیا رهاوردهای ادبی برای اطفال

امریکایی برسد.

تقریباً در همین زمان توجه خاص به توسعه کتابخانه‌های عمومی که عامل بسیار مؤثری در پیشرفت نشر کتاب بود مشاهده می‌شود. اولین فهرست کتابهای کودکان در سال ۱۹۰۰ با ذکر نام ۵۰۰ کتاب مناسب انتشار یافت. از سالهای چهل این سده انواع مجلات فنی به بررسی کتابهای کودکان و نقد آنها پرداختند و از این‌رو در پیشبرد ادبیات خوب برای کودکان امریکایی عاملی بسیار مؤثر شناخته شدند.

سرمایه‌گذاری وسیع در انتشار کتابهای کودکان از یک طرف و وسعت تجربه و دید که زاییده اجتماع مختلط این کشور است از سوی دیگر دریایی از کتاب و مطالب خواندنی برای کودکان و نوجوانان بوجود آورد. کاملاً طبیعی است که در نظام آزادانتشاراتی، با کمیتی چنین وسیع کتابهای مبتذل و منحرف‌کننده بسیار در دسترس اطفال قرار می‌گیرد و در این میان معلمان و بخصوص کتابداران هشیار نقش بسیار مهمی در جهت‌دادن به مطالعه اطفال و آموختن انتخاب صحیح به آنان برعهده دارند.

شاید از مهمترین عوامل توسعه دهنده ادبیات کودکان در این کشور پهناور این خاصه‌ها باشند:

– وجود انواع جایزه‌های ادبی و هنری برای کتابهای کودکان و نوجوانان.

– توجه خاص به کتابهای غیرداستانی علمی و اجتماعی.

– ایجاد و توسعه باشگاههای کتاب برای کودکان و نوجوانان.

– نقش فنی مجمع کتابداران و شورای کتاب کودک در پشتیبانی و تقویت نویسندگان و مصوران برجسته.

– توجه خاص به کتابهای غیرداستانی علمی و اجتماعی اطفال.

در اینجا لازم به تذکر است که در سالهای اخیر با توجه به مسائل اجتماعی شدیدی که در این کشور پیش آمده است، ناشران آگاه دست به انتشار کتابهایی زده‌اند که ذهن خردسالان کشور را نسبت به این مسائل بیدار سازد. کتابهایی که درباره زندگی

واقعی سیاهان نوشته شده و از فلسفه خاص میسیونری پیروی نمی‌کند بهترین نمونه این جنبش است.

نویسندگان مشهور امریکایی بسیارند ولی فقط آثار عده انگشت شماری از آنان را ما به فارسی خوانده‌ایم، گرچه شاید ترجمه از ادبیات امریکایی برای بچه‌های ایرانی بیشتر از کشورهای دیگر بوده است. از میان نویسندگان معاصر امریکا این عده از لحاظ جهانی شناخته شده‌تر از دیگران هستند. افرادی چون اسکات اودل^۱، مندریت دیونک^۲، آرمسترانگ اسپری^۳، برتا و موریس پارکر^۴ و شنایدرها^۵.

د - کشورهای که تا قبل از جنگ جهانی دوم مستعمره بوده‌اند

ادبیات کودکان در این گروه عظیم از کشورها، که بسیار با هم متفاوتند، سالها در خواب بود. گرچه در بعضی از این کشورها، مانند هند، ادبیات بسیار غنی محلی وجود داشت ولی کثرت زبان و تفوق زبان کشور حاکم مانع از گسترش آن در میان اطفال و نوجوانان بود. سالها اطفال و نوجوانان این کشورها از کتابهایی تغذیه می‌کردند که میسیونرهای مسیحی یا بعداً ناشران کشورهای متجاوز مخصوص آنان تهیه و منتشر می‌کردند. این کتابها گرچه اغلب نام شاهکارهای ادبی کودکان را بر خود داشت ولی فاقد جنبه هنری و خلاقه آن بود.

جنبشهای آزادیخواهانه طبیعتاً به ادبیات اصیل کشورها نظر کرده و باعث رونق آن گردید و با به‌ثمر رسیدن این مبارزه‌ها به تدریج کتابهایی برای اطفال این کشورها بوجود آمد که با روحیه و احتیاجات آنان وفق داشت.

امروز اطفال افریقایی در کشورهای خود رفته رفته به جای سرودها و ترانه‌های فرانسوی و پرتغالی و انگلیسی و غیره از متلها و ترانه‌های کشور خویش بیشتر استفاده می‌کنند و

1- Scott O'Dell

2- Meindert DeJong

3- Armstrong Sperry

4- Berta and Morris Parker

5- Herman and Nina Shneider

افسانه‌های زیبا و گرم ملت خویش را چنان‌شین داستانها و افسانه‌های بیگانگان می‌سازند.

۳- ادبیات کودکان در ایران

کشور ما با همه عظمت و قدمت ادبیش در زمینه ادبیات کودکان، به مفهومی که ما امروز از این عنوان داریم، تاریخچه‌ای بسیار مختصر دارد و در این راه طفلی نوپاست. علت این امر را بیش از همه باید در تاریخچه فلسفه تعلیم و تربیت ما جستجو کرد. در ایران نه فقط نویسندگان و محققین بلکه مربیان تا همین سالهای اخیر به کودکی و نوجوانی فقط به عنوان يك دوران آموزندگی و نقش‌پذیری نگریسته‌اند و هرگز این دوران را به خودی‌خود، مورد مطالعه و مشاهده قرار نداده‌اند، بلکه همیشه آن را به صورت مرحله‌ای در راه رسیدن به بزرگسالی پنداشته‌اند. برای آنها همیشه آینده بچه مطرح بوده است ولی اینکه این آینده با صرف چه نیرویی و تحمل چه رنج عبثی بدست خواهد آمد مهم نبوده است. به گفته دیگر در قدیم، وحتى شاید گزاف نباشد که بگوییم هنوز هم بسیاری کسانی که معتقدند طفل بزرگسالی است «كوجك» با قدرتی عظیم در آموختن. بنابراین باید از این قدرت او استفاده کرد و به تدریج همه آنچه را در بزرگی باید بداند در محفظه ذهنش ریخت.

در باره اینکه این فلسفه و دید غلط چقدر باعث عقب‌افتادگی و نارسایی تعلیم و تربیت ما شده است در اینجا صحبتی نمی‌کنیم، ولی جا دارد که درباره تأثیر این فلسفه در بوجود آمدن یا بهتر بگوییم «بوجود نیامدن» ادبیات کودکان در این مرز و بوم خوب بیندیشیم.

این طرز تفکر درباره کودک و نوجوان باعث شد که هرگز کوششی علمی در راه شناخت واقعی شخصیت او در ایران انجام نگیرد. همین عدم شناسایی خود سبب شد که آنچه ظاهراً برای کودک و نوجوان بوجود می‌آید هیچ تجانسی با روحیه و طرز فکر او نداشته باشد. بدیهی است اینجا صحبت از ادبیاتی است که به

نام كودك و نوجوان نوشته می شده است و به هیچ وجه این گفته درباره افسانه ها و متلها و داستانهای عامیانه ما صادق نیست، چه این متلها و افسانه ها و داستانها را مردم می ساخته اند یعنی پدران و مادران و این عمل دور از هر مقام طلبی و سودجویی انجام می گرفته است. مادر یا پدر در لحظاتی صمیمی سرودی یا ترانه ای یا افسانه ای برای فرزند خویش می گفته است و چون گفته هایش صادق و صمیمی و از دل برخاسته بود لاجرم بر دل می نشست. به این ترتیب در بررسی ادبیات کودکان در ایران شاید بهتر باشد آن را به چند بخش تقسیم کنیم:

الف - ادبیات عامیانه

قدمت تاریخ ملت ما طبیعتاً ایجاب می کند از منبع بسیار غنی ادبیات عامیانه برخوردار باشیم. خاصه اینکه در این سرزمین از دیرباز اقوام و طوایف مختلف دوش به دوش هم می زیسته اند و نتیجتاً در طرز تفکر و فلسفه زندگی یکدیگر تأثیر بسیار داشته اند.

ادبیات عامیانه ما مانند ادبیات مردم در هر نقطه دیگر گیتی آینه ای است تمام نما از خصوصیات خلقی و مسائل و راهنماییهای این قوم کهن. اگر در لالاییهای مادرانه اثری از غم تنهایی دیده می شود متلهایمان جلوه گر شوخ طبعی و تیزاندیشی طبع طنزپسند ایرانی است و در افسانه هایمان، بخصوص افسانه های حماسیمان، روح بلند و آزادی طلب مردمی دیده می شود که همواره کوشیده اند به زیر بار زور نروند و به هر وسیله دست افکنده اند که موجودیت خویش را ثابت و حفظ کنند.

این گنجینه عظیم، قرنها سینه به سینه از دهان مادر بزرگان به گوش نوه ها می رسیده است. گاه و بیگاه نویسنده ای از آنها الهام می گرفته است و از تلفیق داستانی عامیانه با تفکرات خویش اثری جدید بوجود می آورده است. از این قبیلند آثاری چون «مرزبان نامه» و «شاهنامه فردوسی». افرادی نیز در طول قرون کوشیده اند تا داستانهای عامیانه ای را که می شنیده اند به نحوی

ضبط کنند. بسیاری از داستانهایی که با انشایی نه چنان دلچسب با چاپی بد حتی امروز در میان مردم یافت می شود از این قبیل است، مانند: «چهل طوطی».

نمی توان صحبت از ادبیات عامیانه کرد ولی داستانهای دینی رایج بین مردم را نادیده گرفت. این داستانها که زائیده فکر ابتدایی و ایمان راسخ مردم بوده اند گرچه پر از خرافه و تعصبند ولی غذایی هستند معنوی که هنوز میان مردم خاصه در روستاها طرفداران بسیار دارد.

کسی که اولین بار داستانهای عامیانه ایرانی را مخصوص کودکان جمع آوری و منتشر ساخت صبحی مهتدی بود. این داستانگوی ماهر فعالیت خویش را در آخرین سالهای قبل از شهریور ۱۳۲۰ آغاز کرد. بسیاری از مریبان و والدین امروز کودکانی بوده اند که در ظهرهای جمعه آن زمان گوش به رادیو می سپرده اند تا صدای «بچه ها، سلام» او را بشنوند. صبحی از راه رادیو و برنامه اش با بچه های این کشور تماسی مستقیم برقرار کرد و از آنها درخواست کرد که در راه گردآوری داستانها به او کمک کنند. بچه ها دعوتش را پذیرفتند و چنین بود که از گوشه و کنار سیل داستانها و متلها و ترانه ها به سویش روانه گشت. صبحی از مدفون ماندن این داستانها جلوگیری کرد و همه آنها را به چاپ رساند. کتابهای «افسانه ها» و «افسانه های کهن» و «عمو نوروز» او تاکنون بارها تجدید چاپ شده اند.

در اینجا لازم است اشاره شود که صبحی اولین کسی نبود که دست به جمع آوری ادبیات عامیانه در ایران زد. صادق هدایت سالها قبل از او این کار را کرده بود، ولی صبحی کسی بود که ادبیات عامیانه را برای کودکان و نوجوانان جمع آوری کرد و در واقع از این رو کارش را می توان همردیف کار برادران گریم در آلمان و شارل پرو در فرانسه دانست. با وجود این مجموعه های صبحی را به هیچ وجه نمی توان بهترین بازنویس از ادبیات عامیانه ایرانی دانست، زیرا چیزی است بین یک اثر عامیانه و یک بازنویس خلاق. گذشته از این صبحی در انتخاب نیز همیشه خوش ذوقی بخرج

نداده است و اغلب هرچه را برایش فرستاده‌اند به چاپ رسانده است، حتی انواع مختلف يك داستان را. به همین دلیل در میان مجموعه‌های او به کلمات ركيك و مطالبی برمی‌خوریم که باعث می‌شود بگوییم همه داستانهای مجموعه‌های صبحی برای کودکان نیست. ولی باوجود این، گردآوری صبحی از لحاظ تاریخچه ادبیات کودکان در کشور ما همیشه جای خود را خواهد داشت.

در سالهای اخیر عده زیادی به جمع‌آوری ادبیات عامیانه در نقاط مختلف کشور پرداختند و با دیدی آشنا به روحیه اطفال و نوجوانان مجموعه‌هایی را منتشر ساختند. گرچه از لحاظ ارزش ادبی کار این افراد کاملاً متفاوت است ولی در اینجا لازم است در زمینه گردآوری و بازنویسی ادبیات عامیانه برای کودکان از افرادی چون کوهی کرمانی، صمدبهرنگی، بهروز دهقانی، محمود فارسی، ابوالقاسم فقیری، فریده فرجام و مهدخت دولت‌آبادی یاد شود.

ب - تربیت خواص و شاهزادگان

مطالعه تاریخ تعلیم و تربیت در ایران این نکته را روشن می‌سازد که زمانی دراز کار تربیت امیرزادگان و نوجوانانی که می‌بایست بعداً زمام امور را بدست‌گیرند در دست نویسندگان یا وزرای دانشمند بود و همین امر باعث شد که کتابهایی شبیه «کیمیای سعادت»، «سیاست‌نامه» و «کارنامه اردشیر بابکان» بوجود آید. گرچه این کتابها برای استفاده نوجوانان یا بهتر بگوییم نوجوانی خاص نوشته می‌شد ولی بیشتر جنبه کتاب درسی و آموزشی داشت تا کتابی برای خواندن و لذت بردن. در این کتابها نویسنده راه و رسم مردم‌داری و حکومت را به شاگرد و الامقام خویش می‌آموخت و این کتابها برای خواندن و لذت بردن نبود.

این آثار را که اکنون در زمره ادبیات کلاسیک فارسی درآمده‌اند شاید بتوان اولین نوشته‌هایی دانست که در این آب و خاک برای کودکان و نوجوانان تهیه شده است.

اگر در نظر بگیریم که خواندن و نوشتن فقط چند سالی است که عمومیت پیدا کرده است، شاید درست باشد اگر بگوییم سالها کودکان و نوجوانان طبقات خاص ایرانی که سواد آموخته بودند به منبع عظیم ادبیات کلاسیک دست می انداخته اند و از آن خرمن غنی خوشه چینی می کرده اند.

سالها «گلستان» و «بوستان»، «مرزبان نامه» و «کلیه و دمنه»، «مثنوی» و «شاهنامه» و «خمسۀ نظامی» کتابهایی بودند که برای کودکان می خواندند. تا همین چند سال پیش بود که حفظ کردن مقدمۀ جاودانۀ «گلستان» یا داستانهای منظوم «شاهنامه» و «مثنوی» از سرگرمیهای ادبی اطفال و نوجوانان بحساب می آمد. البته نه سرگرمی که خود انتخاب کنند بلکه کاری بود که می بایستی برای رضای خاطر والدین انجام می دادند.

هنوز هم در مدارس ما و بخصوص در سنین نوجوانی فقط و فقط ادبیات کلاسیک تدریس می شود، هنوز هم بچه ها و نوجوانان برای گرفتن نمرۀ خوب در بیان یا در انشا باید از جمله های مصنوعی و کلمات مغلق استفاده کنند و به قول خودشان «زبان ادبی» به کار برند.

د - مشروطیت و ادبیات کودکان

جنبش مشروطه خواهی همانطور که در ادبیات فارسی تأثیری بسیار عمیق داشت و دیدی واقع بین و مردم گرا به آن بخشید طبیعتاً در ادبیات کودکان نیز مؤثر واقع شد. نویسندگان پرشور این دوره از تأثیر تعلیم و تربیت و اهمیت آن آگاه بودند. بسیاری از آنها با ادبیات غرب مستقیماً آشنایی داشتند و گرچه برای خود رسالتی دیگر قائل بودند ولی از اطفال و نوجوانان نیز غافل نماندند. نویسندگی و سراینده گی این دسته از نویسندگان برای کودکان بیشتر تفننی بود ولی بهر حال امروز اشعاری از ایرج

۱- منظور از ادبیات کلاسیک در این کتاب ادبیاتی است که نویسنده و سبک شناخته شده و پذیرفته شده ای دارد.

میرزا و عشقی و بهار را اطفال سنین دبستانی و نوجوانان با میل بسیار می‌خوانند و هنوز هم آنچه در نوشته‌های این دوره قابل ذکر است زبان و سبک نوشته است، گرچه در انتخاب موضوع نیز ابداعاتی دیده می‌شود. در آثار این دوره، گرایش به سوی مردم، سبکی ساده و بدون تکلف را در نظم و نثر فارسی وارد می‌کند. اولین بار در تاریخ ادبی ایران ادبیات نقش فعال خود را می‌یابد و در میان مردم شنونده و خواننده پیدا می‌کند.

از این پس ادبیات وسیلهٔ سخن گفتن و درد دل کردن با مردم می‌شود نه فخر فروشی ادیبانه و مداحی. گرچه این تغییر جهت در همه جا موفقیت‌آمیز نبود و آثار ناشیانهٔ بسیار بوجود آورد ولی بهر حال در تاریخ ادبیات مردم کشور ما نقطهٔ عطفی است.

۵- پایه‌گذاران ادبیات نوین کودکان

در حدود سالهای ۱۳۰۰ در آذربایجان معلمی دلسوز کودک-شناس و کودک دوست دست به خلق خواندنی‌هایی خاص کودکان می‌زند. برای آنها شعر می‌گوید و نمایشنامه می‌نویسد و داستان می‌پردازد. و با این نوشته‌ها بچه‌های «باغچهٔ کودکان» را شاد و سرگرم می‌سازد.

جبار عسکرزاده (باغچه‌بان) که نمونهٔ یک معلم واقعی بود کودکان را خوب می‌شناخت و به زبان و رفتار آنان آشنا بود و می‌توانست جهان و هر چه در اوست را از دیدهٔ اطفال ببیند و این هنر اصلی او بود. سادگی بیان و صمیمیت باغچه‌بان در شعرها و نمایشنامه‌هایش خصیصه‌ای است که کودکان را مجذوب می‌سازد. گرچه در زمان حیات نیز بسیاری از آثارش به چاپ رسید ولی پس از وفاتش بود که مجموعهٔ اشعارش به نام «من هم در دنیا آرزو دارم» و افسانهٔ «بابا برفی» با برخورداری از فنون چاپ جدید منتشر شد.

در فاصلهٔ بین سالهای سیصد و سیصد و بیست و یک گاه و بیگاه نویسندگان و شعرایی پیدا شدند و آثاری را خلق کردند که مورد توجه نوجوانان واقع شد. در این میان باید از افرادی چون یحیی

دولت آبادی مؤلف کتاب «شهرناز»، صنعتی زاده کرمانی مؤلف کتاب «رستم در قرن بیست و دوم» نام برد. در همین زمان عباس یمینی شریف دست به نوشتن کتاب و سرودن شعر برای کودکان زد. او معلم است و این رسالت خویش را به طور کامل در نوشته هایش اعم از نثر و نظم نشان داده است. عباس یمینی شریف بخاطر آثارش بارها برنده جوایز مختلف ادبیات کودکان بوده است. او فقط یک نویسنده و شاعر نیست بلکه در تاریخچه ادبیات کودکان از اولین کسانی است که دست به انتشار مجله برای کودکان زده و هم اکنون نیز مدیر یکی از مشهورترین مجله های کودکان این سرزمین است (کیهان بچه ها).

در همین زمان آثار خارجی نیز به تدریج برای بچه ها و نوجوانان به فارسی برگردانده می شد، گرچه، باتوجه به احتیاج مبرم کودکان و نوجوانان آن دوره کار ترجمه تحریک لازم را نداشت. مترجمانی چون علینقی وزیری، روحی ارباب، مهری آهی، افسانه های عامیانه ملل و افسانه های اندرسن را به زبان فارسی روز در دسترس کودکان ایرانی گذاشتند.

از سال ۱۳۲۰ تحول همه جانبه ای در تاریخ انتشارات ایران پدید آمد. روزنامه ها و مجله های بیشماری با دیدها و طرز فکرهای مختلف در دسترس همگان قرار گرفت.

این روزنامه ها و مجله ها اغلب برای کودکان و نوجوانان صفحه های مخصوص داشتند. بعضی از این مجلات به بحث و انتقاد درباره مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان پرداختند. از آن جمله در سال ۱۳۳۲ مجله «سپیده فردا» نقش مستقیم گفتگو با مربی ایرانی را اعم از معلم و والدین بر عهده گرفت. در این مجله همراه با مقالات فنی تعلیم و تربیت، مقالاتی درباره ادبیات کودکان، داستانها و اشعاری خاص بچه ها و همچنین پاسخ پرسشهای متنوع نوجوانان و جوانان منتشر شد. همین مجله بود که اولین فهرست کتابهای مناسب کودکان و نوجوانان را در سال ۱۳۳۸ منتشر کرد. انتشار این فهرست به دنبال فعالیتهای متنوعی از قبیل ایجاد اولین نمایشگاه کتابهای کودکان (۱۳۳۵) و سخنرانی مرحوم

دکتر هوشیار درباره «افسانه و کودکان» و انتشار شماره مخصوص مجله سپیده فردا درباره ادبیات کودکان بود.

در این سالها ترجمه آثار خارجی نیز رونق بسیار گرفت. سیل ترجمه در آثار مخصوص کودکان و نوجوانان نیز تأثیر گذاشت. آثار ارزنده ادبیات کودکان جهان چه در زمینه داستان و چه در حیطه کتابهای علمی و اجتماعی به فارسی ترجمه شد. در این زمینه ابتدا باید از فعالیت انتشارات نورجهان نام برد که در چهار چوب تبلیغات مذهبی تعدادی کتاب شرح حال و داستان در اختیار اطفال گذاشت. در توسعه کار ترجمه بدون شك فعالیت انتشارات فرانکلین و بنگاه ترجمه و نشر کتاب را بخصوص باید به خاطر داشت. هر دو این مؤسسات کوشیدند تا بهترین آثار را بوسیله بهترین مترجمان به فارسی برگردانند و این کار را به سرعت انجام دادند و باعث شدند که در طول چند سال شماره کتابهای کودکان از دهها به صدها برسد. در این جا دو نکته قابل توجه است: یکی اینکه کتابهایی که بوسیله این مؤسسات ترجمه و منتشر می شد اکثر از کتابهای طراز اول بود، دیگر اینکه وسعت عملکرد آنها چنانکه باید وسیع نبود. بنگاه انتشارات فرانکلین سالها فقط از منابع امریکایی ترجمه می کرد و بیشتر انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب از آثار نویسندگان فرانسوی و گاه نویسندگان روسی و به ندرت از نویسندگان کشورهای دیگر بود. در نتیجه گرچه بچه های ما با کتابهای خوب خارجی آشنا شدند ولی کم کم دیدی يك جانبه نسبت به جهان و مسائل آن پیدا کردند.

ترجمه کتابهای کودکان و نوجوانان بخصوص در زمینه کتابهای غیر داستانی اشکال دیگری نیز داشت و آن این بود که بسیاری از مترجمان گرچه عالم و آشنا به ادبیات فارسی بودند ولی طفل و نوجوان را نمی شناختند و به مهارتهای او در زبان آشنا نبودند. این اشتباه در انتخاب مترجم برای کتابهای غیر داستانی کودکان سبب شد که بسیاری از کتابهای ارزنده علمی که به فارسی برگردانده شده بود بدون خواننده بماند. طفلی که موضوع کتاب برایش جالب توجه بود فارسی آن را نمی فهمید و برای نوجوانی

که شاید زبان را درک می‌کرد موضوع بچگانه و پیش پا افتاده می‌نمود. آثار ترجمه شده در ادبیات کودکان با همه معایبشان این حسن را داشتند که علاوه بر اینکه مطالب خواندنی در دسترس اطفال و نوجوانان گذاشتند، مریبان و نویسندگان جوان را نیز بیدار کردند تا به راهیابی و خلق آثار مناسب برای بچه‌های این سرزمین پردازند. در آخرین سالهای همین دهه اولین کتابهای تصویری منتشر شد: «کدوی غلغله‌زن» و «نرگس و عروسک موطلایی».

و - ادبیات کودکان در دهه اخیر:

سال ۱۳۴۰ نقطه عطف دیگری است در تاریخ ادبیات کودکان ایران. در این سال بود که چرخشی بنیانی در کتابهای درسی ما پدیدار شد. روش تدریس و مطالب کتابهای جدید، سن مطالعه را تقریباً سه سال پایین آورد. یعنی اگر قبل از سالهای ۴۲ و ۴۳ بچه‌ها به ندرت قبل از ده سالگی می‌توانستند کتابی غیر از کتابهای درسی بخوانند از آن سالها به بعد در سال دوم ابتدایی قدرت خواندن کودکان چنان است که هرچه را با حروف درشت و در قالب جمله‌های ساده نوشته شود می‌توانند بخوانند. به این ترتیب جمعیت کتابخوان در این گروه سنی ناگهان چندین برابر شد. از طرف دیگر به کمک سپاهیان دانش و توجه به تعلیم و تربیت روستاییان جمعیت کتابخوان از لحاظ کیفیت نیز تغییر یافت. اگر قبلاً فقط چند هزار بچه شهرنشین، آن هم در چند شهر بزرگ کشور می‌توانستند کتاب بخوانند، اکنون جامعه کتابخوان را اطفال و نوجوانان شهری و روستایی از هر طبقه ولایه اجتماعی تشکیل می‌دهد. گذشته از این دو عامل پیدایش نقد ادبی در زمینه ادبیات کودکان که با مقاله‌های مجله سپیده فردا در چند سال قبل از شروع شده بود رونق گرفت و مجلاتی چون سخن و راهنمای کتاب و بعدها نگین و فردوسی و تماشا به درج انتقاداتی در زمینه کتابها و خواندنیهای کودکان پرداختند. رفته رفته کتابهای بچه‌ها موضوع بررسی و مطالعه دقیق شدند.

در زمستان ۱۳۴۱ «شورای کتاب کودک» کار خود را آغاز کرد. این شورا که کار اصلیش بررسی و انتخاب کتابهای مناسب کودکان و نوجوانان است با تشکیل انواع جلسات بحث، نمایشگاههای کتاب و برگزاری هفته‌های کتاب کودکان، انتشار فهرستهایی از کتابهای مناسب برای کودکان و نوجوانان و برگزیدن کتابهای خوب در هر سال شاید برای نخستین بار به صورتی جدی و مداوم به بررسی کیفیت کتابهای کودکان و نوجوانان پرداخت. نمی‌توان از ادبیات کودکان در سالهای اخیر سخن گفت و از نقش پرارزش مجله‌های «پیک» که در پاییز ۱۳۴۳ منتشر شد، یاد نکرد. لازم است در اینجا به نقش سازنده‌ای که این نشریات در علاقه‌مند کردن کودکان و نوجوانان به مطالعه دارند اشاره شود. نویسندگان و مترجمان و مصورانی که در خدمت این گروه از نشریات هستند همه از بهترینند. اکثر آنها با سالها سابقه تدریس و آشنا بودن با کودکان به این کار پرداخته‌اند و چه بسا که رمز اصلی موفقیت آنها نیز همین باشد.

چند سال بعد، در سال ۱۳۴۵ تحت ریاست عالیة شهبانوی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوجود آمد. این کانون در زمینه‌ای بسیار وسیع به پرورش فکری کودکان پرداخت. گذشته از احداث کتابخانه‌های عمومی برای کودکان، با درخدمت گرفتن نیروی فعالی از نویسندگان و مترجمان جوان و نقاشان و مصوران با استعداد، کتابهایی زیبا به مقدار زیاد در دسترس کودکان گذاشت. همچنین در زمینه نقد و بررسی کتاب، تهیه نمایشنامه و بوجود آوردن تأثر و فیلم خاص اطفال اقدامات شایان توجهی کرد. در میان همه این اقدامات آنچه بیش از همه مستقیماً در کتابخوان کردن اطفال ایرانی مؤثر بوده کتابخانه‌های عمومی کودکان است که کانون در گوشه و کنار کشور و بخصوص در نقاط پرجمعیت و کم بضاعت ایجاد کرده و می‌کند. وجود این کتابخانه‌ها کتاب را در دسترس عموم بچه‌های با سواد گذاشت درجایی که این کتابخانه‌ها هستند پول داشتن لازمه کتاب خواندن نیست. بچه‌ها می‌توانند بدون هیچ خرجی به گرانترین کتابها دست یابند. گذشته

از این کتابخانه‌های کانون به صورت باشگاه‌هایی فرهنگی درآمده‌اند که اطفال طبقات مختلف را پهلوی هم به مطالعه و بحث و تجسس و خلق آثار هنری تشویق می‌کنند.

دههٔ اخیر را در تاریخچه ادبیات کودکان در ایران می‌توان دههٔ هشیاری و تحرك نامید. ناشر و مترجم و نویسنده و محقق و معلم همه به کار کتابهای بچه‌ها علاقه‌نشان می‌دهند. به جرأت می‌توان گفت که اکنون راه را یافته‌ایم و می‌شناسیم ولی هنوز همه شاید روش قدم برداشتن در این راه را چنانکه باید نمی‌دانیم. همراه با گسترش کمی کتابها باید انتقادهای سازنده نیز وجود داشته باشد. باید از زیاده‌رویها و تندتازیهای عوام فریب‌خودداری کرد. نویسندگان با استعداد و جوان ما باید قبل از مغرور شدن و در نتیجه منحرف شدن، به تحقیق و مطالعه و انتقاد از خویشتن پردازند و بدانند که این راهی است که همهٔ نویسندگان موفق جهان پیموده‌اند.

توجه به ادبیات کلاسیک و عامیانه و واقع‌گرایی چندخصیصهٔ اصلی داستانها در این زمان است.

در انتخاب و انطباق از ادبیات کلاسیک فارسی برای کودکان باید کارهای احسان یا رشاطر («داستانهای شاهنامه» و «داستانهای ایران باستان») و مهدی‌آذریزدی (مجموعهٔ «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب») و زهراخانلری («داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی» و «افسانهٔ سیمرخ») مهرداد بهار («جمشیدشاه» و «بستور») را نام برد. این نویسندگان در سبک انطباق ادبی کاری کاملاً متفاوت ارائه می‌دهند. اگر باز نویسهای مهدی‌آذریزدی بیشتر جنبهٔ اخلاقی و اجتماعی دارد، آثار زهراخانلری و احسان-یارشاطر و مهرداد بهار بیشتر جلوه‌گرارزش هنری آثار ادبی کلاسیک ایران است.

گرایش به ادبیات عامیانه و واقع‌گرایی گرچه به‌جا و خوب شروع شد (صمدبهرنگی) ولی اکنون به‌صورتی بیمارگونه درآمده است. اگر زمانی ما دید یکطرفهٔ بیگانگان را به کودکان می‌دادیم اکنون به‌چشم نوجوانان و کودکان خود عینک خاص

روشنفکران نا موفق را می‌زنیم. باید روزی فرارسد که بچه‌های ما باچشمان خودشان و بوسیله کتاب، دنیا و محیط زندگی خویش را لمس کنند. هر پرواز تخیل را خرافه نپندارند و هر غول کش اژدهادری را قهرمان نشناسند.

از خصوصیات دیگر ادبیات کودکان در این دهه رسوخ شعر نوین است در قلمرو کودکان. شعرایی چون محمود کیانوشی، پروین دولت‌آبادی و م. آزاد برای اطفال شعر می‌گویند. بعضی از آنها درسبکی سخت پیشرو و بعضی دیگر در قالبی کلاسیکتر مفاهیم جدید را می‌پرورانند. اکنون در کشور ما شعر کودکان جای خاص خود را به تدریج می‌یابد.

چنانکه اشاره شد در این دوره نویسندگان و مترجمان و ناشران بسیاری به کار کتابهای کودکان پرداخته‌اند که بدون شك از میان نویسندگان اسممهایی چون صمدبهرنگی، نادر ابراهیمی، فریده فرجام، را بچه‌ها بسیار خوب می‌شناسند و آثارشان را دوست دارند و معلمان و کتابداران نیز ناشرانی چون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، امیرکبیر، نیل، پدیده، ابن‌سینا، جیبی و گوتمبرگ را می‌شناسند و گرچه از لحاظ کیفی آنها را باهم مقایسه نمی‌کنند ولی به عنوان ناشرانی که بیش از دیگران به کار کودکان می‌پردازند قبولشان دارند.

عبدالمجید
صالحان
مهرماه

سازمان انتشارات - تهران

مفتی کاظم - تهران

خلیل ملکی

عباس خلیج

دهم مهرماه سال ۱۳۲۵

میرزا زین‌العابدین - ترجمه
۳۰

کودکان و نوجوانان و کتاب

گروهی از کسانی که دست‌اندرکار نویسندگی و تهیه و توزیع کتاب هستند چنین عقیده دارند که فقط کیفیت ادبی و هنری کتاب مهم است، اختصاص کتاب به گروه‌های سنی مختلف، تهیه فهرستهای جداگانه برای کودکان و نوجوانان کاری زائد است. هر خواننده‌ای چه خردسال و چه بزرگسال از خواندن اثر برداشت خاصی دارد و نکاتی از منظور نویسنده را که بیشتر با حالات روحی و قدرت درک او مطابق است در خواهد یافت.

این دسته برای اثبات نظر خود کتابهایی را مثال می‌آورند که به هیچ‌وجه برای کودکان و نوجوانان نوشته نشده‌اند. مانند «سفرهای گالیور» اثر جوناتان سویفت، «روبنسن کروزو» اثر دانیل دوفو، یا «موش و گربه» عبید زاکان که هر سه نقد اجتماعی و سیاسی هستند، ولی اکنون از آثار کلاسیک ادبیات کودکان و نوجوانان بشمار می‌آیند، یا به کتاب «کلمات» اثر ژان پل سارتر اشاره می‌کنند که می‌گوید چگونه ژان پل هشت ساله در کتابخانه پدر بزرگش مسلط به خواندن شد و از همان ابتدا آثار ادبیات جهانی را مطالعه کرد. ولی مراحل گوناگون مطالعه کودکان را طی نکرد. یا به اریخ کستنر، نویسنده کتاب «امیل و کارآگاهان» و «دام والدین» استناد می‌کنند که در سخنرانی خود به مناسبت دریافت

جایزه بین‌المللی هانس کریستیان آندرسن به این نکته اشاره کرد که او در نوشتن این کتابها منظورش خلق آثاری برای کودکان و یا نوجوانان نبوده بلکه به خاطر آن دوران کودکی خود بازگشته است. در رد یا قبول این عقیده باید بیشتر تعمق کرد چه همه موارد استنادی جنبه‌های استثنایی را دربر می‌گیرند و شامل اکثریت کودکان کتابخوان نمی‌شوند. این درست است که کودکان بعضی از آثار بزرگسالان را بگونه‌ای به خود اختصاص داده‌اند که کمتر نامی از آنها در ادبیات بزرگسالان برده می‌شود. ولی این آثار مشخصاتی داشته‌اند که با خاصه‌های سنی، احتیاجات و علاقه‌مندیها، تخیل و تصور کودکان و نوجوانان وفق می‌داده است و گر نه چرا همه آثار ادبیات جهان چنین مقامی در ادبیات کودکان و نوجوانان نیافته‌اند؟

شاید صحیحتر باشد بگوییم که برای هر اثری می‌توان «سن حداکثر استفاده و لذت» را تعیین کرد. بدین معنی که با مطالعه عکس‌العملها و نظرات و میزان درک گروههای سنی مختلف در مقابل کتابی خاص، حدود سنی مشخصی برای هر کتاب معین کرد، بدون اینکه جنبه‌های استثنایی، حالات و روحیه کودک یا نوجوان، محیط زندگی، علایق خاص او کنار گذاشته شوند. به عنوان نمونه در گذشته در مکتبهای ایران پس از خواندن دوجزوه قرآن و مسلط شدن بر الفبا «گلستان» سعدی را به عنوان مطلب خواندنی به کودکان خردسال می‌دادند. خواندن نثر و نظم زیبا ولی سنگین سعدی، مطالب اجتماعی و حکمتهای زندگی او را به هر زحمتی بود بطریقی به کودکان یاد می‌دادند. ولی در چه هنگامی همین کودکان به آموخته‌های گذشته خود استناد می‌کردند و آنها را مثال می‌آوردند؟ زمانی که مردان بالغ و با تجربه و دنیا دیده‌ای شده بودند. بدون شك آشنایی با «گلستان» سعدی در دوران کودکی و نوجوانی مفید است ولی سن حداکثر استفاده و لذت از آن بعد از بیست‌سالگی است.

این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان سن حد اکثر استفاده و لذت را معین کرد، تا بتوان اولاً برای گروههای مختلف

کودکان و نوجوانان کتابهای مناسب انتخاب کرد و ثانیاً تقریباً اطمینان داشت که مطالعه آنها حداکثر تأثیر مطلوب را در خواننده خواهد داشت.

روانشناسی، جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت عوامل تعیین‌کننده را در اختیار کسانی می‌گذارند که با ادبیات و کودکان و نوجوانان کار می‌کنند. این عوامل عبارتند از:

- ۱- خصوصیات رشد جسمی و روانی
- ۲- احتیاجات و علاقه‌مندیهای اساسی انسانی و خاص هر سن.
- ۳- تواناییهای خواندن و تسلط بر زبان.
- ۴- محیط زندگی و تجربیات و شناختهایی که ایجاد می‌کند.

۱- خصوصیات رشد جسمی و روانی

برای سهولت درک تفاوت‌های این خصوصیات در مراحل مختلف کودکی و نوجوانی عموماً در روانشناسی و در تعلیم و تربیت تقسیم‌بندی زیر را رعایت می‌کنند:

- الف) سالهای قبل از دبستان یعنی تا ۶ سالگی.
- ب) سالهای اول دبستان یعنی ۶ و ۷ سالگی.
- ج) سالهای میانه دبستان یعنی ۸ و ۹ سالگی
- د) سالهای آخر دبستان یعنی ۱۰ و ۱۱ سالگی
- ه) سالهای نوجوانی یعنی ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ سالگی.

الف- دوره قبل از دبستان

این دوره سریعترین مرحله رشد جسمی و روانی کودک است. بطور مداوم قوای حسی و حرکتی، ذهنی و عقلائیش افزایش می‌یابد. زمینه‌های تازه‌ای برای اکتشاف و تجربه بدست می‌آورد. شدیداً کنجکاو است، به کلمات و زبان بسرعت مسلط می‌شود ولی هنوز مدت زمان تمرکز و توجهش کوتاه است و هنوز بین تخیل و واقعیت در نوسان است. در زمینه‌های تخیلی تجربه می‌کند ولی بخصوص در شناخت واقعیات روزمره محیط

خود کوشش دارد. هنوز در روابطش با دیگران در ضمن این که خود را مرکز کلیه فعالیتها می بیند به امنیت خاطر، پشتیبانی بزرگترها نیز احتیاج دارد.

بهمین دلایل است که از کلام آهنگدار، از قصه‌هایی که قطعات تکراری دارند لذت می برد. داستانهایی می خواهد که در يك نشست کوتاه تمام شود. کتابهایی می خواهد که در آن صحبت از اشیاء محیط اطراف او، جانداران و گیاهان آشنا باشد. در تصاویر و جزئیاتش دقیق می شود و هر قدر نزدیکتر به طبیعت باشند نکات تازه و بیشتری را کشف می کند.

سخن گفتن حیوانات و گیاهان و اشیاء را می پذیرد و از عوامل تخیلی دلنشین لذت می برد. دوست دارد خودش قهرمان کتاب باشد و یا قهرمان طوری باشد که یکی شدن با او دشوار نباشد.

ب - سالهای اول دبستان یعنی شش و هفت سالگی

سنین شش و هفت سالگی سنین تقلید، خیالبافی و داستانپر-دازی، سنین کسب استقلال و تظاهر احساس عدالت طلبی و تکوین ارزشهای اخلاقی و اجتماعی بصورت پیشرفته تر است. سن نخستین گروه‌بندیهای کودکان، سن انواع چراها و کنجکاوی شدید نسبت به همه گونه مسائل محیط است. کودک شش و هفت ساله می خواهد بداند. علل را دریابد و در این زمینه حتی سماجت نشان می دهد.

جنسیت برایش مطرح می شود. به تدریج از شوخی و طنز لذت می برد. حتی خودش نمونه‌هایی می سازد. از بدبیارها و موفقیت‌های مضحک خوشش می آید. در همین سنین است که قد می کشد. دندانهای شیریش شروع به افتادن می کنند و بدنش قدرت تقلا و جست‌وخیز فراوانی در اختیارش می گذارد. گرچه مدت زمان تمرکز و توجهش بیشتر شده است ولی هنوز محدود است. مفهوم زمان و مکان هنوز کاملاً برایش روشن نشده است. بستگیهای خانوادگی هنوز شدید است.

با توجه به خصوصیات فوق است که خواندن داستانهای کوتاه،

مجموعه داستانها یا کتابهایی که هر فصل آن مطلب دیگری را در بردارد توصیه می‌شود، زیرا برای کودکان این سنین کشش بیشتری دارد و اکثر آنها بدون معطلی داستانهای طولانی را کنار می‌گذارند. کودکان شدیداً نسبت به کتابهایی که در آن حق به حقدار نمی‌رسد و قهرمان در آن ضعف نشان می‌دهد معترض می‌شوند. چون قادر به خواندن شده‌اند، به هر مطلب خواندنی روی می‌آورند و سعی دارند اسرار نوشته‌ها را دریابند. به دلیل کنجکاوی و گسترش دایره شناخت آنها، احتیاج به انواع نوشته‌ها در این سنین زیاد می‌شود. به سختی در معرض خطر خواندنیهای نامطلوب قرار می‌گیرند و احتیاج دارند که خانواده و مدرسه و اجتماع در این زمینه دقیق و هشیارانه عمل کند. مثلاً اخبار وحشتناک روزنامه‌ها را از دستشان دور کنند. مراقب باشند کنجکاوی جنسی آنها از راه صحنه‌های بی‌پرده اعلانات تبلیغاتی، یا فیلمها، یا مطالب مجلات و کتابهای مبتذل راه انحراف در پیش نگیرد و شوخ‌طبعی و لذت از طنز به لذت از نکات آزردهنده، تحقیر و تمسخر، زمینه‌های مستهجن و کثیف کشانده نشود.

داستانها باید لطف و گرمای محیطهای خانواده‌ها را منعکس کنند، همکاریهای سازنده گروههای کودکان را بازگو کنند و بطور غیرمستقیم به کودک دل و جرأت دهند که دشواریهای خود را حل کند.

ج - سالهای میانه دبستان، هشت و نه سالگی

مدت زمان توجه و تمرکز در این سن افزایش می‌یابد، بطوری که اگر عامل علاقه‌مندی پایه کار قرار گیرد کودک قادر است بیش از یک تا دو ساعت به کاری سرگرم شود و نیروی خود را بر آن متمرکز کند. در زمینه‌های متعدد علم و فن علاقه‌مندیهای خاص پیدا می‌کند. این زمینه‌ها در این سن بین دختران و پسران فرق می‌کند. گروه همسالان به عنوان عامل تعیین کننده سلیقه‌ها و رفتارها و فعالیتها نقش مهمی در زندگی کودک این سنین می‌یابد. حس استقلال طلبی نسبت به بزرگترها و رفتار مطابق با نظر

شخصی علائم تازه‌ای از خود بروز می‌دهد. لذت از شنیدن و خواندن دیدن ماجراها شروع می‌شود ولی هنوز به اوج شدت خود نرسیده است. هشت و نه سالگی سن تمهیهٔ مجموعه‌ها (کلکسیون) و سن پی‌گیری برای یافتن اطلاعات خاص در زمینه‌های مورد علاقه است. تحرک، بازی و ورزش قسمت بزرگی از اوقات فراغت این سنین را اشغال می‌کند.

کودک در این سنین قدرت خواندن داستانهای بلند، کتابهای تک‌داستانی، ماجراهای گروههای مختلف کودکان، و کتابهایی دربارهٔ سرزمینهای دیگر را بدست می‌آورد و حتی قسمتهایی از کتابهای علمی و تاریخی نظر او را جلب می‌کند.

گرچه هنوز افسانه‌ها را دوست دارد ولی به داستانهای قهرمانی و حماسی بیشتر روی می‌آورد. مهم این است که به مرحلهٔ برداشت فردی و انتقاد رسیده است، و می‌خواهد دربارهٔ محتوای کتابها به بحث و گفتگو بپردازد. این عامل بسیار مثبتی است که پدر و مادر و آموزگار و کتابدار باید بطور کامل و دقیق به آن توجه کنند تا بتوانند از او خواننده‌ای مستقل و صاحب‌نظر بسازند.

د - سالهای آخر دبستان ده و یازده سالگی

اختلاف سرعت رشد بین دختران و پسران نخستین مسئله‌ایست که باید در این سنین بدان توجه کرد. دختران در حدود دو سال زودتر از پسران بالغ می‌شوند و بهمین جهت تغییرات جسمی دوران بلوغ در آنها زودتر ظاهر می‌شود. بیشتر رشد می‌کنند، به‌دنیای درونی و گروه همسالان همجنس بیشتر توجه پیدا می‌کنند. به پسران همسن خود کمتر توجه دارند و به معاشرت با پسران بزرگتر بیشتر راغبند. هر دو جنس برای یافتن استقلال بیشتر، از خانواده دور می‌شوند و نسبت به خواهران و برادران معترض می‌شوند و نمونه‌ها و دوستان خود را در گروه همسالان می‌جویند و برای خود قهرمانان خاص انتخاب می‌کنند. تخیل بیشتر در زمینه‌های علمی و فلسفی برایشان جالب است و گرنه واقعیات

و زندگی اجتماعی کشش بیسابقه‌ای برایشان می‌یابد. ماجراهای واقعی گذشته و بخصوص حال دنیای خودشان ساعتها آنها را سرگرم می‌کند. خواندن شرح حالها، داستانهای واقعی طولانی، کتابهای ماجرای و قهرمانی، داستانهای عشقی و عاطفی بتدریج شروع می‌شود، در این دوران به افسانه کم توجه می‌شود، مگر اینکه نکته‌ای خاص در بر داشته باشد. در جزئیات خلقی شخصیت‌های کتابها دقیقتر می‌شوند. در بحث و گفتگو با هیجان و شوق شرکت می‌کنند و از نظریاتشان درباره کتابها به دفاع برمی‌خیزند. عده‌ای و بخصوص پسرها به مباحث علمی و تاریخی کشانده می‌شوند و در کتابهای مرجع (فرهنگنامه‌ها و...) به دنبال مطالب جدید و یافتن پاسخ به پرسشهایشان می‌گردند. خوانندگان ماهر و تندرو حتی به ادبیات بزرگسالان روی می‌آورند. در این دوره راهنمایی کودکان به سمت ادبیات واقعی، و دور کردن آنها از آثار مبتذل کاری است دشوار ولی لازم که باید با مهارت و ظرافت انجام شود. وسایل ارتباط جمعی تجارتي، تولید سودآور مجلات مبتذل، بخصوص توجهشان را بر خاصه‌های سنی این گروه متمرکز می‌کنند تا در دوره نوجوانی مصرف‌کننده ثابت برای خود بیابند.

۵ - سالهای نوجوانی دوازده و سیزده و چهارده و پانزده سالگی

تغییرات جسمی دختران و پسران در این سنین بسیار سریع است و بهمین میزان نیز غلیان عواطف که به اشکال مختلف سرگردانیها و طغیانها و تقلیدها بروز می‌کند، تند است. نوجوانان نسبت به دنیای بزرگترها معترض می‌شوند و به جستجوی جهان بینی و فلسفه خاص زندگی برای خود برمی‌خیزند. افکار تند و تصاویر مبالغه‌آمیز از قهرمانان مورد علاقه، آنها را جلب می‌کند و بهمین طریق نیز به نوعی دیگر از واقعیات دور می‌شوند و تصاویری ایده‌آلی یا شاید تخیلی از زندگی در ذهن خود مجسم می‌کنند.

تأثیر گروه سنی همسالان به شدیدترین درجه خود می‌رسد، پدر

و مادر، معلم و مدرسه در مقام دوم اهمیت قرار می‌گیرند. توجه و میل به معاشرت و هم‌صحبت شدن با جنس مخالف شدیدتر از همیشه است. تجربه لحظات عاطفی و نخستین عشقها نیز در همین سنین است.

شاید بتوان گفت که کتابهای مناسب در این سنین بهترین و مؤثرترین وسیله برای حفظ افکار و عواطف و احساسات سالم نوجوانان، تحرك و شور و شوق آنان به تغییر محیط هستند. کتابها بطوری غیر مستقیم بدون آنکه در واقع نیرویی را سرکوب کنند یا واپس بزنند آنها را به مجراهای سازنده می‌اندازند و به بالغ شدن نوجوان از نظر فکری، عاطفی و اجتماعی کمک می‌کنند. شرح حالها، ماجراهای واقعی از زندگی مردم و مردان بزرگ، از تاریخ، از اکتشافات و اختراعات، از مبارزات اجتماعی به آنها کمک می‌کنند که صفات واقعی «بزرگسالان» را بشناسند و بر ضعفهای خود چیره شوند. داستانهای واقعی و اصیل عشقی به ایشان خواهد آموخت که خودشان را فدای هوسهای زودگذر نکنند و برای احساس بزرگ و عمیق و سازنده تمام زندگی آماده شوند. گرایشهای آنان به مباحث علمی و اجتماعی و نقد کتاب و توجه به سرگرمیهای شوق‌انگیز و آشناسدن با دنیای واقعی بزرگان به وسیله کتاب، در این راه، کمکهای مؤثری بشمار می‌آیند.

۲- احتیاجات و علاقه‌مندیهای اساسی انسانی

احتیاج به امنیت خاطر، چه مادی و چه معنوی، چه عاطفی و چه اخلاقی، احتیاج به تعلق داشتن به گروه، نیاز به محبت دیدن، نیاز به مورد احترام واقع شدن، همراه با احتیاج به سرگرمی و تغییر محیط و لذت بردن از زیبایی را روانشناسان و دانشمندان تعلیم و تربیت، اساسی‌ترین نیازهای انسان، در هر سن و سالی که باشد، شناخته‌اند.

تنها در زندگی روزمره نیست که برای رفع این احتیاجات انسانها، چه خرد و چه بزرگ در تلاشند. این احتیاجات به وسایل

دیگر که مهمترین آنها ادبیات و هنر است نیز ارضاء می‌شوند، تغییر می‌یابند و به درجات بالاتر ارزشهای انسانی راه پیدا می‌کنند.

اشتباه است اگر فکر کنیم که محتوای آنچه در سنین مختلف، هر يك از این احتیاجات اساسی را می‌سازد یکسان است. حالت طفل خردسالی که گرسنه است را در نظر بگیریم: يك غذای گرم و کافی، حتی يك لقمه نان او را از نو به نشاط می‌آورد. او سرگرم بازی با همسالان می‌شود و برای لحظاتی غم آینده را فراموش می‌کند. همین حالت در انسان بزرگسال، نگرانی عمیق، عدم تعادل طولانی ایجاد می‌کند، انسانی که گذشته و آینده را در دایره تجربه خود می‌تواند قرار دهد و به نسبت آن برای فرار از گرسنگیهای آینده نقشه بچیند و همه نوع اقدامی بکند.

شادی و غمهای کتابهای کودکان، كوچك و زودگذرند و بتدریج شیارهای بزرگتر در عواطف آنها ایجاد می‌کنند. در صورتی که در آثار ادبیات بزرگسالان برای این که بتوانند موفق به تأثیر و نفوذ بیشتر شوند احتیاج به پرداختی دارند که بتواند اعتقاد و باور انسان بالغ را بدست بیاورد. کودک برای بچه‌گره‌ای که، در داستان، مادرش را گم کرده است نگران می‌شود. قلبش به شدت به طپش می‌افتد، و وقتی صدای آشنای مادر به گوش بچه‌گره می‌رسد، کودک نفسی به راحت می‌کشد و آرام می‌گیرد. پرداخت هنرمندانۀ همین موضوع ساده می‌تواند انسان بزرگسالی را برای لحظاتی به فکر بیندازد. ولی در دایره دید و تجربیات او نیست و بهمان سرعت نیز فراموشش می‌شود. در صورتیکه کودک بارها آن بچه‌گره را در تخیل خود از نو باز خواهد یافت و درباره‌اش ب فکر خواهد نشست.

یکی دیگر از این نیازمندیهای اساسی را در نظر بگیریم: احتیاج به محبت، دوست داشتن و دوست داشته شدن. مادر، پدر، برادر و خواهر، گلها، حیوانات كوچك دست‌آموز، درختان، خورشید، و طبیعت نخستین محتوای داستانهایی هستند که این احتیاج را در کودک برآورده می‌کنند. بتدریج این محتوا تغییر

می‌کند حیوانات بزرگتر، حتی وحشی، جای حیوانات دست‌آموز را می‌گیرند. دوستی بین همسالان، فداکاری و از خود گذشتگی در راه آنان جای برادر و خواهر را پر می‌کند. دوستی بین دختر و پسر، بازی و انجام کارهای مهم کودکانه، کشف محبت بین بزرگترها، پدر و مادر، دلدادگان، در کتابها تجربیات تازه‌ای در اختیار نوجوانان می‌گذارد. بطوری که بتدریج برای احساسی شدید، بزرگ و سازنده آماده می‌شوند. اگر بتوان آنها را از اثر تخریبی نوشته‌های مبتذل، فیلمها و تصاویر هوس‌انگیز و دنیای فحشای عمومیت یافته برحذر داشت یاد می‌گیرند در درجه اول به احساس خودشان احترام بگذارند و آنرا آلوده نکنند و به انسان مورد توجه و علاقه خود قبل از عشق احترام بگذارند و این عشق و احترام را چون گلی مقدس و کمیاب حفظ کنند و پیورانند. بر خود مسلط شوند و خود را بیازمایند تا به آنچه عشق بزرگش می‌نامند برسند و سازندگی و عظمت آنرا در زندگی حس کنند و هرگز کاری نکنند که از آن احساس سرافکندگی داشته باشند.

این احتیاج به محبت در ادبیات بزرگسالان جنبه‌های تخیلی، انتقادی و گاه خشن و یأس‌آمیز پیدا می‌کند. شکست‌ها و دوروییها، فریبها و دروغها در آن آشکار می‌شود و بسته به اینکه در چه مجموعه فرهنگی و اجتماعی عرضه شود رنگ محیط و یا اثر سازنده بخود می‌گیرد.

شناخت این احتیاجات و محتوای سازنده آن برای تعیین «سن حداکثر استفاده و لذت» برای يك کتاب ضرورتی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید.

۳- تواناییهای خواندن و تسلط بر زبان

تا قبل از شش سالگی کتابها برای بچه‌ها خوانده یا گفته می‌شوند. با این‌که خواننده مرئی یا مادر است معذالك باید كاملاً محدوده شناسایی كلمات را رعایت کند، از تشبیهات دور از ذهن و پیچیده، از اصطلاحات و استعاره‌ها پرهیزد تا شنونده خردسال

او به اندیشهٔ داستان یا مطلب و حالات قهرمان پی ببرد. علاوه بر این که، با توجه به مدت زمان تمرکز فکر کودک، توصیفها باید به حداقل برسند و کار اصلی در توصیف به عهدهٔ تصویر گذاشته شود. از شش سالگی در اکثر ممالک دنیا کودکان شروع به یادگیری خواندن می‌کنند و تا هفت سالگی تا حدودی قدرت خواندن مستقل را می‌یابند و به مجلات و کتابهای خاص خودشان روی می‌آورند. برای این مرحله است که کتابها باید با دقت فراوان نوشته شوند. چه عدم تعادل در نوشته، کلمات دشوار دور از ذهن و توصیفهای طولانی، تشبیهات عامیانه، اصطلاحات نامفهوم و خارج از دایرهٔ تجربهٔ کودک او را در نخستین گامها از خواندن مستقل بیزار می‌کند و کشش لازم برای ایجاد علاقه‌مندی به مطالعه را از بین می‌برد. منظور این نیست که نوشته‌ها آنچنان ساده شوند که فاقد ارزش هنری باشند بلکه منظور انتخاب کلمات و جملات ساده و دلنشین و هنرمندانه است در حدود قدرت درک و فهم کودک و توانایی خواندن او. در عین سادگی، نوشته باید غنی‌کنندهٔ گنجینهٔ لغت و شناخت کودک در زبان مادری نیز باشد.

بین نه و ده سالگی سرعت و مهارت خواندن بیشتر می‌شود. دروس علوم پایه و تعلیمات اجتماعی در دبستان کودک را با کلمات متداول در این رشته‌ها آشنا می‌سازند. طفل به بعضی صنایع شعری و ادبی آگاهی می‌یابد و تا حدودی انواع نوشته‌ها و سبکها برایش مطرح می‌شود. به کیفیت نوشته‌ها توجه می‌کند و نسبت به آنها دیدی انتقادی می‌یابد. خواندن کلمات شکسته^۱ هنوز برایش دشوار و غیر قابل درک است و او را دلزده می‌کند زیرا آهنگ و خصوصیات آنرا نمی‌تواند کشف کند و با قهرمان کتابش وفق دهد. در ده و یازده سالگی گنجینهٔ لغت او غنیتر شده است، بخصوص اگر علاقه‌مندی به خواندن و عادت به مطالعه در او ایجاد شده باشد اصطلاحات ساده، ضرب‌المثلها، استعارات و تشبیهات ادبی اولیه را درمی‌یابد. ولی بسیاری از اشعار بزرگان را هنوز باید برایش معنی کرد، مگر آنکه شعر ساده و در محدودهٔ زندگی و تجربهٔ او

۱- مثل «نمی‌رم» به جای «نمی‌روم».

باشد. سبکهای ادبی را با کمی تعمق بازمی‌شناسد و نسبت به نوشته هنرمندانه حساسیت جالب توجهی نشان می‌دهد. به صامت-خوانی و تندخوانی تا حدودی مسلط شده است، بخصوص اگر نوشته گیرا و هماهنگ با احتیاجات او باشد. هنوز کلمات شکسته محاوره‌ای در خواندن او وقفه ایجاد می‌کنند. از نوشته روان و کلماتی با رسم‌الخط آشنا بهتر استفاده می‌کند.

در نوجوانی، قدرت خواندن او بتدریج به حدی می‌رسد که بتواند از ادبیات ساده کلاسیک بزرگسالان استفاده کند ولی این استفاده زمانی مطلوب است که فرصت تعمق و بحث با بزرگترها را پس از آن به دنبال داشته باشد. وگرنه «دن کیشوت» اثر سروانتس یا «جنگ و صلح» اثر تولستوی و «بینوایان» اثر ویکتور هوگو را بسیاری از نوجوانان می‌توانند بخوانند ولی برداشت لازم از آن را ندارند، مگر با بحث. نوجوانان بتدریج قدرت خواندن زبان شکسته و محاوره‌ای را به دست می‌آورند، مشروط بر اینکه قاعده‌ای در آن بکار برده شده باشد. اولاً اعراب داشته باشد و ثانیاً فقط به هنگام مکالمه از آن استفاده شود و محدوده آن مشخص گردد.

توجه نوجوانان به صنایع ادبی در نظم و در نثر بیشتر می‌شود و حتی در نوشته‌های خود نیز بتدریج آنها را بکار می‌گیرند. آنچه اکنون در کشور ما در این زمینه باید بدان توجه داشت مسئله بکار بردن زبان متداول روز و کلمات آن، زبان پارسی سره، اصطلاحات عربی، زبان ادبی گذشته ماست.

زبان پارسی سره، فقط به دلیل پارسی بودن فهمش برای کودکان و نوجوانان آسانتر نیست، چه این زبانی است که باید بسیاری از کلماتش را بیاموزند و برایشان نامانوس است. با تعدادی از اصطلاحات و کلمات عربی آشنایی دارند ولی از جمله‌های سنگین ادبی عربی چیزی درک نمی‌کنند. زبان ادبی گذشته با جمله بندیها و افعال خاص خود، آنها را در خواندن متوقف می‌کند. شاید منطقی‌ترین راه صحیح نوشتن برای کودکان و نوجوانان این باشد که از زبان متداول روز به نحوی هنرمندانه استفاده شود تا بتدریج و بدون اصرار دایره تسلط ادبی آنها گسترش

یابد. این نتیجه زمانی بدست خواهد آمد که نوشته‌های کودکان و نوجوانان از فضل‌فروشی و تصنع در کلام بری باشند. اگر کار عظیم واژه‌شماری زبان فارسی روزی به‌ثمر برسد بدون شك بسیاری از مشکلات ما را در زمینه نوشته‌های خاص کودکان و نوجوانان نیز حل خواهد کرد. فعلا باید با تجربه و مطالعه و مراجعه مدام به کودکان، بطور وسیع تواناییهای خواندن آنها را در نقاط مختلف ایران دریافت و آن را در تعیین «سن حداکثر استفاده و لذت» از کتابهایشان بکار گرفت.

۴- محیط زندگی و تجربیات و شناختهایی که ایجاد می‌کند

این بحث در طی سمینارهای ادبیات کودکان چه در کشور ما و چه در کشورهای دیگر جهان پیش آمده است که آشنایی با محیط زندگی بره‌نوع خواندنیهای کودکان و بخصوص کتابهایشان اثر عمیق دارد. گروهی آن را «جامعه‌شناسی ادبیات کودکان» نام نهاده‌اند و به‌کار تحقیقی در این زمینه دست زده‌اند که بدون شك روشنائیهای تازه‌ای بر اصل مسئله خواهد افکند. تعیین محدوده اثر محیط و عمق آن کار ساده‌ای نیست. انکار یا قبول این که محیط بر انواع خواندنیها اثر دارد و در واقع عامل تعیین کننده رشد ذهنی انسان است، احتیاج به تحقیق و سند دارد. این بحث بخصوص زمانی «داغ» می‌شود که صحبت از اختلاف بین شهر و روستا پیش می‌آید.

اشتباه است اگر شهر جدا از روستا بطور مطلق مطرح گردد، چه بیش از محیط، شاید این روابط انسانی در محیط شهر و روستاست که تا حدود زیادی نوع گرایشها و انتخابها را در محیط شهر و روستا بین کودکان و نوجوانان مشخص می‌سازد.

نیك پیداست که چه در روستا و چه در شهر كودك یا نوجوان طبقه فقیر و زحمتکش قهرمان کتابی را بیشتر به‌دل می‌گیرد و می‌پذیرد که از طبقه خودش باشد که هم از طرفی نمونه‌ای از شجاعت و کار و زحمت باشد و هم از طرف دیگر مدافع حق و حقیقت. ولی چنین قهرمانی فقط اگر اصالت وجود داشته باشد احساس

تحسین و یگانگی سایر کودکان را نیز، برخواهد انگیخت و تجربیاتی از زندگی را در اختیارشان خواهد گذاشت که شاید هرگز در زندگی واقعی تجربه نکرده باشند. این تفکیک زمانی پدید می‌آید که کودکان و نوجوانان خواستار داستان‌هایی واقعی از زندگی و زمان خودشان می‌شوند و شخصاً در این حقیقت‌جویی و شناخت واقعیات زندگی شرکت مستقیم پیدا می‌کنند.

در مورد کودکان خردسال بیشتر اشیاء و محیط زندگی، جانوران و گیاهان هستند که اختلاف را ایجاد می‌کنند. وقایع پذیرفته می‌شوند و تخیل قوی کودک محدودده‌ها را درهم می‌شکند، مثلاً برای گروهی از کودکان خردسال سفیدپوست اروپایی داستان «سامبو کوچولو» خوانده شد. در این کتاب سامبو پسرکی است سیاه‌پوست که در برخورد با چهار ببر، پیراهن و شلوار و چتر و چارقهای نو خود را از دست می‌دهد تا جانش نجات یابد. بعد چهار ببر بر سر غنیمت‌ها به کشمکش برمی‌خیزند و از آنها فقط روغنشان باقی می‌ماند که مادر سامبو با آن کلوچه می‌پزد. کودکان سفید پوست اروپایی آنچنان محو داستان شدند که در پایان آن وقتی از آنها سؤال شد کدام می‌خواهد جای سامبو باشید اکثریت آماده بودند و وقتی که از آنها سؤال شد سامبو چه رنگ پوستی داشت فراموش کرده بودند که با آنها تفاوت داشته است.

البته با چند تحقیق نمی‌توان اثبات کرد که کودکان محدودده‌های زمانی و مکانی را درهم می‌شکنند و چه در چین باشند و چه در سوئد یا میان جنگلهای افریقا وقتی که به قهرمان مطلوبشان می‌رسند بسادگی خود را با او یکی می‌سازند، ولی شاید بوجود آمدن ادبیات جهانی کودکان را بتوان دلیل اثباتی بزرگی دانست. وقتی که بچه‌های کشورهای مختلف جهان به کتابهای مشترک دل ببندند و قهرمانان مشترک داشته باشند، حتماً در محدودهٔ یک کشور نیز چنین یگانگی قابل تصور است.

مهم، داشتن کتابهای متعدد در تمام جنبه‌ها و زمینه‌های زندگی است از محیطهای مختلف جغرافیایی، و از دوره‌های گذشته و از زندگی کودکان و مردم یک کشور.

در کشور ما به دلیل تعداد زیاد ترجمه، خطر نوعی غربزدگی در ادبیات کودکان وجود دارد. این بحث را در این مختصر نمی توان گنجانند. جای آن دارد که کتابی تحقیقی در این زمینه به شناخت بیشتر کودکان و نوجوانان و ادبیاتشان و جهت های سازنده آن بپردازد. آنچه بدان اشاره شد فقط به این منظور بود که نشان دهد در تعیین «سن حداکثر استفاده» محیط زندگی و نوع علاقه مندی های خاص کودکان هر محیط نیز عاملی است ضروری.

* * *

بطور خلاصه، کیفیت ادبی و هنری هر اثر اهمیت اساسی دارد چه در انتخاب کتاب برای کودکان و نوجوانان و چه در خلق یا نوشتن آثار برای آنان. چهار عامل اساسی فوق تعیین کننده موضوع، قالب، سبک نگارش و تصاویر اثر هستند و در انتخاب شکل ظاهری آن نیز نقشی مهم دارند.

فصل چهارم انتخاب کتاب

همانطور که عوامل روانی و رشد کودک در نحوه انتخاب و پذیرش کتاب از طرف او تأثیر بسیار دارند، عوامل دیگری نیز وجود دارند که لزوم انتخاب کتاب را برای سنین مختلف اطفال و نوجوانان تأکید می‌کنند. اگر به رشد نشر در جامعه توجه کنیم به ازدیاد روزافزون کتابهایی که برای نسل جوان نوشته می‌شود پی می‌بریم و در می‌یابیم که بطور طبیعی این پیشرفت کمی، از توجه به کیفیت می‌گاهد. در این صورت امکان دست یافتن به بهترین کتابها بدون راهنما کمتر و کمتر می‌شود.

از طرف دیگر حجم کار درسی که زاینده روش سنتی تعلیم و تربیت در کشور ماست و همچنین وجود انواع وسایل سرگرمی در خانه و اجتماع از فرصت مطالعه آزاد کودکان و نوجوانان به مقدار قابل توجهی کاسته است.

در نتیجه مربی با این مسئله روبروست که چگونه برای طفل یا نوجوانی با فرصت کم، مناسبترین و سازنده‌ترین کتابها را انتخاب کند.

هریک از انواع ادبیات کودکان باید با معیارهای خاص خود ارزشیابی شود، زیرا آنچه ممکن است درباره ارزشیابی داستان صادق باشد، در مورد کتاب علمی صادق نیست و آنچه در مورد کتاب مرجع دلیل برخوبی است لزوماً در مورد داستانهای خیال-

انگیز و افسانه‌های علمی مشخص خوبی نیست. ولی بسیاری نکتاتی که در مورد ارزشیابی کلیه خواندنی‌ها و ادبیات کودکان معتبرند و می‌توانند کار شناخت و معرفی کتاب به کودک را آسان کنند. عده‌ای معتقدند که کتاب خوب برای بچه‌ها کتابیست که بزرگسالان از آن خوششان بیاید و آن را مفید تشخیص بدهند. گروهی دیگر عقیده دارند که هرچه طفل بپسندد نیکوست. ولی در واقع این دو نظر مکمل یکدیگرند نه متناقض با هم. بدین معنی که در انتخاب ضابطه برای شناختن کتاب خوب، باید به علل انتخاب بزرگسالان و خردسالان هر دو توجه کرد.

هر خریدار کتاب، صرف‌نظر از «سن حداکثر استفاده و لذت» کتاب را از دو جنبه می‌سنجد: یکی از نظر ظاهر کتاب یعنی صفاتی که احتیاج به خواندن کتاب ندارد و بانظر اول مشخص می‌شود و دیگر باطن کتاب که فقط پس از مطالعه می‌توان درباره آن قضاوت کرد.

۱- ظاهر کتاب

بدون شك اولین عاملی که غیر مستقیم در انتخاب کتاب مؤثر است ظاهر آن است. چه بسیاری کتابهای نامطلوب و مبتدلی که فقط به علت ظاهر آراسته و تصاویر زیبا و جلد متناسب پرفروشدند. شکل ظاهری کتاب بستگی به تصاویر، صفحه آرایی، نوع حروف، چاپ، قطع کتاب، نوع جنس کاغذ و جلد و صحافی آن دارد.

الف - تصاویر

مطالعات مختلف هنری و تربیتی اهمیت نقش القایی و تربیتی تصویر را در کتابهای کودکان بخوبی نشان داده‌اند. اکنون ثابت شده است که تصاویر فقط نباید نقش تزئینی داشته باشند بلکه باید مکمل مفاهیم اصلی کتاب باشند.

تصاویر در کتابهای کودکان باید دارای این شرایط باشند. - ارزش هنری و اصالت داشته باشند. باید به خاطر داشت که تصاویر در کتابهای اطفال و نوجوانان و بخصوص در کتابهای

تصویری بیشتر از متن در تربیت ذوق و حس زیبا پسندی خوانندگان مؤثرند، از این رو باید از کلیه شرایط هنری برخوردار باشند. باید زیبا و پرورش دهنده ذوقی سلیم و تخیلی سازنده باشند. اطفال تصاویر کودکانه را نمی پسندند، بیشتر دوست دارند احساس کنند که برای جلب توجه و نظر آنها، هنرمند دقت و حوصله لازم را به کار گرفته است و برای فهم هنری آنها ارزش قائل است. برخلاف عقیده متداول که بچه ها از رنگ آمیزی تند لذت می برند آزمایشهای متعدد ثابت کرده است که هماهنگی رنگها و تصاویر در مورد اطفال بزرگتر و کتابخوان بیش از رنگهای تند و متنوع مؤثر است. درست و بجا بکار بردن رنگ به مراتب مهمتر از مقدار رنگی است که در يك تصویر بکار می رود.

در مورد سبکهای مختلف نقاشی در مصور کردن کتابهای کودکان سه نکته را باید همواره به خاطر داشت:

اول اینکه مصور به علت مد روز از سبکی تقلید نکرده باشد بلکه انتخاب سبک طبیعی انجام گرفته باشد.

دوم سبک نقاشی با موضوع کتاب و قدرت درک طفل متناسب باشد. زیرا نباید هدف اصلی تصویر در کتاب هرگز فراموش شود. نکته سوم این است که سبک انتخاب شده برای تصاویر کتاب با امکانات چاپی تناسب داشته باشد. چه بسیارند تصاویری که قبل از چاپ بسیار دلنشین و گویا بوده اند ولی به علت عدم آشنایی نقاش با مسائل چاپ پس از چاپ به تصویری مرده تبدیل شده اند.

— گویایی و وضوح تصاویر و انطباق آنها با موضوع کتاب مسئله بسیار مهمی است زیرا تصاویر در کتابهای کودکان در واقع کلید درک مفاهیم هستند. بخصوص در مورد کتابهای غیر داستانی و کتابهای تصویری مخصوص کودکانی که هنوز خود کتاب نمی خوانند تصویر است که در واقع مطلب را برای آنها بازگو می کند. اگر در مورد افسانه ها تصاویر باید پا به پای متن خیال پرور باشند و هیچ لزومی ندارد که با واقعیت وفق داده شوند، در مورد کتابهای غیر داستانی وضع کاملاً فرق می کند. در این گونه کتابها دقت در تصویر و صحت و روشنی و وضوح صفات اصلی آنهاست.

مطالعه در عکس‌العمل اطفال نسبت به تصاویر نشان داده است که اطفال از تصاویر مغشوش و درهم لذتی نمی‌برند. گذشته از این هرگاه تصویر با متن بهم بافته شده باشند و در فهم بهتر مطلب آنها را یاری کنند بیشتر مطلوب نظر آنان قرار می‌گیرند. تناسب رنگ با موضوع کتاب نیز بسیار مهم است. مصوران ماهر بخوبی می‌توانند با استفاده از رنگ، کتاب را آرامش بخش یا مهیج سازند.

— تصاویر باید متناسب با قدرت درک اطفال باشند. درک اطفال در سنین مختلف و احتیاجات روانی آنان در زمانهای گوناگون فرق می‌کند. کودکان خردسال بسیار واقع بین هستند و در نتیجه از تصویری لذت می‌برند که به طبیعت و آنچه برایشان آشناست بیشتر شباهت داشته باشد. از طرحهای عجیب یا درهم چیزی نمی‌فهمند زیرا تجربه‌ای ندارند و قدرت تجزیه و تحلیل خطوط و درک انتزاعی آن را ندارند. بنابراین چنین تصویری هر قدر هم که ارزش هنری داشته باشد برای آنها قابل درک نیست. برعکس اطفال بزرگ و نوجوانان که در کتاب دنیای دیگری را جستجو می‌کنند و از تجربه‌های هنری مختلف برخوردارند از مواجه شدن با تصاویر بدیع و سبکهای غیر عادی ممکن است لذت ببرند. برای کودکانی که تازه مهارتی در خواندن کسب کرده‌اند تصویر به‌عنوان انگیزه‌ای برای خواندن به‌کار برده می‌شود. برای این اطفال گرچه رنگ نقش اصلی را ندارد ولی بدون شك رنگی که درست بکار گرفته شده باشد برایشان دلپسندتر است. باید توجه داشت که هر چه طفل بزرگتر می‌شود نیازش به وجود تصویر در کتاب و بخصوص در کتابهای داستانی کمتر می‌شود زیرا او خود به‌کمک تخیل سازنده‌اش می‌تواند مطالب را مجسم کند.

ب - صفحه‌آرایی، نوع حروف و چاپ

از آن زمان که مردم گمان می‌کردند تنها وسیله تزیین کتاب تصاویر هستند مدت زیادی نمی‌گذرد. ولی اکنون ثابت شده است

که انتخاب حروف، صفحه‌آرایی صحیح و نوع چاپ در بسیاری از مواقع بیش از تصویر می‌توانند در زیبایی کتاب مؤثر واقع شوند. مقصود از صفحه‌آرایی تنظیم مقدار نوشته و تصویر در صفحه و حفظ نسبت این دو به مقدار جای سفید در هر صفحه از متن است. درشتی حروف کتاب باید متناسب با موضوع کتاب و قدرت خواندن طفل باشد. بدین معنی که بین پیچیدگی موضوع و درشتی حروف و فاصله خطوط رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. کودکان نخوان از مطالعه حروف ریز و درهم کاملاً عاجز هستند و کتابهای آنها باید دارای صفحات کم و حروف درشت و واضح باشد تا خواندن را برایشان امری لذت بخش سازد.

تمپه‌کننده آگاه همیشه نوع چاپ را متناسب با تصاویر و هدف و منظور کتاب انتخاب می‌کند.

ج - قطع کتاب

بدون شك قطع و اندازه کتاب در زیبا شدن و خوشایند بودن آن تأثیر بسیار دارد. ولی در انتخاب قطع کتاب نمی‌توان فقط به زیبایی آن توجه داشت قطع کتاب باید متناسب با عوامل زیر باشد:

- خصوصیات خواننده: بچه کوچک بیشتر از کتابی خوشش می‌آید که برای او قابل حمل بوده و نگهداشتن و ورق زدن آن برایش آسان باشد. البته گاهی کتابهای خیلی بزرگ یا خیلی کوچک نیز از لحاظ تنوع توجه او را جلب می‌کنند.

- موضوع و صفحه‌آرایی: بعضی از موضوعهای کتابهای کودکان به قطع خاصی احتیاج دارند. مثلاً برای کتابی درباره وسایل نقلیه بهتر است از قطع آلبومی استفاده شود در صورتی که قطع مطلوب برای کتابی درباره درختان قطعی است کشیده و بلند. برای کتابهای مرجع معمولاً از قطعی بزرگتر از معمول استفاده می‌شود تا از قطر کتاب و سنگینی آن بکاهد.

- کاغذ موجود در بازار: توجه به قطع کاغذ موجود در پایین آوردن قیمت کتاب بسیار مؤثر خواهد بود. اگر قطع کتاب پس از رعایت دو نکته فوق با حداکثر استفاده از کاغذ موجود انتخاب

شود کتاب ارزانتر به دست خواننده خواهد رسید.

د - کاغذ و جلد و صحافی

نوع کاغذ در جلوه دادن به تصاویر و چاپ رنگهای مختلف بسیار مؤثر است. همچنین رنگ و جنس کاغذ از لحاظ سهولت خواندن نیز عامل مهمی است. مطالعاتی که در این مورد به عمل آمده است نشان می‌دهد که خواندن از روی کاغذ زیر و مات به علت اینکه نور را منعکس نمی‌کند به مراتب راحتتر است. جنس کاغذ کتاب در حفظ دوام آن طبیعتاً مؤثر است و همچنین نوع کاغذ در حفظ تعادل قیمت کتاب عامل مهمی به شمار می‌آید.

انتخاب جلد برای کتاب به عوامل بسیار بستگی دارد. مثلاً جلد های مقوایی که دیرتر خراب می‌شوند و معمولاً برای کتابهای کودکان بسیار مناسبند بر قیمت کتاب می‌افزایند. از طرفی جلد مقوایی نیاز به نوع صحافی خاص احتیاج دارد که آن هم به نوبه خود قیمت کتاب را بالا می‌برد. در عین حال جلد نازک برای کتابهای قطور اصلاً مناسب نیست و در بسیاری از موارد قبل از اتمام کتاب پاره و خراب می‌شود. در انتخاب جلد کتاب معمولاً ناشر باید هدف از نشر را بخاطر داشته باشد و به همین دلیل امروز اغلب کتابها را با دو نوع جلد مختلف منتشر می‌کنند. یکی با صحافی و جلدی که گرانتر ولی بادوامتر است و بیشتر مورد استفاده کتابخانه‌ها قرار می‌گیرد و دیگر با جلد نازک و ارزان قیمت تا کتاب بتواند برای اطفال با انواع بودجه‌ها قابل خرید باشد.

۲- باطن یا محتوای کتاب

ارزشیابی باطن یا محتوای کتاب برعکس ظاهر آن با یک نگاه و صرف چند دقیقه وقت مسیر نیست. این کار فقط پس از مطالعه دقیق و توجه کردن به جنبه‌های مختلف محتوا امکان خواهد داشت.

الف - هدف:

نوشته در اثر هدف یا فکر اصلی نویسنده به وجود می‌آید.

گاه نیز نویسنده ممکن است در ضمن پروراندن هدف اصلی چند هدف دیگر را در کتاب خویش به ثمر برساند. در کتابهای داستانی با بکار گرفتن شخصیت‌های مختلف و حوادثی که برایشان پیش می‌آورد نویسنده فکر و منظور خویش را بازگو می‌کند و خواننده را ناخودآگاه تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین در بررسی کتاب باید پیش از هر چیز به هدف نویسنده پی برد و آنها را بدین ترتیب سنجید:

آیا هدف نویسنده در جهت پرورش و توسعه دادن فکر کودک هست؟ آیا با زمان و سن و اجتماع تناسب دارد؟ آیا فقط به زمانی خاص و اجتماع یا مکانی بخصوص تعلق دارد؟ مثلاً در بررسی کتاب «کار تنک شارلوت» اثر ئی. بی‌وایت مشاهده می‌شود که گرچه نویسنده چند هدف دارد ولی شاید مهمترین آنها این باشد که موجود کوچک و ناتوان و حقیری چون عنکبوت نیز می‌تواند در زندگی دیگر حیوانات و بخصوص حیوانات بزرگتر از خودش مؤثر واقع بشود، در ضمن حیات و محدودیت‌های آن را نیز بازگو می‌کند.

گذشته از این دوستی واقعی را با شیوه‌ای جدید ارائه می‌دهد. گرچه مکان، شهری در امریکا و زمان آن معاصر است، ولی فکر اصیل در قالب نگارش صحیح و انتخاب شخصیت‌های حیوانی، باعث شده است که خواننده در هر سن و سال و در هر جا و مکان از خواندن کتاب لذت ببرد و بطور غیرمستقیم تحت تأثیر آن قرار گیرد. هرچه قالب کتاب و شخصیت‌هایی که نویسنده برمی‌گزیند بهتر انتخاب شوند و رفتار افراد داستان طبیعی‌تر باشد نویسنده در القای نظر خویش موفقتر خواهد بود.

در کتابهای غیر داستانی نیز داشتن هدف مشخص و به کار گرفتن کلیه عوامل لازم در جهت رسیدن به آن به موفقیت کتاب کمک بسیار می‌کند. مثلاً در تهیه یک شرح حال نویسنده باید هدف خویش را کاملاً بشناسد، بداند که آیا تصمیم دارد خواننده را بیشتر تحت تأثیر شخصیت مورد بحث قرار دهد یا هدفش بیشتر نشان دادن تأثیر وجود آن فرد در اجتماعی است که زندگی

می کرده یا بالعکس.

به هر حال در ارزشیابی هدف يك کتاب، از هر نوع که باشد باید به این نکات توجه کرد:

— آیا در کتاب هدف معینی و مشخص دیده می شود؟

— آیا این هدف یا هدفها مناسب کودکان و نوجوانان هست و

برای آنان قابل درك و فهم است؟

— آیا نویسنده باز بردستی و قدرت هدف را در کتاب طوری

پرورانده است که من غیر مستقیم آن را به خواننده منتقل کند؟

زیرا اثر واقعاً وقتی ارزشمند است که خواننده با تعقیب مطالب

و صحنه های مختلف، خود به نتیجه مورد نظر برسد و هرگز دست

جادویی نویسنده را که او را با خود به سوی هدف می برد احساس نکند.

ب - موضوع و قالب کتاب:

قالب کتاب مانند نقشه ساختمانی است که معمار بکار می -

برد. معمار می داند که ساختمان مورد نظر برای چه منظور درچه

می کند، اگر نقشه ای که می ریزد نتواند با هدف و منظور سازنده

انطباق پیدا کند، هر قدر هم که خوب طرح شده باشد بی فایده

خواهد بود. برای نویسنده موضوع اصلی و هدف مشخص است.

محل باید ساخته شود. با توجه به این نکات نقشه ساختمان را طرح

قالبی که برای بازگو کردن آن انتخاب می کند باید بتواند کلیه

جنبه های فکر اصلی نویسنده را دربرگیرد. قالب کتاب و موضوع

آن چشمگیرترین جنبه کتاب است. چه بسیارند خوانندگان و حتی

منتقدانی که فقط به آن توجه دارند. همانطور که بیننده اغلب

ظاهر بنا را می بیند و از روی آن درباره ساختمان قضاوت می کند

و درك راحت یا ناراحت بودن ساختمانی فقط پس از صرف وقت

و سکنی کردن در آن مسیر است. بررسی و ارزشیابی کتاب از نظر

محتوا نیز پس از خواندن دقیق و توجه به نکات اصلی امکان پذیر

می شود. در ارزشیابی موضوع کتاب توجه به مطالب ذیل مهم است.

— آیا موضوع کتاب جالب و تازه و گیراست و خواننده را به

خود مشغول می کند؟

— زیربنایی که در پروراندن موضوع به کار رفته است، برای خواننده قابل قبول است؟ مثلاً در مورد داستانها، آیا حوادث و ماجراها سلسله منطقی دارند؟ یا در کتاب تاریخی آیا نویسنده در انتخاب وقایع بی نظر بوده است و جهان بینی لازم را داشته است؟ — در مورد کتابهای داستانی آیا نقطه یا نقاط اوج قابل توجهی وجود دارد؟

— آیا بهم بستگی و بافت مطالب کامل است و خواننده راحت می تواند آنها را دنبال کند؟
— آیا موضوع کتاب طوری انتخاب شده است که خواننده بتواند آن را با زندگی خویش بسنجد و با آن تطبیق دهد؟
— آیا موضوع در عین حال که جوابگوی سؤلهای اطفال است محرك تخیل و کنجکاوی آنان نیز هست و آنها را به مطالعه بیشتر ترغیب می کند؟

ج - عوامل:

برای اینکه نویسنده بتواند فکر خویش را به صورت زنده ای به خواننده عرضه کند، گذشته از موضوع و قالب مناسب باید عوامل لازم را نیز انتخاب کند. فرض می کنیم که نویسنده ای می خواهد خواننده را به اهمیت تلاش در رسیدن به هدف معتقد سازد. این نویسنده می تواند از قالب انواع داستانها، اعم از افسانه یا داستان واقعی استفاده کند یا اینکه بیان شرح حال يك مکتشف یا مخترع را برای منظور خویش مناسبتر بداند. امکان هم دارد که اصولاً به شرح يك اختراع بپردازد. در هر سه مورد اگر عواملی که انتخاب می کند متناسب با هدف و موضوع نباشند بدون شك در کار خویش موفق نخواهد شد. این عوامل در کتابهای داستانی شخصیتهای داستان هستند و در کتابهای اجتماعی یا شرح حالها موارد و حوادث هستند و در کتاب علمی مثالها و آزمایشهایی هستند که به خدمت پروراندن فکر نویسنده در می آیند.

در مورد انتخاب عوامل باید این نکات را در نظر داشت:

- تناسب عوامل با موضوع و هدف کتاب.
- طبیعی و قابل قبول بودن این عوامل.
- درست و هنرمندانه بکارگرفتن عوامل در پرداختن موضوع.

د- سبک نگارش:

شك نیست که هیچ اثری جزو ادبیات کودکان به حساب نمی-آید مگر آنکه در بوجود آوردن آن هنر نویسندگی به کاررفته باشد. اشکال کار نویسندگی برای کودکان در این است که علاوه بر اینکه اثر باید ارزش هنری بسیار داشته باشد، باید برای خواننده جوان قابل درك نیز باشد. یعنی در واقع حفظ زیبایی کلام همراه با سادگی بیان و آمیختن این دو باهم کاری است که از عهدۀ هر نویسنده ای بر نمی آید.

شرایط اصلی سبک مناسب برای کودکان از این قرار است:
- انطباق سبک نگارش با موضوع مورد بحث. اگر در افسانه ها می توان زبانی پراز تمثیل بکار برد در کتابهای علمی و غیر داستانی باید زبان ساده و کلمات دقیق و بدون ابهام بکار روند. یا اگر یکی از داستانهای شاهنامه به نثر برگردانده می-شود حتی المقدور نباید در آن از عبارات و اصطلاحات این زمان استفاده شود.

اگر شخصیت های داستان بی سواد و عامی هستند طبیعتاً نمی-توانند گفتار افراد دانشمند را داشته باشند. اگر در يك برگردان ادبی نویسنده می کوشد که تا حدود امکان فنون بیان نویسنده اصلی را بکار بگیرد در نوشتن يك کتاب علمی هرگز با بکار بردن عبارات و کلمه های پیچیده، دانش ادبی خویش را به رخ خواننده نمی کشد.

- سبک نگارش باید متناسب با قدرت خواندن و درك خواننده باشد. همانطور که کتابهایی که بازبان مشکل برای کودکان نوشته می-شوند آنان را از ادامه مطالعه منصرف می کنند، کتابهایی که قدرت فهم نوجوان را دست کم می گیرند و به زبانی کودکانه مطلب را بیان می کنند نوعی توهین به خواننده محسوب می شوند. کودکان از

درک تمثیل و کنایه و استعاره عاجزند ولی نوجوانان از کشف ابهام لذت می‌برند.

— زبان کتاب در عین حال که باید زبان روز اجتماع طفل باشد، نباید بدآموزی یا بهتر بگوییم غلط‌آموزی داشته باشد. نباید فراموش کرد که مطالعه من غیر مستقیم باید در غنی ساختن زبان خواننده تأثیر مثبت بگذارد.

طنز و شوخی زبانی است که هرگاه به کار گرفته شود برای خواننده مطلب خواندنی را خواندنیتتر می‌کند ولی به شرطی که بجا مورد استفاده قرار بگیرد و با کنایه و نیش‌زدن اشتباه نشود. در انتخاب کتاب سه عامل مهم دیگر هست که باید مورد توجه قرار گیرد:

۳- مؤلف

سابقه مؤلف در کار نویسندگی برای کودکان از طرفی و صلاحیت او در موضوع کتابی که نوشته است از طرف دیگر بدون شك تأثیر مستقیم در انتخاب کتاب دارد. در مورد کتابهای تصویری نام مصور و سابقه کار او به همین اندازه در ارزشیابی کتاب مؤثر است.

۴- ناشر

با پیشرفت کار نشر کتابهای کودکان و نوجوانان، در کشور ما به تدریج ناشران خاص کودکان پیدا شده‌اند ولی هنوز هم اکثریت با ناشرانی است که در جوار نشر کتابهای سنگین یا کتابهای مخصوص بزرگسالان برای جوانان هم کتاب منتشر می‌کنند. آنچه مهم است و باید مورد توجه ارزشیاب یا انتخاب‌کننده کتاب باشد این است که آیا ناشر صرفنظر از شهرتش، در دنیای ادبیات کودکان چه رویه‌ای داشته است؟ آیا به کتابهای کودکان و نوجوانان فقط به عنوان وسیله ازدیاد سرمایه یا کسب شهرت توجه کرده است؟ یا این کار را جدی گرفته و برای نشر این گونه کتابها از وجود افراد وارد و با اطلاع از دنیای کودکان

استفاده می‌کند و کوشش دارد در عین ارضای نیازهای مادی خود نیازهای معنوی نسل جوان را نیز برآورد.

۵- قیمت کتاب

این مطلب به ظاهر و باطن و مؤلف و ناشر کتاب، همه بستگی دارد. بر روی هم کتاب خوب در نظامهایی که ناشر آزاد وجود دارد معمولاً گران تمام می‌شود. ولی بهرحال حفظ تعادل قیمت در کتابهای کودکان و نوجوانان مسئله‌ای است اساسی که باید مورد توجه جامعه‌ای که به‌رساندن غذای فکری برای کودکان و نوجوانان علاقه‌مند است قرار گیرد.

از آنجا که قیمت کتاب بدون شك با تیراژ کتاب نسبت عکس دارد و با کیفیت کتاب نسبت مستقیم، کوشش جدی باید به عمل آید که بدون لطمه زدن به کیفیت کتاب و با بالا بردن تیراژ، قیمت کتابها را متعادل نگه داشت. در این باره بدون شك ایجاد و رونق دادن کتابخانه‌های عمومی و مدارس گامی بسیار مؤثر خواهد بود.

با آنچه در این فصل بطور مختصر گفته شد کاملاً روشن می‌شود که کار انتخاب کتاب برای کودکان و نوجوانان کاری است بسیار دقیق که احتیاج به دقت و صرف وقت بسیار دارد و بالاتر از همه بدون داشتن تبحر در کار شناخت طفل و موضوع، انجام آن در واقع غیر ممکن است. به همین دلیل انتخاب کتاب را بهتر است گروهی از افراد متخصص و متبحر انجام دهند و نتیجه تجسس و مطالعه خود را در اختیار علاقه‌مندان بخصوص مربیان و کتابداران و والدین بگذارند. این مطالعات هم می‌تواند به صورت نوجوان کار می‌کنند، بلکه فقط به عنوان راهنمایی باید از آنها مقاله‌های بررسی کتاب و هم به شکل انواع فهرستها انتشار یابد. بدیهی است که استفاده از این منابع نباید مانع بررسیهای شخصی و انتخابهای انفرادی کسانی قرار گیرد که با کتاب و کودک و نوجوان کار می‌کنند، بلکه فقط به عنوان راهنمایی باید از آنها استفاده شود.

فصل پنجم انواع ادبیات کودکان

آنچه در زمان ما مورد مطالعهٔ طفل قرار می‌گیرد آنقدر متنوع است که می‌توان آن را با هدفی مشخص به چند نوع تقسیم بندی کرد. گاه خواندنیهای کودکان و نوجوانان را از لحاظ سن طبقه بندی می‌کنند و آن را چه از لحاظ باطن و چه از لحاظ ظاهر فقط باملاک احتیاجات سنی می‌سنجند و گروه بندی می‌کنند. گاه ادبیات کودکان را از لحاظ شکل به دسته‌های مختلف تقسیم می‌کنند. مثلاً می‌گویند: کتابهای تصویری، داستانهای کوتاه، مجلات و غیره.... ولی شاید از لحاظ هدفی که در این کتاب هست جامعترین و روشنترین نوع گروه بندی خواندنیهای کودکان و نوجوانان آن باشد که کلیهٔ آنها را صرفنظر از شکل نوشته و گروههای سنی خوانندگان، از لحاظ موضوع دسته بندی کنیم. شك نیست که در این نوع تقسیم بندی به ناچار از ارتباط سنی خوانندگان با هر یک از انواع و طریقهٔ استفاده از نوع بخصوص برای سنین مختلف خوانندگان صحبت به میان خواهد آمد. همچنین فرصت کافی خواهد بود تا دربارهٔ شرایط مناسب برای بهتر ارائه دادن هر یک از آنها به خوانندهٔ جوان بحث و گفتگو کنیم.

باید توجه داشت که اطفال قبل از اینکه به سن لذت بردن از داستان برسند معمولاً با متلها آشنا و سرگرم می‌شوند. عامل

اصلی کشش متلها برای اطفال وزن و آهنگ و حرکت و بازی توأم با آنهاست؛ آنها معمولاً کوتاه هستند و معنای خاص یا ماجرای را بیان نمی‌کنند، مثل «اتل متل توتوله» و «لی لی حوضك». در واقع اطفال پس از لالاییها با متلها اولین قدم را به سوی جهان موسیقی و ادبیات برمی‌دارند. بدیهی است که مریبان کودکان چه در خانه و چه در کودکانستان بخوبی می‌توانند و باید از این گنجینه لایزال ادبیات عامیانه استفاده کنند.

از لالاییها و متلها که مقدمه آشنایی باشعر هستند که بگذریم کلیه خواندنیهای کودکان و نوجوانان را از لحاظ موضوع می‌توان به سه دسته بسیار کلی داستان و غیر داستان و شعر تقسیم کرد:

۱- داستان

داستان به نوشته‌ای گفته می‌شود که در آن نویسنده فکر اصلی خود را در قالب حکایتی به خواننده ارائه می‌دهد. خواه این داستان کاملاً جنبه تخیلی و غیر واقعی داشته باشد و خواه واقعیات زندگی در آن به رنگ و روغن تخیل و پرداخت نویسنده آرایش دیده باشد. در این نوع از ادبیات کودکان و نوجوانان، معمولاً آنچه باعث کشش و جذب خواننده به مطالعه می‌شود ماجرا و رویدادهای داستان است و مفهوم اصلی و پیام نویسنده به صورتی غیر مستقیم در خواننده تأثیر می‌گذارد. در داستان-نویسی هنر نویسندگی به صورت اصیل و واقعی خویش جلوه می‌کند زیرا در وجود آوردن يك داستان خوب نه فقط سبك نگارش و شیوه پرداختن موضوع بسیار مهم است بلکه انتخاب موضوع و قالبی که موضوع در آن ریخته می‌شود نیز خود هنر است. بدون شك تلفیق هم‌آهنگ این سه است که يك اثر واقعاً هنری را بوجود می‌آورد. درباره اهمیت این دسته از خواندنیهای کودکان و نوجوانان شاید همین کافی باشد که به یاد آوریم هنوز چند سالی پیش از آن زمان نمی‌گذرد که عنوان «ادبیات کودکان» فقط به داستانهای خاص کودکان و نوجوانان اطلاق می‌شد.

داستانها که نوع و سیمی از ادبیات کودکان و نوجوانان هستند خود از لحاظ موضوع و طریقه پروراندن آن به چند دسته تقسیم می‌شوند و شناختن دقیق هر یک از آنها برای کسانی که وظیفه‌دار راهنمایی نوباوگان در مطالعه هستند بسیار ضروری است.

الف - داستانهای واقعی:

داستان واقعی داستانی است که گرچه اغلب مخلوق تخیل زنده و بیدار نویسنده است ولی در اجزای متشکله آن و در سیر ماجرا چیزی وجود ندارد که وقوع آن را غیر ممکن سازد. نویسنده از زندگی و ماجراهای گوناگون آن الهام می‌گیرد و داستانی می‌آفریند که گرچه ممکن است عیناً اتفاق نیفتاده باشد ولی بدون شك امکان وقوع آن بسیار است. اطفال از سنین خردی با این داستانها آشنا می‌شوند زیرا کودکان قبل از سنین دبستان جز دنیایی را که می‌بینند چیز دیگری نمی‌شناسند و هر چه در آن هست برای آنان جالب توجه است. به همین دلیل اولین داستانهایی که برای آنان گفته می‌شود بهتر است در باره واقعیات زندگی و محیط آنان باشد. گرچه در حدود هشت نه سالگی اغلب خردسالان به افسانه‌ها دل می‌بندند ولی بعد خیلی زود بار دیگر روبه داستانهای واقعی می‌آورند و این بار برای همیشه به آن وفادار می‌مانند.

داستانهای واقعی با توجه به اینکه می‌توانند درباره هر چیز و هر کس و هر جا باشند انواع مختلف و بسیار دارند که در اینجا به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

داستانهایی از صحنه‌های مختلف زندگی اطفال

در این داستانها حوادث زندگی بچه‌ها به صورت جالبی نقل می‌شود مانند به دنیا آمدن خواهر یا برادری تازه، یا گم شدن طفلی هنگام گردش، یا چشم و همچشمی اطفال با یکدیگر، یا ماجرای رفاقتهای اطفال يك محله و غیره. متأسفانه در زبان فارسی آنچه

از این گونه داستانها هست بیشتر ترجمه است و کودکان ماکتر می‌توانند در باره محیط و اطفال ایرانی داستانی بخوانند. شاید «نرگس و عروسک موطلائی»^۱، «یک برادر برای موموگو»^۲ برای کودکان و «سرافینا»^۳ و «فرار»^۴ و «خواهر وسطی»^۵ و «پسرك لبوفروش»^۶ برای اطفال بزرگتر و نوجوانان از بهترین نمونه‌های این قبیل داستانها باشند که به زبان فارسی تاکنون انتشار یافته‌اند.

این داستانها وقتی که در باره مشکلات و مسائل زندگی روزمره بچه‌ها هستند بطور غیر مستقیم به قدرت خواننده در برخورد با انواع مسائل در زندگی واقعی می‌افزایند. خواندن «فرانسوا گوژپشت»^۷ یا «نوازنده نایینا»^۸ یا «سریوژا»^۹ یا «مامان کوچولو»^{۱۰} طفل و نوجوان را با مسائلی از قبیل نقص عضو، خانواده درهم ریخته، مادر بیمار و امثال این مطالب مواجه می‌کند.

داستانهای حیوانی

حیوانات در صحنه داستانهای واقعی بازیگران ماهر و محبوبی هستند. در این داستانها حیوانات احساسات انسانی ندارند و به زبان ما سخن نمی‌گویند. در داستانهای واقعی حیوانی، زندگی سگک به عنوان یک سگ تربیت شده یا نشده، در طبیعت و در تماس با انسان نقل می‌شود مثل «سفر باورنکردنی»^{۱۱} که از دوستی یک گربه و دوسگک و سفر پر مخاطره آنها به طرف

- ۱- لیلی ایمن «نرگس و عروسک موطلائی» ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸.
- ۲- چی‌میرو آلوازاکی «یک برادر برای موموگو» سازمان همگام، ۱۳۵۱.
- ۳- مری‌هریس «سرافینا» کلی‌امامی، امیرکبیر ۱۳۵۰.
- ۴- نینابادن «فرار» امیرکبیر ۱۳۴۹.
- ۵- میریام‌ای‌میسن «خواهر وسطی» علی صلحجو، این‌سینا ۱۳۴۸.
- ۶- صمد بهرنگی «پسرك لبوفروش» تبریز انتشارات شمس.
- ۷- کنتس دوسگور «فرانسوا گوژپشت» پورباقر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۸- ولادیمیر کارالانکو «نوازنده نایینا» افکاری. اندیشه.
- ۹- وراپانوا «سریوژا» گامایون پروگرس.
- ۱۰- کولت ناست «مامان کوچولو» نگار روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۱- شیلا برنفورد «سفر باورنکردنی» گرگانی، جیبی.

خانه صحبت می‌کند. نویسنده قدم به قدم به دنبال قهرمانها می‌رود و هرچه قابل اتفاق افتادن است را بازگو می‌کند. درباره اینکه این حیوانات چه فکر می‌کنند یا باهم چه می‌گویند کلمه‌ای صحبت نمی‌شود، زیرا در آن صورت کتاب از شکل خود که داستان واقعی است خارج می‌شود. در کتاب «توسن بادپا»^۱ ماجراهایی که بر یک اسب اصیل می‌گذرد برای خواننده جوان نقل می‌شود.

این گونه داستانها را نیز از سنین خردسالی می‌توان برای اطفال گفت. يك بچه چهار پنج ساله از خواندن حوادثی که در اثر بازیگوشیهای گربه خانه پیش می‌آید یا مطالبی از این قبیل لذت می‌برد و به تدریج ذوق او در مطالعه این قبیل داستانها تا آنجا پرورش می‌یابد که خواندن «اسب سرخ»^۲ یا «سپیددندان»^۳ مدتها او را سرگرم می‌کند و به تفکر وامی‌دارد. داستانها واقعی حیوانی در واقع آمادگی لازم را در اطفال برای مطالعه کتابهای غیرداستانی درباره حیوانات بوجود می‌آورند.

داستانهای ماجراجویی

اینها داستانهایی هستند که در آنها ماجراجویی تند و پرنشیب و فراز نقل می‌شود. داستانی که هنگام خواندن آن ضربان قلب طفل و نوجوان سرعت بیشتری پیدا می‌کند. داستانی که در کتاب «فرار» مطرح می‌شود یا ماجرای «امیل و کارآگاهان»^۴ یا سرگذشت «تام‌سایر»^۵ و «هاکل بری‌فین»^۶ بدون شك از بهترین نمونه‌های این نوع داستانها هستند.

داستانهای ماجراجویی می‌توانند زمینه تاریخی داشته باشند مثل «سه تفنگدار»^۷ یا «کنت منت کریستو»^۸. در اینگونه

۱- مارگریت هنری «توسن بادپا» فرسود. سخن، ۱۳۴۷.

۲- جان اشتاینیک «اسب سرخ» جیبی.

۳- جک لندن «سپیددندان» محمد قاضی جیبی.

۴- امیل کستنر «امیل و کارآگاهان» حیدری و باقرزاده ترجمه و نشر کتاب.

۵- مارك تواین «تام‌سایر» جیبی.

۶- مارك تواین «هاکل بری‌فین» هوشنگ پیرنظر، پیروز.

۷- دوما «سه تفنگدار» جیبی.

۸- الکساندر دوما «کنت منت کریستو».

داستانها از تاریخ فقط به عنوان زمینه استفاده شده است به این معنی که داستان اگرچه ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است ولی در زمان و مکان معین و شناخته شده‌ای روی می‌دهد. داستانهای پلیسی نیز نوعی از داستانهای ماجراجویی واقعی هستند. خواندن این داستانها به شرطی که بدون لطمه زدن به حیثیت انسانی، کنجکاوی طفل را تحریک کند نه فقط زیان‌آور نیست بلکه مشوق خوبی در عادت‌دادن او به مطالعه نیز هست. کتابهای «کارآگاهان جوان»^۱ و «مرغ روئین» و «امیل و کارآگاهان» نمونه‌های خوبی از این دسته کتابها برای اطفال سنین آخر دبستان هستند.

مطالعه داستانهای ماجراجویی واقعی بدلیل اینکه بسیار سرگرم‌کننده است در درمان کند خوانی یا عدم علاقه به مطالعه می‌تواند مورد استفاده قرارگیرد. معمولاً جریان تند داستان چنان خواننده‌ی مطلب را بخود مشغول می‌دارد که به سرعت پیش می‌رود و خواندن دیگر برایش عمل مشکلی جلوه نمی‌کند بخصوص که زبان اغلب این داستانها بسیار روان و ساده است. همچنین اطفال کلاسهای آخر دبستان یا دوره‌ی راهنمایی که به مطالعه چندان علاقه‌ای نشان نمی‌دهند، اگر تجربه‌ی مطالعه داستانهای ماجراجویی را بدست آورده‌اند اغلب از آن لذت می‌برند و به هدایت مربی و کتابدار کارآموده رفته رفته به مطالعه کتابهای دیگر نیز علاقه‌مند می‌گردند.

داستانهای تاریخی

این دسته داستانهایی هستند واقعی که در آنها شخصیتهای شناخته شده تاریخی و وقایع بزرگ و مهم گذشته نقش اصلی را ایفا می‌کنند. بدیهی است که در اینگونه داستانها شخصیتها و وقایع غیر حقیقی نیز زیاد به کار گرفته می‌شوند ولی چنان ماهرانه و با دقت که خواننده به تخیلی بودن آنها به ندرت پی می‌برد. داستانهای تاریخی سروالتراسکات نویسنده مشهور

۱- مک گرگور «کارآگاهان جوان» دواچی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.

انگلیسی یا «ده نفر قزلباش»^۱ از این قبیل داستانها هستند. در داستانهای تاریخی خوب به صحت و دقت، زمان و مکان و حفظ هماهنگی حوادث مختلف داستان با این دو، توجه بسیار می شود. همچنین يك داستان خوب تاریخی باید بدون ایجاد نفرت نسبت به قوم و کشوری خاص نوشته شود و بجای اینکه بیشتر به تلقین تعصبات شدید ملی پردازد باید به انسان دوستی و پیشرفت کلی بشر توجه داشته باشد. شاید یکی از بهترین نمونه هایی که بتوان در این زمینه ذکر کرد داستان «كودك، سرباز و دریا»^۲ است که مربوط به وقایع جنگ دوم جهانی است و در عین اینکه نویسنده وطن پرستی و تهور نوجوانانی راستایش می کند به نکات کلی انسانی و مسئله صلح عمومی نیز توجه کامل دارد.

داستانهای تاریخی بهترین وسیله عمق بخشیدن به دانستنیهای تاریخی اطفال و رنگ و بودادن به درسهای خشک تاریخ است. علاوه بر این با مطالعه داستانهای تاریخی طفل بعد زمان را حس می کند و می آموزد که درباره مسائل مختلف با نظری دقیق تر و دیدی همه جانبه بنگرد زیرا یکی از مهمترین هدفهای داستانهای تاریخی این است که در پرتو تحلیل حوادث گذشته طفل این نوجوان بتواند مسائل زمان خودش را نیز دریابد.

داستانهای فکاهی و طنزآمیز

این داستانها مسائل زندگی روزمره را با دیدی خاص و با شوخ طبعی مورد بحث قرار می دهند. درك طنز و نکات فکاهی يك مطلب، مهارتی است که طفل به تدریج بدست می آورد. اگر ابتدا از زمین خوردن يك خانم چاق بر روی یخ سخت می خندد رفته رفته می آموزد که به نکات خنده دار در صحبت دیگران و لطیفه های کلامی نیز توجه کند.

داستانهای فکاهی خوب به اطفال و نوآموزان یاد می دهند که از خفیف کردن و زجر دادن و مسخره کردن دیگران لذت نبرند و

۱- حسین مسرور «ده نفر قزلباش» جیبی.

۲- ژرژ فون ویلیه «كودك، سرباز و دریا» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۱۳۴۹.

به آنها نخندند. بلکه خنده آنها بیشتر به موقعیتها و حوادثی باشد که خنده دار است. شل بودن یا لکنت زبان داشتن یا بکار بردن کلمات رکیک و سیله خندانند يك کتاب خوب فکاهی نیست، بلکه اغلب تیزهوشی قهرمان داستان و نکته سنجی اوست که لبخند بر لبان خواننده داستان می آورد. داستانهای طنزآمیز انتقادی نیز به شرطی که مبتذل نباشند روشی تازه در برخورد با مسائل به خواننده جوان می نمایند (مانند اکثر داستانهای عزیز نسین).

داستانهای عاشقانه

از اواخر دوره دبستان و بخصوص در دوره راهنمایی اطفال مخصوصاً دخترها متوجه جنس مخالف می شوند. تغییرات فیزیولوژیکی که در آنها روی می دهد باعث می شود که به جنس دیگر علاقه مند شوند و معمولاً از این احساس خود وحشت دارند و می ترسند. متأسفانه سنت و آداب و رسوم خانوادگی ما نیز این احساس گناه را در نوجوانان تشدید می کند. به همین دلیل نوجوان به خواندن داستانهای عاشقانه پناه می برد و در این راه اغلب به خواندن داستانهای عاشقانه مبتذل و شهوانی کشیده می شود که به هیچ وجه مناسب سن و روحیه او نیست ولی به سرعت به آنها خو می گیرد.

داستانهای عاشقانه واقعی خوب، داستانهایی هستند که بدون پرداختن به صحنه های عشق بازی شهوت انگیز، که در زندگی نوجوان بسیار کمیاب است، به وصف احساس بین پسر و دختر جوان می پردازد و از دوستی آنها و جنبه های مثبت این دوستی صحبت می کند. نوجوان با مطالعه داستانهای خوب عاشقانه به این واقعیت پی می برد که احساس عشق در این سن کاملاً طبیعی است ولی عشقهای نوجوانی چون گلهای زیبا و پر عطر بهاری زود پری می شوند و گلی دیگر جای آنان را می گیرد.

پایان داستانهای عاشقانه خوب برای نوجوانان به ندرت به ازدواج یا مرگ می کشد بلکه سیری طبیعی پیدا می کند. مثلاً سفر یا تمام شدن تابستان یا تغییر منزل به احساس پایان می بخشد

و فقط خاطرۀ خوشی باقی می‌گذارد که در تربیت عاطفی فرد نقش غنی‌کننده و سازنده دارد.

متأسفانه از زندگی عاطفی نوجوانان ایرانی تاکنون داستانی قابل ذکر نوشته نشده است ولی کتابهایی چون «دینگو سگ وحشی»^۱ و «بابا لنگ‌دراز»^۲ از محبوبترین کتابهای دختران و پسران نوجوان هستند.

ب - افسانه‌ها:

داستانهایی که دارای عوامل تخیلی بسیار هستند و امکان وقوع ماجراهای آنها بسیار بعید و در واقع غیر ممکن است «افسانه» نامیده می‌شوند. محققان ادبی معتقدند که افسانه‌ها از قدیمی‌ترین نوع ادبیات هستند بخصوص افسانه‌هایی که از دیر باز میان مردم جهان رایج بوده‌اند و از سینه به سینه نقل شده‌اند. افسانه‌ها را به‌طور کلی می‌توان به دو دسته عامیانه و جدید تقسیم کرد.

افسانه‌های عامیانه

از زمانهای بسیار قدیم میان مردم اقوام مختلف افسانه‌های بسیار نقل می‌شده است. این افسانه‌ها سینه به سینه و نسل به نسل منتقل شده‌اند تا به ما رسیده‌اند. افسانه‌های عامیانه طبعاً حالت گفتار را دارند زیرا قرن‌ها پیش از چاپ و حتی قبل از وجود خط و فن کتابت وجود داشته‌اند. این قصه‌ها نه فقط در طول زمان سفر کرده‌اند بلکه به‌کمک نقالان و فروشندگان دوره‌گرد و همراه کاروانیان از دیاری به دیار دیگر رفته‌اند. در اثر همین مسافرت در زمان و مکان از صورت اولی خویش درآمده‌اند و در هر زمان و محلی مطابق احتیاجات روانی و اجتماعی مردم تغییر شکل یافته‌اند.

مطالعه در افسانه‌های ملل، فصول مشترک زیر را در آنها

۱- یرمان‌فرا «دینگو سگ وحشی یا (نخستین عشق)» پروگرس.

۲- جین وبستر «بابا لنگ‌دراز» میمنت دانا صفی‌علیشاه.

روشن می‌سازد:

— افسانه‌های عامیانهٔ يك قوم نمایشگر عقاید و آداب و رسوم آن قوم، و مبین احساسات و دید مردم آن نسبت به مسائل زندگی است. چون تجربه ثابت کرده است که این افسانه‌ها محبوبترین افسانه‌ها بین مردم هستند پس گزاف نخواهد بود اگر بگوییم نقشی سازنده نیز خودبخود دارند.

— در بیشتر افسانه‌های ملل خصائل عالی انسانی از قبیل فروتنی، جوانمردی، سخاوت، شجاعت و محبت مورد ستایش قرار می‌گیرد. در همهٔ این افسانه‌ها خواننده می‌بیند که این صفات نیکوگرچه ممکن است گاه سبب مشکلات و سختی‌هایی بشوند ولی همواره در پایان پیروزند و در نتیجه ناخودآگاه به تقلید از آنها کشانده می‌شود. در هیچ افسانهٔ عامیانه از هیچ ملت و قومی هرگز دیده نشده است که ظالمی زورگو پیروز گردد یا جبونی متملق به هدف خویش نایل آید.

همچنین بررسی دقیق محققان ادبی در افسانه‌های عامیانه توانسته است خصوصیات مشخصی را برای این‌گونه افسانه‌ها بیابد که آشنایی با آنها به ما کمک خواهد کرد قصه‌های عامیانه را بهتر بشناسیم:

— همانطور که قبلاً هم گفته شد شیوهٔ بیان در این افسانه‌ها بسیار به گفتار مردم نزدیک است زیرا اصولاً زمانی به وجود آمده‌اند که نگارش وجود نداشته است.

— افسانه‌های عامیانه معمولاً از طرح خاصی پیروی می‌کنند. شروع و پایان مخصوص بخود دارند. شخصیت‌های اصلی داستان اغلب در همان چند جملهٔ اول معرفی می‌شوند و پس از آن این شخصیتها با گره اصلی مواجه شده سپس طی ماجرای بسیار سریع و پرحادثه این گره بدست محبوبترین قهرمان افسانه گشوده می‌شود.

— ماجرا در افسانه‌های عامیانه نقش بسیار مهمی را برعهده دارد. وقایع چون دانه‌های ریز يك زنجیر تند و سریع یکی پس از دیگری قرار می‌گیرند و هرگز شنونده یا خواننده را با جمله

سازیمهای زیاد و توضیحات و توصیفات بی فایده معطل نمی گذارد. - تکرار، یکی دیگر از خصوصیات برجسته داستانهای عامیانه است. تکرار فقط در سبک نگارش نیست که جلوه می کند بلکه اغلب در ساختمان افسانه ها هم مؤثر است مثلاً تکرار در افسانه های چون «موش دم بریده» یا «مهمانهای ناخوانده»^۱ نقش اساسی دارد.

- در افسانه های عامیانه افراد اصلی داستان شخصیتهای روشن و مشخصی دارند و اغلب مشابه هستند. مثلاً دختران زیبا معمولاً خوشرفتارند یا شاهزاده کوچکتر، از همه با هوشتر است، فقرا نیک نفس و مهربانند و ثروتمندان سنگدل و ظالم. خصوصیات این افراد معمولاً در همان اول داستان معلوم می شود، زیرا همین خصوصیات است که باعث پیشرفت ماجرای داستان می شود. - افسانه های ملل نویسنده خاصی ندارند زیرا سالها بلکه قرنها پس از بوجود آمدن جمع آوری و نگاشته شده اند.

تنوع افسانه های عامیانه نشانه گسترش عظیم تخیل انسانی است. از طرف دیگر این افسانه ها به علل مختلف و برای برآوردن احتیاجات گوناگون مردم، خلق شده اند. گروهی از آنان برای سرگرم کردن خردسالان ساخته شده اند، دسته ای برای پندآموزی و تربیت نורسان به وجود آمده اند، در حالی که بعضی از افسانه ها جنبه فلسفی و دینی دارند. از اینرو طبقه بندی افسانه های عامیانه کار آسانی نیست، ولی بهر حال شناختن مهمترین انواع آنها برای کسانی که می خواهند از افسانه های عامیانه برای اطفال استفاده کنند بسیار لازم است:

* افسانه ها توأم با تکرار

این افسانه ها از نظر مفهوم و از نظر زبان ساده ترین و کوتاهترین نوع افسانه های عامیانه هستند، معروفترین و زیبا-

۱- صبحی «افسانه های کهن (۲ جلد)» امیر کبیر.
۲- فریده فرجام «مهمانهای ناخوانده» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۳- رجوع کنید به (۱).

ترین افسانه‌های عامیانه ایرانی که برای کودکان خردسال کاملاً قابل استفاده است بیشتر از همین نوعند مثل «دویدم و دویدم»^۲، «موش دم بریده»، «مهمانهای ناخوانده»، «شنگول و منگول و حبه انگور»^۱. در ادبیات خارجی نیز این گونه افسانه‌ها فراوانند. مثل: «سه خوک کوچولو»^۲، «سه خرس»^۳ و....

* افسانه‌های حیوانات سخنگو

در این افسانه‌ها حیوانات فقط ظاهر حیوانی دارند ولی مثل انسانها فکر می‌کنند، احساس دارند و حرف می‌زنند. حتی در بسیاری از مواقع به تحلیل اجتماعی و سیاسی می‌پردازند مثل «کلیله و دمنه». حیطة این افسانه‌ها بسیار وسیع است و از لحاظ مفهوم، کلیه انواع دیگر افسانه را می‌تواند دربر بگیرد. یعنی می‌تواند افسانه جادویی یا فکاهی یا تخیلی باشد. همچنین می‌تواند فقط سرگرم‌کننده یا آموزنده و فلسفی باشد. این افسانه‌ها محبوبترین نوع افسانه‌ها برای اطفال خردسال هستند. هرگاه بصورت مختصر و کوتاه درآیند و در پایان از آنها آشکارا نتیجه گیری اخلاقی بشود فابلها بوجود می‌آیند. مانند «روباه و گلاغ» یا «لاک پشت و خرگوش»

* افسانه‌های جادویی

در این افسانه‌ها همیشه يك عامل غیر واقعی و جادویی وجود دارد. این عامل می‌تواند حیوانی مافوق‌الطبیعه باشد مثل اژدها یا سیمرغ یا شیئی جادویی باشد مثل شب کلاه، قالیچه، انگشتر، یا سفره‌ای که همه غذاها را آماده می‌کند، یا همچنین ممکن است انسانی باشد مثل جادوگر و غول یا پریان مهربان و کوتوله‌ها. در این افسانه‌ها مهم این است که قهرمان همیشه یا با این عوامل درگیری دارد یا به کمک همین عوامل سحرآمیز موفق می‌شود. این افسانه‌ها گاه بسیار وحشتناکند مثل «ماه پيشانی»^۴. و گاه

۱- صبحی «افسانه‌های کهن (۲ جلد)» امیر کبیر.

۲- مایدوس لوئیس «سه خوک کوچولو» احسان. پدیده.

۳- روجانکوفسکی «سه خرس» علمی.

۴- صبحی «افسانه‌های کهن (۲ جلد)» امیر کبیر.

بسیار لطیف و زیبا هستند مثل «خاکستر نشین»^۱. استفاده از این افسانه‌ها فقط با احتیاط و دقت بسیار برای اطفال بزرگتر که می‌توانند غیر واقعی بودن آن عوامل خاص را احساس کنند شایسته است. برای خردسالان ممکن است علاوه بر ایجاد ترس مولد افکار درهم و مشوش نیز بشود.

* افسانه‌های فکاهی

در بسیاری از افسانه‌های عامیانه شوخ طبعی خاص ملل مختلف هویداست. نکته خنده‌دار گاه در حماقت‌های قهرمان داستان و گاه در ذکاوت و سرعت انتقال اوست. ولی هرگز از ظاهر معیوب شخصی برای خندانن خواننده یا در واقع شنونده استفاده نمی‌شود. از افسانه‌های معروف فکاهی ایرانی «خاله گردن‌دراز» و «خاله‌خدیجه» را می‌توان نام برد.

* افسانه‌های حماسی قهرمانی

انسان در هر جامعه و زمانی شیفته رفتارهای قهرمانی و شجاعانه بوده است بخصوص وقتی که این رفتار در راه رسیدن به هدفی عالی و بزرگ از شخص سر بزند. بهمین دلیل از دیرباز مردم اقوام مختلف تاریخ قوم خود را با عوامل افسانه‌ای بهم آمیختند و برای پرورش روح قهرمانی در جوانان بکار برده‌اند. داستانهای «شاهنامه» فردوسی، افسانه‌های «ایلیاد و اودیسه» از هومر شاعر یونانی یا حماسه «نیبلونگ» از ملل ژرمن بهترین نمونه‌های این نوع افسانه هستند. در سالهای اخیر از افسانه‌های حماسی ایرانی «داستانهای شاهنامه»^۲ و «بستور»^۳ بخصوص برای استفاده کودکان و نوجوانان منتشر شده است. بعضی از افسانه‌های حماسی آذربایجانی نیز به همت صمد بهرنگی و بهروز دهقانی باز نوشته شده و در اختیار خوانندگان جوان قرار گرفته

۱- برادران گریم «افسانه‌های شیرین» مصاحب، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲- احسان یارشاطر «داستانهای شاهنامه» بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳- مهرداد بهار «بستور» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

است. افسانه‌های حماسی را اطفال سنین دبستانی درك می‌کنند و گاه این علاقه تا بزرگسالی ادامه می‌یابد.

* افسانه‌های فلسفی و دینی

بشر همیشه درباره آنچه در اطرافش می‌گذشته است می‌اندیشیده و می‌کوشیده دلیل برای پدیده‌های مختلف بیابد و هر گاه از توجیه منطقی رویدادها عاجز می‌مانده دست به دامان عوامل غیرطبیعی و عجیب می‌زده است. مثلا چون علت باریدن باران یا خشکسالی را نمی‌دانست یکی را از اقدامات فرشته رحمت و دیگری را نتیجه رفتار دیوی بدسرشت می‌پنداشت و صدای رعد و درخشش برق را از اثرات جنگ میان این دو می‌دانست (فرشته باران و دیو خشکی)^۱ و به همین ترتیب افسانه‌های بسیاری برای خود ساخت. در این افسانه‌ها عقاید و افکار مردمان زمانهای بسیار پیش به خوبی هویدا است. در بسیاری از موارد این افسانه‌ها رنگ دینی بخود گرفتند و اساطیر جهان بدین گونه بوجود آمدند. در افسانه‌های اساطیری قهرمانان اصلی داستان خدایان یا نیمه‌خدایان هستند. گرچه این خدایان دارای قدرت مافوق طبیعی هستند ولی بسیاری از خصوصیات انسانی را نیز می‌توانند دارا باشند، مثلا اغلب عشق می‌ورزند، حسادت می‌کنند و یا بایکدیگر به جنگ و ستیز برمی‌خیزند. معروفترین این افسانه‌ها که تأثیر بسیاری در ادبیات جهان گذاشته‌اند افسانه‌های خدایان یونانی و رومی هستند. داستان «جمشید شاه»^۲ از زیباترین اساطیر ایرانی است که در سالهای اخیر برای اطفال و نوجوانان بازنویس شده است. مطالعه این گونه داستانها در اوان کودکی به هیچ وجه توصیه نمی‌شود، ولی در سنین آخر دبستان که طفل مبانی ابتدایی علوم و عقاید مذهبی خویش را بدست آورده است، خواندن این قبیل افسانه‌ها معمولا برای او لذت بخش و آموزنده است و اغلب تا سنین جوانی نیز این مطالعه ادامه می‌یابد.

۱- احسان یارشاطر «داستانهای ایران باستان» نگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲- مهرداد بهار «جمشید شاه» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

* افسانه‌های عاشقانه

عشق طبیعی‌ترین و زیباترین احساس انسانی است و مردم همیشه در وصف و بزرگداشت آن داستانهایی گفته‌اند. در افسانه‌های عاشقانه عامیانه فقط عاشق صادق و جوانمرد و بردبار پیروز است. فداکاری و شجاعت و پایداری از مهمترین عوامل برای رسیدن به معشوق به‌شمار می‌رود. در افسانه‌های عاشقانه عامیانه هرگز به توصیف صحنه‌های عاشقانه و دور از اخلاق برخورد نمی‌کنیم. خواندن این قبیل افسانه‌ها برای اطفال و نوجوانان نه فقط مضر نیست بلکه در تلطیف عواطف آنها و تحکیم ارزشهای انسانی می‌تواند نقش بسیار مؤثر و مثبتی را ایفا کند.

داستانهای «افسانهٔ محبت»^۱، «گل خندان و در گریان» یا «باغ گل زرد» از ادبیات عامیانهٔ ایرانی و «گل ارغوانی»^۲ از ادبیات روسی فقط نمونه‌هایی از این نوع افسانه‌ها هستند. از آنچه در بالا گفته شد کاملاً روشن است که افسانه‌های عامیانه یکی از غنی‌ترین منابع ادبیات کودکان بشمار می‌روند، ولی به شرط اینکه بتوانیم از میان هزاران افسانهٔ عامیانه بهترین و دلنشین‌ترین را برای سنین مختلف انتخاب کنیم و به زبانی روایت کنیم که برای شنوندگان کم‌تجربه قابل فهم و لذت‌بخش باشد. افسانه‌های خوب عامیانه را باید به عنوان نمونه‌ای از ادبیات اصیل هرکشور به اطفال دبستانی شناساند و آنها را به مطالعه افسانه‌های ملل تشویق کرد تا از این راه به حکمت زندگی و عقاید و خلق و خوی مردم جهان پی ببرند. در دنیای ما اهمیت مطالعهٔ افسانه‌های ملل برای اطفال به آن پایه رسیده است که متخصصان فن این نوع مطالعه را بهترین وسیله برای برقراری تفاهم بین‌المللی دانسته‌اند.

افسانه‌های جدید

زیبایی و لطافت افسانه‌های عامیانه چنان در نویسندگان خوش

۱- صمد بهرنگی «افسانهٔ محبت» نوبل، تبریز.
۲- «گل ارغوانی» روحی ارباب، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ذوق مؤثر واقع شد که خود به ساختن افسانه‌هایی نو، از روی نمونه‌های کهن پرداختند. معذالك واضح است که موضوع و عوامل افسانه‌ای تابع احتیاجات زمان می‌شود و نویسنده نه فقط از وسایل موجود در زمان استفاده می‌کند بلکه عقاید و آداب زمان را نیز منعکس می‌سازد. افسانه‌های جدید بزرگترین فرقی که با افسانه‌های قدیم و عامیانه دارند این است که از ابتدا نوشته شده‌اند و طبیعتاً نویسنده هر يك نیز شناخته شده است. این افسانه‌ها نتیجه ذهن خلاقه يك نویسنده خوش‌قریحه هستند در صورتی که دیدیم افسانه‌های عامیانه به تدریج ساخته و پرداخته شده‌اند.

تنوع افسانه‌های جدید به هیچ‌وجه کمتر از افسانه‌های قدیم نیست. در زمان ما دیگر کمتر افسانه‌های دینی ساخته می‌شود، ولی در عوض افسانه‌های علمی که نمایشگر ذهن فعال و دورنگر نویسندگان این قبیل افسانه‌هاست جای آنها را بخوبی گرفته‌اند. در این مختصر دیگر لزومی ندارد که بار دیگر انواع افسانه‌ها را بررسی کنیم، فقط باید به خاطر داشته باشیم که مثلاً در افسانه‌های حیوانی ممکن است به جانورانی از کرات دیگر برخورد کنیم یا در افسانه‌های فلسفی به موجودی چون «شازده کوچولو»^۱ برسیم که از کره‌ای دیگر آمده است و با دیدی خاص به جهان قرن ما می‌نگرد. «ماهی سیاه کوچولو» نوشته صمدبهرنگی نمونه بسیار جالب دیگری از افسانه‌های حیوانی جدید است، که یکی از مسائل اجتماعی را مطرح می‌کند. در افسانه عاشقانه «گل بلور و خورشید» نوشته فریده فرجام صحبت از جوامع شهری و روستایی و کارگری و دهقانی به میان می‌آید که پدیده‌های زمان ما هستند. در افسانه «فندق‌شکن»^۲ اسباب بازیها حرف می‌زنند و در کتاب مشهور کارلو کلودی «پینوکیو»^۳ عروسکی جان می‌گیرد...

همانطور که در بالا اشاره شد نوع جدیدی از افسانه‌ها که به

۱- سنت اگزوپری «شازده کوچولو» محمد قاضی. امیرکبیر.

۲- ویلهلم هوفمن «فندق‌شکن» بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳- کارلو کلودی «پینوکیو» صادق چوبک اندیشه.

انواع قبل باید اضافه کرد افسانه علمی است. این افسانه‌ها را نویسندگان بر پایه دانش‌های علمی زمان می‌سازد و با حدسیات عالمانه خویش به آینده می‌نگرد یا از وسایل جدید و بدیع استفاده می‌کند. ژول ورن^۱ فرانسوی در تقریباً صد سال پیش رفتن به کره ماه را پیش‌بینی کرد و در کتاب «بیست هزار فرسنگ زیر دریا»^۲ زیر دریایی را برای زندگی و سفر قهرمان اصلی خویش آفرید. افسانه‌های علمی ژول ورن با وجود گذشت يك قرن و پیشرفت‌های عظیم علمی در این زمان به هیچ‌وجه تازگی و کشش خود را برای خوانندگان جوان از دست نداده‌اند. افسانه‌های علمی اچ. جی. ولز^۳ را که از نویسندگان به نام اوایل این سده است نوجوانان با میل بسیار می‌خوانند.

شرایط داستان خوب

عوامل بوجود آورنده داستان خوب عبارتند از: هدف یا فکر اصلی نویسنده، ماجرا، محیط، شخصیت‌ها و سبک نگارش داستان.

هدف یا فکر اصلی

مایه اولیه و محرک واقعی نویسنده برای نگارش، هدف و فکری است که در او بوجود می‌آید و قوت می‌گیرد. بسیاری از کتابهای خوب بر اساس چند هدف یا فکر اصلی بوجود آمده‌اند. مثلاً در داستان «این را می‌گویند شجاعت»^۴ اثر آرمسترانگ اسپری غلبه بر ترس و مورد قبوم واقع شدن فکرهای اصلی داستان هستند. نکته مهم در این نیست که چند فکر اصلی در داستان وجود دارد بلکه در این است که فکر اصلی جوابگوی احتیاجات خوانندگان باشد و بشود آن را به صورت دلپسند و جالبی برای آنان پروراند.

۱- Jules Verne

۲- ژول ورن «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» اردشیر نیکپور. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳- H. G. Wells

۴- آرمسترانگ اسپری «این را می‌گویند شجاعت» این کتاب تاکنون سه بار به زبان فارسی ترجمه شده است که بهترین آنها ترجمه هما روحی است، امیرکبیر ۱۳۴۹.

نکته مهم دیگر این است که نویسنده باید از میان انواع افکار و هدفهایی که از نگارش دارد آنهایی را انتخاب کند که گذشته از تناسبشان با احتیاجات خوانندگان احتمالی، در میان خود نیز تجانس داشته باشند. نویسنده نباید تصور کند که این اثر تنها اثر او خواهد بود و دیگر هرگز فرصت حرف زدن پیدا نخواهد کرد چه این تصور باطل اغلب باعث می‌شود که نویسندگان همه افکار خود را یکجا به خواننده عرضه می‌کنند و در نتیجه فرصت درست پروراندن فکرها را هرگز نمی‌یابند.

ماجرا

شك نیست که در کتاب داستانی، شروع، نقطه اوج و چگونگی پایان یافتن داستان بسیار مهم است. شیوه بافته شدن و پیوستگی مطالب مختلف به هم اساسیترین نکته در جلب توجه خواننده است. ماجرای داستان باید طوری باشد که به نظر قابل قبول بیاید و هرگز حوادث و اتفاقات آن بی‌دلیل و بدون ارتباط باهم نباشد، حتی در افسانه. ما برای داستان باید دارای اصالت و تازگی باشد، بروقاع پیش پا افتاده و خسته‌کننده و قابل پیش‌بینی استوار نباشد. مثلاً در کتاب «این را می‌گویند شجاعت» شروع داستان خواننده را به خود جلب می‌کند اتفاقات گوناگون و مرتبط خواننده را به نقطه اوج داستان می‌کشاند، سپس او را آرام و مطمئن و در محیط آشنای داستان همراه شخصیت اصلی آن، در حالی که به فکر اصلی و سبک نگارش نویسنده کم و بیش خو گرفته است به انتهای داستان می‌رساند. رویدادها در یک داستان خوب باید چنان باشد که خواننده بی‌اراده خود را بازیگر آن بیندیشد و همراه شخصیت‌های آن از حوادث مختلف بگذرد و در غمها و شادیمایشان خود را شریک احساس کند.

محیط

موفقیت داستان بستگی مستقیم دارد به انتخاب محیطی مناسب برای جریان یافتن ماجرا. محیطی که ماجرا در آن

روی می‌دهد ممکن است متعلق به زمان گذشته، حال یا آینده باشد. ماجرا می‌تواند در محل و محیطی شناخته شده یا در نقطه‌ای کاملاً ناآشنا به وقوع بپیوندد. ولی باید توجه داشت که پیوستگی زمان و محل با موضوع و ایجاد محیط مناسب برای وقوع پیوستن رویدادهای داستان بسیار مهم است. مثلاً اگر قرار است داستان دربارهٔ جوانمردی عیاران نوشته شود، نمی‌توان محل ماجرا را تهران و زمان وقوع آن را امروز انتخاب کرد. زیرا رفتار يك عیار، اگر در زمان ما چنین موجودی دیگر وجود داشته باشد، در تهران امروز گذشته از اینکه باعث اعتراض دستگامهای قضایی و حتی مردم می‌شود وضع مسخره‌ای را نیز بوجود می‌آورد که به فکر اصلی داستان لطمه خواهد زد. در داستان «این را می‌گویند شجاعت» فقط جزیرهٔ دور افتاده‌ای در دل اقیانوس با توفانهای متعدد و روزهای صاف و بیشمار محیط داستان نیست بلکه قایق شکسته‌ای که در انتظار وزیدن بادی سرگردان است، طرز تفکر مردم و... فضای لازم را برای پیشرفت ماجرای داستان بوجود می‌آورد.

شخصیتها

وجود شخصیتی بارز و واقعی از نکاتی است که در نوشتهٔ خوب کاملاً مشهود است. آدمها یا موجوداتی که در داستان نمودار می‌شوند باید چون زندگی، واقعی باشند. بسیاری از موجوداتی که در افسانه‌های جدید خلق شده‌اند آنچنان واقعی جلوه می‌کنند که تصور غیرواقعی بودن آنها مشکل است، مانند پینوکیو در اثر کارلو کولودی و ماهی سیاه کوچولو در اثر صمد بهرنگی. زنده و واقعی جلوه کردن شخصیتهای داستان بستگی دارد به مقدار شناسایی نویسنده از افرادی که می‌خواهد بشناساند و توانایی او در نمایان ساختن قدرتها و ضعفهای آن افراد. هرگاه نویسنده فقط از يك دیدگاه شخصیتی را منعکس کند نتیجه چیزی يك جانبه و توخالی می‌شود. در کتاب «این را می‌گویند شجاعت» قهرمان اصلی پسرکی است که از دریا به شدت می‌ترسد و حوادث مختلف کوششهای فوق‌العاده او را در چیره‌شدن بر این

احساس نشان می‌دهد. ساختمان این شخصیت کاملاً طبیعی است. پسرک مانند هر انسانی نکات منفی و مثبت بسیار دارد و در پیش چشم خواننده رفته‌رفته جان می‌گیرد، رشد می‌کند و تغییر می‌یابد. در صورتی که اگر نویسنده برای نشان دادن مزیت شجاعت، شخصیتی کاملاً شجاع را در مقابل فردی جیون قرار می‌داد هرگز این افراد یک‌جانبه نمی‌توانستند پیام او را به خواننده جوان برسانند. نکته مهم دیگر در پروراندن شخصیت‌های داستان این است که نویسنده آنها را به صورت نمونه‌های خاص در نیاورد. چه اطفال و نوجوانان به شدت از تقلید از نمونه‌ها احتراز می‌جویند و مایلند صفات موردپسند را خود در افراد و شخصیت‌های مختلف و گاه متضاد بیابند.

سبک نگارش

شیوه انتخاب کلمات و عبارات و چگونگی ساختن و پیوستن جملات نموداری از سبک نگارش نویسنده است. انتخاب سبک مناسب در رساندن فکر اصلی داستان و درست جلوه دادن شخصیت‌های آن بسیار مؤثر است. از اینرو می‌توان گفت که سبک نگارش یک داستان در خلق و ارائه حالت خاص آن عامل اساسی است. تناسب سبک نگارش با تواناییها و رغبت‌های سنی اطفال همان قدر مهم است که با موضوع داستان. مثلاً کودکان و نوجوانان از خواندن مطالب توصیفی چندان لذت نمی‌برند و حوصله دنبال کردن آن را ندارند. در صورتی که خواندن کلمه‌های زیبا و خوش آهنگ و تشبیهات بدیع و خیال‌انگیز مشوق ذوق آنها در مطالعه است. آنها به خوبی می‌توانند به ارزش هنری نوشته‌ای که با فنون خاص نویسندگی در ایشان هیجان بوجود می‌آورد پی ببرند.

جمله‌های کوتاه و آهنگ‌دار نادر ابراهیمی در «دور از خانه»^۱ شیطنت هلی کوچولو را برای خواننده محسوس می‌سازد و تشبیهات ساده و دل‌انگیزی که سیاوش کسرایی در «بعد از زمستان در آبادی ما»^۲ بکار می‌برد در زنده کردن لطف بهاری بسیار مؤثر است.

۱- نادر ابراهیمی «دور از خانه» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 ۲- سیاوش کسرایی «بعد از زمستان در آبادی ما» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

گذشته از این، داستانهای کودکان باید روان و راحت نگاشته شوند تا قابل بلندخواندن باشند، زیرا باید توجه داشت که در گروههای سنی پایین حتی خود کودکان نیز هنگام مطالعه بلند می‌خوانند و اگر نتوانند این کار را به آسانی و توأم با درك لذت انجام دهند، دست از مطالعه برمی‌دارند.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که در نوشتن داستان برای کودکان و نوجوانان تا چه اندازه دقت و ذوق باید به کار گرفته شود. نوشتن برای خوانندگان جوان کاری بس دقیق و ظریف است. برعکس آنچه اغلب پنداشته می‌شود، نویسندگان به هیچ وجه نمی‌توانند به علت کم بودن سن خوانندگان، کار خود را سرسری بگیرند و از بکار گرفتن کلیه نبوغ و ذوق خویش در خلق اثری برای آنان، فروگذار کنند.

۲- کتابهای غیر داستانی

چنانکه قبلاً هم اشاره شد زمانی بود که مریدان و منتقدان کتابها و نوشته‌هایی را که جنبه داستانی نداشت جزئی از ادبیات کودکان نمی‌شناختند زیرا می‌پنداشتند هنر نویسندگی در نوشتن این کتابها بکار گرفته نمی‌شود. ولی امروز این عقیده به هیچ وجه قابل قبول نیست زیرا که بسیاری از کتابهای غیرداستانی را می‌شناسیم که از لحاظ نحوه نگارش و از نظر مطالب ارزش هنری فراوان دارد.

گذشته از این بنابر تعریفی که در فصل اول از ادبیات کودکان داده شد، کلیه مطالبی را که طفل می‌خواند، به غیر از کتابهای درسی، در زمره ادبیات کودکان به حساب می‌آوریم، زیرا در پرورش ذهن و ذوق او مؤثر است.

کودکان پایان قرن بیستم کنجکاویمها و پرسشهای بسیار دارند که هرگز هیچ مربی نمی‌تواند ادعا کند که به تنهایی از عهده جوابگویی آنها برخواهد آمد. مربی آگاه این عصر ناچار است برای ارضای ذهن بیدار و پرسشگر طفل از نوشته‌های گوناگون کمک بگیرد. در اینجا است که لزوم شناخت انواع

نوشته‌های غیرداستان و نحوه انتخاب و استفاده از آنها روشن می‌شود. مطالب غیرداستانی که بیش از همه مورد مطالعه کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرند عبارتند از:

الف - مطالب علمی

اینها مطالبی هستند که درباره مسائل گوناگون علمی در رشته‌های مختلف می‌شوند. این نوشته‌ها ممکن است به مسائل بسیار کلی علوم و معرفی آنها بپردازند مانند «شگفتیهای ریاضیات^۱» یا یکی از مسائل علمی را با دقت بیشتری مورد بحث قرار دهند مثل «ابر باران و برف^۲». مطالب علمی همچنین می‌توانند موارد عملی استفاده از علوم را به خوانندگان جوان نشان دهند مانند «آزمایشهای ساده علمی با وسایل خانگی^۳».

استفاده از کتابهای علمی سن معین و مشخص ندارد. حتی برای بچه‌هایی که هنوز خودشان نمی‌توانند بخوانند می‌توان و باید از مطالب علمی استفاده کرد، نوشته‌هایی که به پدیده‌های مختلف زندگی با دیدی علمی می‌نگرد. در بسیاری از مواقع استفاده از یک کتاب که با زبانی ساده ولی علمی با تصاویر دقیق و واقعی زندگی گربه یا مورچه را برای آنها تعریف کند ممکن است از شنیدن داستان برایشان جالبتر باشد. کتابهای علمی برای اطفال قبل از دبستان معمولاً مشاهدات روزمره طفل را تقویت می‌کند و به آن جنبه علمی می‌دهد و کمتر بطور دقیق به ذکر دلایل و ریشه‌های آن می‌پردازد.

وقتی که طفل یاد گرفت که درست مشاهده کند و درباره مشاهدات خود تفکر و جستجو کند طبیعتاً به مرحله‌ای می‌رسد که می‌خواهد به علل پدیده‌ها پی ببرد. طفل دبستانی در این مرحله به کتابها و مقالاتی در رشته‌های مختلف علمی روی می‌آورد که هم کنجکاوی او را ارضاء می‌سازد، هم سئوالهای تازه در ذهنش بیدار می‌کند و هم نحوه یافتن جواب را به او نشان می‌دهد.

۱- استرهاریس هابلند «شگفتیهای ریاضیات» عباس خیرخواه. امیرکبیر.

۲- برتاموریس پارکر «ابر، باران و برف» مجید روشنگر. ابن‌سینا.

۳- لیمن «آزمایشهای ساده علمی با وسایل خانگی» ابن‌سینا.

اغلب در سنین نوجوانی توجه طفل از علوم فیزیکی به علوم انسانی کشیده می‌شود، و در نتیجه بجاست که پهنه کتابهای علمی در این دوره وسیعتر شود. از طرف دیگر معلومات نوجوان از لحاظ علمی و وسعت زبان آنقدر تکامل یافته است که بتواند از نوشته‌های علمی سنگین‌تر و مفصلتر استفاده کند.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که گرچه در کلیه سنین مورد بحث ما در این کتاب، استفاده از کتابهای علمی مطرح است ولی شك نیست که باید در تهیه، و نحوه انتخاب و ارزشیابی کتب مزبور دقت بسیار به عمل آید:

— نوشته‌های علمی باید دارای موضوعی معین و روشن باشند.
— نوشته‌های علمی باید بسیار دقیق و صحیح تهیه شوند زیرا سهل‌انگاری و خطاهای علمی در ذهن کودکان مفاهیم غلط و تغییر ناپذیر بوجود می‌آورد.

— نوشته‌های علمی در سنین مختلف باید مطابق با احتیاجات هر گروه سنی انتخاب و تهیه شوند. موضوع کتابهای علمی برای اطفال خردسال باید از مسائل زندگی آنان و مربوط به تجربه‌های ایشان باشد.

— تصاویر در کتابهای علمی باید دقیق و صحیح باشد و فهم مطالب را آسان کند.

— در نوشته‌های علمی باید جوانب انسانی و اجتماعی مطلب مورد توجه قرار گیرد.

ب - کتابهای مربوط به اجتماع و محیط

این کتابها درباره سرزمینها و مردم مختلف بحث می‌کند. آداب و رسوم ملل را معرفی می‌کند. مسائل اجتماعی را چنانکه هست از دیدی عینی و تاحدا مکان بی طرف مورد بحث قرار می‌دهد. اطفال از سنین بسیار کم می‌توانند از چنین نوشته‌هایی استفاده کنند. زمانی که طفل کودکستانی به مطالعه کتابهایی درباره خانه موجودات زنده مشغول است من غیر مستقیم اولین قدم را در راه شناختن يك مسئله بزرگ اجتماعی یعنی «مسکن» بر

می‌دارد.

برای اطفال دبستانی زندگی ملل و اقوام مختلف جهان بسیار جالب است. مطالعه کتابهایی در این زمینه گرچه تفاوتها را ممکن است بیان کند و از این راه کنجکاوی طفل را ارضاء کند ولی در عین حال شباهتها را نیز می‌نمایاند و من غیرمستقیم او را به نوع بشر به طور کلی علاقه‌مند می‌سازد. شناختن زندگی مردم از راه سفرنامه نیز برای اطفال سالمهای آخردبستان می‌تواند بسیار جالب باشد.

به تدریج که اطفال بزرگتر می‌شوند مسائل مختلف اجتماعی توجه آنها را به خود جلب می‌کند. علاقه‌مند می‌شوند که آنها را بهتر بشناسند و به علت پیدایش آنها پی ببرند و در جستجوی راهی برمی‌آیند که این مسائل را حل کنند. در این سنین است که به مطالعه کتابهایی مربوط به مسائل اجتماعی نیازمندند. کتابهایی که درباره تبعیضات در جوامع مختلف، گرسنگی و فقر، جنگ... یا از آینده، عشق و مبارزات مثبت مردم بحث می‌کند. در این دوره از رشد نوجوانان باید بتوانند کتابهای متناقض نیز مطالعه کنند تا به تدریج خود صاحب نظر شوند. خواندن يك طرفه فکر آنان را محدود بار خواهد آورد. مطالعات صحیح و متنوع در این دوره طبیعتاً به طرز تفکر اجتماعی و سیاسی آنان در جوانی و بزرگی بسیار کمک خواهد کرد.

ضوابط نوشته‌های خوب در این گروه بدین قرار است:

- صحت و دقت مطالب و مستند بودن آنها.
- انطباق موضوع بااحتیاجات و تواناییهای سنی خوانندگان.
- بیان روشن و مشخص يك مطلب.
- خالی بودن از تعصبات.
- این نوع کتابها نباید جنبه تلقینی داشته باشند.
- در این گونه نوشته‌ها باید بیشتر به جنبه‌های کلی بشری توجه شود.

- تصاویر و جداول در کتابهای مورد بحث جنبه تزئینی ندارند بلکه در وهله اول کلیدی هستند برای درك مطالب و مفاهیم

ارائه شده.

ج - مطالبی درباره اختراعات و اکتشافات

چه ماجرای جالبتر از شرح تلاش انسان برای رفع مشکلات و نکات مجهولی که در دانش خویش دارد؛ بسیاری از اطفالی که فریفته داستانهای ماجرای هستند اگر بامریان آگاه و علاقه مند در تماس باشند بزودی به مطالعه چگونگی ستیز انسان با میکرب یا آفات دیگر، تاریکی، سرما... کشیده می شوند. برای نوجوانان زندگی واقعی و شهادت آمیز کاپیتان سکا در کشف قطب جنوب یا استقامت و بردباری مخترعان بزرگ جهان، وقتی که خوب نوشته شود بسیار جالبتر از داستانها و افسانه های خیالی خواهد بود. مطالعه این کتابها علاوه بر این که بر معلومات اطفال و نوجوانان می افزاید و دید وسیعی را در آنان پرورش می دهد، ایشان را یاری می کند که به ارزش واقعی تمام وسایل و امکاناتی که برای بشر امروز فراهم است پی ببرند و اهمیت علاقه به کار و مداومت در جستجو و مطالعه را واقعاً لمس کنند.

در ارزشیابی اینگونه کتب علاوه بر شرایط کلی که قبلاً هم ذکر شده است باید این را اضافه کرد که نویسنده این کتابها نباید خود را یکسر به ماجرا بسپارد بلکه کلیه مطالب این کتابها باید مانند هر کتاب غیرداستانی کلا مستند باشد و ایجادکشش و هیجان را باید به عمده نحوه نگارش مطالب گذاشت.

د - کتابهایی درباره فعالیتها و سرگرمیها

این کتابها معمولاً از نوع کتابهایی نیستند که طفل آنها را یکجا مطالعه کند. بلکه از آنها برای سرگرم شدن یا آموختن فن خاصی استفاده می کند. طبیعی است که این کتابها از لحاظ موضوع بسیار متنوعند:

در کتابهایی درباره بازیها و ورزشها بچه ها انواع بازیهای انفرادی و گروهی را می آموزند و به فنون ورزشهای مختلف پی می ببرند. بسیار دیده شده است که نوجوانانی

که اهل بازی و ورزشند و به مطالعه چندان رغبتی ندارند، بوسیله مطالعه اتفاقی مطلبی درباره فوتبال یا جزوه‌هایی درباره شطرنج به کتاب علاقه‌مند می‌شوند و به ارزش آن پی می‌برند. ایجاد علاقه به این نوع کتابها را می‌توان با خواندن چیستانها در طفولیت شروع کرد.

کتابهایی درباره ساختن اشیاء و وسایل مختلف می‌تواند ساعت‌های طولانی تعطیلات را برای کودکان و نوجوانان لذت‌بخش و سرگرم کننده سازد. کودکان ما از خردسالی باید بیاموزند که هدایایی که با دست خود می‌سازند ارزشی به مراتب بیشتر از هدایای گرانبیمنت بازار دارد. مربی آگاه می‌تواند کودک را به استفاده از اینگونه کتابها برای ساختن هدیه روز مادر، سال نو، سالگرد تولد و غیره ترغیب کند.

کتابهایی درباره مجموعه‌ها و نحوه گردآوری آنها. اطفال از سنین خردی علاقه‌مند به گردآوری انواع اشیاء می‌شوند کتابهایی که به آنها راه خشک کردن گل و گیاه، تهیه مجموعه تمبر و کارت پستال و غیره را بیاموزد هم سرگرم کننده است و هم آموزنده. مطالعه راهنمای فعالیت‌های اجتماعی از قبیل پیشاهنگی و غیره بخصوص برای اطفالی که عضو چنین جمعیت‌هایی هستند یا مایلند وارد این گروهها شوند بسیار جالب است.

مهمترین ضابطه برای این قبیل کتابها این است که دستورها ساده و روشن و دقیق و قابل اجرا و عاری از نصایح اخلاقی باشند. زیرا اگر راهنمایها درست نباشند و طفل را به هدفی که از مطالعه داشته است نرسانند، او را به مطالعه و کتاب اصولا بی‌اعتقاد خواهند کرد. گذشته از این باید به جنبه‌های ایمنی در این کتابها توجه خاص داشت.

۵- زندگینامه و شرح حال

اطفال خردسال معمولا زیاد رغبتی به شناختن مردم «غریبه» ندارند ولی یکی از نشانه‌های رشدشان اجتماعی شدن آنهاست. موقعی می‌رسد که تمایل می‌یابند عضو

گروهی شوند و با افرادی که نمی‌شناسد آشنا شده‌اند، احیاناً طرح دوستی بریزند. از همین سنین است که می‌توان آنها را با مردمانی که در پیشرفت فرهنگ و بشریت گامی برداشته‌اند آشنا کرد. خواندن شرح حال به این ترتیب در سالهای آخر دبستان می‌تواند جزو برنامه مطالعه طفل قرار گیرد. بدیهی است که ابتدا این شرح حالها باید بیشتر به صورت ماجرای کوتاهی از زندگی يك شخصیت باشد و رفته رفته طفل را به مطالعه شرح حالهای مفصل‌تر عادت دهد.

هستند مربیانی که معتقدند مطالعه زندگینامه بزرگان ممکن است در اطفال و نوجوانان عقده‌های روانی بوجود آورد، زیرا با نوابغی آشنا می‌شوند که قابل تقلید نیستند. در مقابل این عده کسانی نیز هستند که می‌گویند شناسایی بزرگان در زمینه‌های مختلف اولاً به طفل و نوجوان ایده‌آلهای بزرگ انسانی را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که رسیدن به آنها خواب و خیال نیست. ثانیاً به نقش اساسی انسان در تعیین سرنوشت بشری واقف می‌شوند و ثالثاً عملاً به نتیجه هدف داشتن و مصمم بودن و پشتکار داشتن پی می‌برند. گذشته از این معتقدند که سرگذشتنامه‌های مشاهیر علم و ادب و هنر و تاریخ می‌توانند به نحو سالم و مطلوبی جوا بگوی حس قهرمان جویی اطفال و نوجوانان باشند. مشروط به اینکه این کتابها نمونه سازی نکنند و جنبه‌های ضعف و قدرت شخص را پا به پای هم نشان دهند.

بدیهی است در انتخاب کتابهای شرح حال برای اطفال و نوجوانان باید شرایط خاصی را در نظر داشت:

— باید از شرح حال افراد مثبت استفاده کرد زیرا مطالعه شرح احوال فلان جانی یا دزد درسین تأثیر پذیری ممکن است نتایج سوء ببار آورد.

— زندگینامه باید با بررسی دقیق و همه جانبه و پس از مطالعه بسیار در اطراف زندگی فرد مورد نظر نوشته شده باشد و به هیچ وجه از حقیقت دور نباشد.

— نویسنده شرح حال باید بتواند از میان وقایع و حوادث

زندگی شخصیت مورد بحث نکاتی را انتخاب کند که هم بهتر خصوصیات او را نمایان می‌سازد و هم از لحاظ خواننده جوان جالب توجه است.

— شرح حال ممکن است به صورت داستان بسیار جالب نوشته شود ولی حتی در چنین صورتی باید دقیق و صحیح و عاری از زواید و حواشی باشد.

تذکر — باید توجه داشت که شرح حال همیشه درباره زندگی فردی است که واقعاً وجود داشته است و این وجه تمایز شرح حال از داستان واقعی است. داستان واقعی از زندگی الهام می‌گیرد ولی شخصیتها و حوادث آن ساخته و پرداخته ذهن خلاق نویسنده هستند، در حالیکه شخصیت اصلی شرح حال وجود خارجی دارد.

و — کتابهای مرجع

اینها کتابهایی هستند که برای بدست آوردن اطلاع خاصی به آنها رجوع می‌شود. این کتابها را هرگز کسی از اول تا آخر نمی‌خواند و ممکن است مدتها بدون استفاده بمانند و البته این امکان هم هست که در يك روز چندین بار مورد مراجعه قرار گیرند. استفاده از کتابهای مرجع را باید از کودکی به اطفال آموخت. در بسیاری از کشورهای جهان برای اطفال کودکانی نیز کتابهای مرجع مختلف تهیه می‌شود تا هر چه زودتر آنها را دریافتن جواب به سؤالات متعدد و متنوعشان یاری کنند. مهمترین انواع کتابهای مرجع عبارتند از:

کتابهای لغت

در این کتابها معانی لغات خواه با لغت دیگر، خواه در جمله و گاهی نیز با تصاویر بیان می‌شود. کتابهای لغت بسیار اتفاق می‌افتد که موارد استفاده از يك کلمه و کلمات مترادف و متضاد با آن را نیز در اختیار جوینده می‌گذارد. علاوه بر این با استفاده از کتاب لغت فرد به املاي صحیح کلمه مورد نظر نیز پی می‌برد. گاهی کتابهای لغت در موضوعهای خاص تهیه

می‌شود مثل فرهنگ لغات موسیقی یا فرهنگ کلمات فلسفی و... متأسفانه به زبان فارسی تا کنون هیچ کتاب لغتی مخصوص اطفال در سنین مورد بحث ما تهیه نشده است و به همین دلیل اکثر جوانان ما طریقه استفاده از این کتابها را نمی‌دانند و اغلب دایرة اطلاعشان از لغات بسیار محدود و معدود است.

دایرةالمعارفها

اینها کتابهایی هستند که به سؤالات مختلف فرد در زمینه‌های گوناگون به صورتی مختصر ولی مفید جواب می‌دهند. دایرةالمعارفها نیز می‌توانند کلی یا اختصاصی باشند ولی به هر حال معمولاً تهیه آنها نتیجه کار و کوشش گروهی متخصص فن است که بوسیله ویرایشگری مطالب آن هماهنگ و تنظیم شده است. گرچه در سالهای اخیر به علت کنکورها و مسابقات معلومات عمومی کتابهای مختلف قطوری با نام «دایرةالمعارف» به بازار کتاب در کشور ما آمده است ولی تقریباً همه آنها فاقد خصوصیت اصلی يك دایرةالمعارف خوب هستند، یعنی دقت و مطالعه لازم در تدوین آنها بکار نرفته است. تنها دایرةالمعارف قابل اعتمادی که عجالتاً برای اطفال سنین آخر دبستان و دوره راهنمایی وجود دارد «فرهنگنامه» ۱۸ جلدی^۱ است که ترجمه و انطباقی است از «فرهنگنامه» برتاموریس پارکر.

اطلسها

این کتابها منابعی هستند که طفل برای بدست آوردن اطلاعات خاص تاریخی و جغرافیایی به آنها رجوع می‌کند. خوشبختانه در این کتابهایی موجود است که می‌تواند مورد استفاده اطفال و نوجوانان قرار گیرد.

مهمترین ضوابطی که باید در مورد کتابهای مرجع مخصوص اطفال و نوجوانان در نظر داشت عبارتند از:

— صحت و دقت مطالب و تصاویر.

۱- رضا اقصی «فرهنگنامه» انتشارات فرانکلین.

— داشتن فهرست و راهنمای استفاده از کتاب.
— روشن و ساده بودن نوشته‌ها به طوری که در فهم مطالب ایجاد اشکال تازه نکند.

— در کتابهای مرجع باید مرتب تجدید نظر شود تا آخرین اطلاعات در باره موضوعهای مختلف در اختیار خوانندگان قرار گیرد. این مورد بخصوص درباره دایرةالمعارفها و اطلسهای جغرافیایی صدق می‌کند.

— کتابهای مرجع باید با توجه به خصوصیات و احتیاجات خوانندگان در هر کشور تهیه شود.

ضوابط ارزشیابی و انتخاب کتابهای غیرداستان

اکنون که با انواع این گروه از ادبیات کودکان آشنا شدیم و ضوابط هر يك را جداگانه شناختیم شاید بی‌مورد نباشد که ملاکهای کلی کتابهای غیر داستان را نیز بشناسیم.

— دقت و صحت مطالب. برای رسیدن به این هدف نویسنده باید در موضوع کتاب تخصص کافی داشته باشد تا بتواند به جوانب مختلف توجه کند.

بدیهی است همین ضابطه در مورد تصاویر این کتابها نیز صادق است. بهمین دلیل بسیار پیش می‌آید که يك کتاب غیرداستانی را چند نفر می‌نویسند تا کلیه جوانب را در نظر بگیرند.

— واقع بینی از شرایط اصلی کتاب غیر داستانی است. تحمیل عقاید شخصی نویسنده و تحریف حقیقت خطایی نابخشودنی است. مطالب غیرداستانی بخصوص انواع علمی آن اگر توأم با توضیحات غیر واقع بینانه و غیر علمی باشند کتابهای خوبی نیستند. باید توجه داشت که واقع بینی نباید از تعمق در احساس و مشاهده طفل بکاهد بلکه باید آن را تقویت کند.

— هماهنگی برداشت مطلب با هدفی که نویسنده از کتاب داشته است بسیار مهم است.

— تناسب حروف و تنظیم صفحات با موضوع و تواناییهای خواننده کتاب.

- تنظیم منطقی و صحیح و هنرمندانه مطالب.

- فصل بندی منطقی مطالب.

- وجود فهرست مطالب و در صورت امکان فهرست اعلام.

- وجود فهرست منابع و مأخذ و در صورت امکان فهرستی از کتابهای دیگری که درباره موضوع کتاب می تواند مورد مطالعه قرار گیرد.

۳- شعر

شعر قالبی است که می توان مطالب داستانی یا غیر داستانی را در آن عرضه کرد.

در این مختصر کوشش می شود نکات اساسی و مهم در امر آفرینش و ارزشیابی شعر مورد مدافه قرار گیرد. برای بررسی اهمیت شعر در ادبیات کودکان اول به تعریف خصوصیات شعر می پردازیم و بعد تفاوت های شعر کودکان و بزرگسالان را مورد بحث قرار می دهیم.

تعریف و خصوصیات شعر

پیدا کردن تعریف جامعی برای شعر مثل سایر پدیده های هنری کار آسانی نیست و در واقع مهم هم نیست که شعر چیست. بلکه آنچه در شعر حائز اهمیت است تأثیر آن است. شاعری بسیار شاعرانه گفته است که «شعر گل سرخ نیست بلکه عطر آن است... دریا نیست بلکه خروش آن است، من نیستم بلکه چیزی است که مرا وادار به آنچنان دیدن و شنیدن و احساس کردنی می کند که نثر قادر به آن نیست».

بهر حال آنچه می توان گفت این است که با قرار دادن کلمات و عبارات در دنبال یکدیگر به طوری که بتوان این عبارات را با وزن و آهنگ خاصی که در فواصلی معین تکرار می شود خواند، احساس خواننده از آن مطلب عمق زیادتری می یابد به عبارت دیگر اثر شعر با خصوصیاتش که در بالا ذکر شد به مراتب بیشتر از نثر است.

این تفاوت را می‌توان به طریق ذیل خلاصه کرد:

الف - شعر دارای وزن و قافیه است و این خصوصیات باعث می‌شود که افراد آن را فرا گیرند و بطور کامل تکرار کنند.

ب - وزن شعر به آن آهنگ خاصی می‌دهد. این آهنگ علاوه بر مطبوع بودن وسیله مؤثری در فراگرفتن شعر و دوباره بخاطر آوردن آن است و در واقع وزن عامل مؤثری در ایجاد احساس است. ج - شعر دارای نوعی ابهام است که زائیده احتیاج به اختصار در شعر است.

این ابهام باعث می‌شود که افراد مختلف معانی گوناگونی از آن استنباط نمایند و حتی يك فرد واحد در شرایط مختلف درکهای متفاوتی از آن داشته باشد.

د - به نظر می‌رسد که شعر با خصوصیات ذکر شده در بالا ابتداییترین وسیله آموزش بوده باشد زیرا قبل از پیدایش نوشته و هنر کتابت تنها وسیله آموختن دستورالعملهای زندگی و میراثهای قومی و فرهنگی بوده است. اگر این نظریه درست باشد می‌توان به این نتیجه رسید که مطبوع بودن شعر برای ملل مشرق زمین نوعی خصیصه غریزی است و شاید به همین علت باشد که ملل کهن سال مانند ایران و چین و هند گرایش بیشتری به سوی شعر دارند و آن را به صورت والاترین پدیده هنری تلقی می‌کنند.

شعر باید دارای خصوصیات زیر باشد:

- مفهوم شعر باید دارای جوهر و اصالت باشد. به عبارت دیگر باید مضمون و مفهومی را در قالب شعر بیان کرد که برای پدید آوردن يك شعر خوب مناسب باشد. در حقیقت اگر شعر را با گوهر گرانبهایی مقایسه کنیم باید چیزی با آن ساخت که ارزش بکار بردن آن گوهر را داشته باشد.

- مضمون شعر باید با افق فکری خواننده آن دمساز باشد. برای اینکه شعر بتواند خواننده را جلب کند باید زیربنای قابل درکی برای او داشته باشد تا او بتواند بر روی آن زیر بناخانه‌ای در خورتخیل خود بسازد. اگر شعری فاقد این تاروپود قابل درک

باشد حتی اگر عالیترین مفاهیم را هم بیان کند مورد قبول واقع نخواهد شد.

— شعر باید روان خوانده شود و عبارات و وزن آن متناسب با مفهوم آن انتخاب گردند.

— شعر باید دارای هدف مشخصی باشد، و این نکته بخصوص در دنیای امروز اهمیت بیشتری دارد، زیرا فقط زیبایی الفاظ برای جلب انسان هدفگرای زمان ما کافی نیست.

— اجبار به اختصار در شعر بکار بردن استعاره و تمثیل را ایجاب می‌کند. این ضرورت نه تنها باعث زیبایی و جذابیت شعر می‌شود بلکه وسیله‌ای برای نزدیک شدن خواننده به شاعر است زیرا حل معماهایی که شاعر بکار برده است نوعی خلاقیت و دست یافتن به گنجینه افکار او به حساب می‌آید. اهمیت این نکته را می‌توان با بررسی انحراف از آن، در دو سر حد متضاد، بیان کرد: اگر شعری سراسر ایهام و استعاره نامأنوس باشد، فقط برای گروه انگشت شماری از پژوهشگران جالب توجه خواهد بود و از طرف دیگر اگر شعری فقط حاوی مطالب پیش پا افتاده باشد، به صورت پدیده هنری مورد قبول واقع نمی‌شود، اگر چه ممکن است بخاطر عبارات و وزن و آهنگش دهان به دهان بگردد بدون آنکه کسی به معنی آن توجه داشته باشد.

بطور خلاصه شعر باید دارای جوهر شعری و اصالت بوده، روان خوانده شود، هدف مشخص و معینی داشته باشد و زبان آن قابل درک و فهم باشد.

اگر شعری این خصوصیات را دارا بود، می‌تواند سرچشمه ایجاد لذت ذهنی و برانگیختن احساسات لطیف و عمیق در خواننده بشود و نور تازه‌ای برگوشه‌های تاریک ذهن خواننده بتاباند.

تفاوت بین شعر بزرگسالان و خردسالان

اختلافهایی که بین شعر بزرگسالان و خردسالان وجود دارد، ناشی از تفاوت ذهنی عظیمی است که بین این دو گروه خواننده موجود است. با توجه به این مطلب بجاست چند نکته را مورد

الف - انتخاب موضوع شعر

موضوع شعر باید قابل درك و مربوط به دنیای كودك باشد، به عبارت دیگر شاعری می تواند در دنیای شعر كودكان موفق باشد كه بتواند افق ذهنی و احساسی ایشان را گسترش بدهد، و مفاهیم شعر را از همان زیربنا و تاروپود آشنا برای كودكان شروع كند. این مطلب اساس معیارهای سنجش ارزش هنری شعر را در مورد شعر كودكان و بزرگسالان دگرگون می سازد. بدین معنی كه موضوع شعر كودكان و خردسالان نمی تواند به اندازه اشعار بزرگسالان انتزاعی باشد ولی بدیهی است كه با تربیت صحیح ذوق شعری به تدریج كودك از موضوعهای صد درصد قابل لمس، در نوجوانی به اشعار انتزاعی و احساسی صرف می تواند برسد. بنابراین شعر كودكان می تواند درباره هر موضوعی باشد. نباید تصور كرد كه اگر شاعری درباره قطار راه آهن یا عروسك شعر می گوید، حق دارد ارزش هنری آن را پایین بیاورد و شعر آسان گفتن با آسان گرفتن این هنر تفاوت بسیار دارد.

ب - روانی عبارات

در شعر كودكان باید به روانی عبارات و اجتناب از بكار بردن استعاره ها توجه بسیار شود. باید بخاطر داشت آنچه كودك را نخست به طرف شعر جلب می كند وزن و آهنگ آن است. مثلاً آنچه كه كودكان را به شعر زیبا ولی غیر كودكانه «پریا» شاملو جلب می كند وزن آن است. مطلب یا مضمون واقعی آن شعر مطلقاً متناسب با سن كودكان نیست در صورتی كه نوجوانان بسیاری از نكات آن را درك می كنند. از این نکته بخوبی در فرا - گرفتن شعر بدون درك معنی در كودكستانها استفاده می شود و همچنین در جاذبه آگهیهای تلویزیونی و رادیویی.

ج - توجه به وزن و قافیه

علاوه بر وزن وجود قافیه نیز در شعر برای گوش طفل خوش آیند است. قافیه سبب به وجود آمدن موسیقی خاصی در شعر می شود. وزن و قافیه و تکرار کردن يك حرف يا يك صدا و يا يك اسم و تکرار يك جمله همه بر روی هم تأثیر مثبت و خوشایند دارد. این عوامل را بخوبی می توان در اشعار و ترانه های عامیانه یافت.

د - مفاهیم

از آنجا که آموزش مستقیم به وسیله ادبیات مورد قبول نیست، شعر هم که والاترین پدیده ادبی است نباید وسیله آموزش مستقیم قرار گیرد و گر نه مطبوع طبع کودکان واقع نمی شود. مفاهیم شعر کودکان باید طوری انتخاب شود که در پرورش ذوق و عواطف کودکان مؤثر باشد و بخصوص با توجه به اثر عمیقی که شعر در ذهن کودکان می گذارد بجاست که از پروراندن احساسات شدید منفی و توأم با بدبینی احتراز شود.

شعر نه تنها کمک می کند که طفل زیبایی صحنه ای را بهتر درک کند، بلکه درک او را نسبت به فکر یا حالتی افزایش می دهد. اطفال هم چون بزرگسالان لحظاتی از غم و شادی و تنهایی دارند. دلیل به وجود آمدن این احوال در آنان با بزرگسالان متفاوت است، ولی درک و احساسشان یکسان است. به همین مناسبت اشعار بسیاری هستند که فقط احساس خاصی را بازگو می کنند. حس شادی، غم، خواستن، انتظار کشیدن و غیره...

ه - تحول و تکامل فکر

شعر هم مانند انواع دیگر ادبیات کودکان باید با تحول و تکامل فکر کودکان گام بردارد و در حقیقت هر شعر باید مقدمه ای برای علاقه مند کردن ایشان به خواندن شعرهایی که دارای مفاهیم عالیتر هستند باشد.

شعر خوب می تواند یکی از انگیزه های اصلی کودکان به

خواندن و فکر کردن در زمینه‌های ادبی باشد همچنین باید به تجربه و احساس خواننده عمق بیخشد.

رسیدن به هدفهایی که در بالا مورد بحث قرار گرفتند هنگامی میسر است که سراینده شعر کودکان علاوه بر تسلط کامل بر فن شاعری دارای تبحر و اطلاعات کافی درباره مراحل تکوینی رشد کودک باشد و این جز از راه زندگی کردن و مشاهده عینی اطفال به دست نمی‌آید. بنابراین اشتباه است اگر کسی بعد از شکست خوردن در زمینه شاعری برای بزرگسالان، به سرودن شعر برای خردسالان بپردازد. باید توجه داشت که بزرگسالان علاقه‌مند به شعر، با خواندن یک شعر نامطبوع تمایل خود را به شعر از دست نمی‌دهند، در حالیکه خواندن چند شعر بد یا نامتناسب می‌تواند خواننده خردسال را بطور کلی به شعر و امکان لذت بردن از آن بدبین سازد.

همچنین انتخاب و گنجاندن شعرهای دشوار در کتابهای درسی، و شیوه نادرست اغلب معلمان در مجبور ساختن کودکان به حفظ و طوطی‌وار بازگو کردن اشعار، بجای لذت بردن واقعی از آنها، یا خواندن گاه و بیگاه شعری به قصد پند و اندرز دادن یا شاهد برگرفته بی دلیل خود آوردن، باعث شده است که بسیاری از کودکان از شعر، این والاترین نوع تجلی ادبی، گریزان باشند. چند نکته قابل توجه برای مربیانی که می‌خواهند از چنین پدیده‌ای اجتناب کنند عبارت است از:

— مربی، اعم از پدر و مادر یا معلم، هرگز نباید شعر را وسیله آموزش مستقیم قرار دهد.

— مربی باید شعر را دوست بدارد و از خواندن آن لذت برد و صمیمانه بخواهد در این لذت نوجوانان را نیز شرکت بدهد، هرگز نباید به اینکار فقط به صورت انجام وظیفه بنگرد.

— انتخاب صحیح و بکار بردن به موقع و مناسب شعر بایستی مد نظر مربی باشد و بدین منظور همیشه هنگام مطالعه، اشعار متناسب را کنار بگذارد تا بتواند به موقع از آنها استفاده کند.

علاوه بر خصوصیات سنی شنوندگان، علاقه‌مندیها،

نیازمندیهای روانی و تجربیات قبلی کودکان نسبت به شعر را نیز باید در نظر گرفت. هرگاه مربی با عده‌ای از اطفال کم‌سن مواجه است بهتر است کار تربیت ذوق شعری کودکان را با متله‌ها و اشعار عامیانه‌ای که شنیده‌اند شروع کند، به این ترتیب کودک قبول می‌کند که شعر می‌تواند سرگرم‌کننده باشد. در مورد بچه‌های بزرگ، هرگاه با شعر بیگانه مانده‌اند بهتر است از طریق اشعار خنده‌دار و یا داستانی نظرشان را به طرف شعر جلب کرد.

— دوست داشتن شعر برای همه یکسان نیست. شعری که مورد پسند یکی است ممکن است برای دیگری نامطلوب باشد. بچه‌ها عکس‌العملهای مختلف نسبت به اشعار دارند، بایستی به آنها آزادی عمل داد تا آنچه را که می‌پسندند و خوش دارند که مطالعه کنند، بخوانند و حفظ کنند.

— نباید اطفال را به اشعاری که خاص آنها سروده شده است محدود کرد.

بجاست که از اشعار ساده‌شعرای دیگر نیز به تدریج برایشان خواند تا در سنین نوجوانی بتوانند از دیوان شعرا به میل خود و به مقتضای احساس آنی خویشتن خوشه برچینند.

کتابهای تصویری

کتابهای تصویری در واقع قالبی هستند از کتابهای کودکان؛ داستان و غیر داستان و شعر همه می‌توانند به این قالب درآیند. در کتابهای تصویری نوشته و تصویر به کمک هم مطلب را بیان می‌کنند، و در عین حال که یکی بدون دیگری همه موضوع را بیان می‌کند، هر يك مکمل دیگری نیز هست. در واقع فرمول کتاب تصویری را شاید بتوان به این ترتیب نوشت:

$$100 + 100 = 100$$

اگر در ابتدا کتابهای تصویری فقط برای اطفال قبل از دبستان استفاده می‌شد و بیشتر به داستانهای ساده و یازیمهای کودکانه اختصاص داشت، امروز از این قالب برای بیان مطالب مشکل‌جهت

اطفال دبستانی، کتابهای علمی و مرجع نیز استفاده می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که به‌طور کلی انواع ادبیات کودکان را می‌توان به صورت کتابهای تصویری در دسترس کودکان قرار داد. در اینجا لازم به تذکر است که کتابهای تمام تصویر یا دفاتری که برای رنگ‌کردن تهیه می‌شوند بیشتر جنبه اسباب‌بازی دارند و ما آنها را کتاب نمی‌شناسیم و در نتیجه مورد بحث قرار نمی‌دهیم. در میان کتابهای تصویری لازم است يك گروه را کاملاً مجزا مورد تحلیل قرار دهیم و آن «کمیکها» و «فتورمانها» هستند. در اینگونه کتابها داستان به صورت تصویر ارائه می‌شود، و با هر تصویر چند جمله کوتاه همراه است. خوشبختانه تعداد این کتابها در زبان فارسی چندان زیاد نیست و به‌عنوان نمونه می‌توان کتاب «هدف کره ماه» از انتشارات یونیورسال را نام برد. ولی متأسفانه اکثر مجلات کودکان از این تکنیک استفاده می‌کنند و صفحات بسیاری از هر شماره خود را به این نحوه بیان مطالب اختصاص می‌دهند. از لحاظ تربیتی این نوع کتابها به دلایل زیر مورد قبول نیستند:

الف - طفل را بیشتر به تصویرخوانی عادت می‌دهند تا به خواندن واقعی.

ب - نحوه نگارش در این کتابها در سطح بسیار پایین و معمولاً پر از غلط است و در نتیجه نه فقط ذوق ادبی طفل را پرورش نمی‌دهد بلکه باعث غلط‌آموزی نیز می‌شود.

ج - با مطالعه این نوع کتابها ذهن طفل از فعالیت واقعی باز می‌ماند و تخیلش تنبل می‌شود.

د - از آنجا که این نوع کتابها ماجراهای تند دارند معمولاً رفتارهای نامطلوب اجتماعی را در طفل تقویت می‌کنند.

ه - شاهکارهای ادبی که به این صورت ارائه می‌شوند در واقع نقض غرض می‌کنند و اطفال را از مطالعه آثار اصیل باز می‌دارند.

در ارزشیابی کتابهای تصویری خواه موضوع آنها داستان باشد یا غیر داستان و خواه به نشر بیان شده باشند و خواه به

نظم باید به سه جنبه موضوع و نگارش و تصاویر کتاب توجه کامل داشت:

موضوع

در انتخاب موضوع برای کتابهای تصویری باید توجه داشت که خوانندگان کتاب چه اطفالی خواهند بود و موضوع را مطابق احتیاجات و توانایی درک آنان انتخاب کرد به این معنی که اگر کتاب تصویری برای اطفال قبل از دبستان باشد، موضوع از هر نوع که باشد، باید ساده، جالب توجه، و با بیانی مختصر باشد. در صورتی که برای اطفال دبستانی می‌توان از موضوعهای پیچیده‌تر که توأم با متن بیشتری است استفاده کرد. گذشته از این در انتخاب موضوع باید امکانات بیان آن را به صورت یک کتاب تصویری در نظر گرفت. مثلاً داستانهای طویل و پیچیده معمولاً برای کتابهای تصویری مناسب نیستند. در این نوع کتابها ما جراً باید بتواند توجه خواننده را جلب کند و حتی المقدور تکراری نباشد.

نگارش

زبان کتابهای تصویری باید در عین صحیح بودن دارای سبک نگارش بسیار ساده و زیبا باشد. با توجه به اینکه کتابهای تصویری را کودکان خردسال یا آنهایی که در خواندن عقب هستند بیشتر می‌خوانند از بکاربردن تشبیهات و استعاره‌های پیچیده و دور از حیطهٔ تجربی اطفال باید خودداری کرد.

تصاویر:

چنانکه قبلاً هم اشاره شد تصاویر در کتابهای تصویری نقشی بسیار اساسی را ایفا می‌کنند، به این معنی که نه فقط کلید متن هستند و مطلب را برای خواننده بیسواد یا کم‌سواد خود روشن می‌کنند، بلکه از لحاظ تربیت ذوق هنری و پرورش تخیل

سازندهٔ طفل نیز دارای اهمیت بسیارند. از اینرو برای تصاویر اینگونه کتابها ضوابط معین و مشخصی را باید بکار برد:

— تصاویر در این کتابها باید دارای ارزش هنری واقعی باشد.

— هر چقدر استفاده از نقاشیهای تخیل‌انگیز در کتابهای تصویری افسانه‌ای مجاز است در کتابهای غیر داستان تصویری فقط باید تصاویری به کار گرفته شود که عینی و واقعی باشند. به این معنی که در کتابی که حیواناتی مختلف را به طفل معرفی می‌کند یا باید از عکس آنها استفاده شود، یا از نقاشیهایی که از لحاظ علمی کاملاً صحیح و دقیق هستند. در چنین کتابی نمی‌توان از تصاویری استفاده کرد که حیوانات را به صورت مصنوعی و اسباب‌بازی نشان می‌دهند.

— مصور کتابهای تصویری باید خوانندگان خود را بشناسد تا تصاویری که عرضه می‌کند در عین حال که قدرت تخیل ایشان را پرورش می‌دهد برایشان قابل فهم نیز باشد.

— مصور کتابهای تصویری باید از متن کتاب اطلاع دقیق و کاملی داشته باشد تا بتواند تصاویری منطبق بر متن تهیه کند. تصاویر کتاب باید چنان هماهنگ و یکدست باشند که طفل بتواند مطلب اصلی را بدون رجوع به متن از مشاهدهٔ آنها دریابد. این مطلب بخصوص در بارهٔ کتابهای تصویری که برای خردسالان تهیه می‌شود باید صادق باشد.

در مورد کتابهای تصویری باید يك نکتهٔ بسیار اساسی را به‌خاطر داشت و آن تنظیم صفحه است. صفحات کتاب تصویری معمولاً قبل از تهیهٔ تصویر تنظیم می‌شود تا فضای تصویر را معین و مشخص سازد. تنظیم صفحه نه فقط از لحاظ هنری در زیبا جلوه‌دادن کتاب مؤثر است، بلکه از لحاظ رساندن مفهوم نیز نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. اگر به کتاب «گل بلور و خورشید»^۱ با تصاویر آبستره نیکزاد نجومی بنگرید تقریباً در کلیهٔ صفحات فاصلهٔ زیادی بین نوشته و تصویر می‌بینید که معمولاً به رنگ سبز

۱- فریدهٔ فرجام «گل بلورو خورشید» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

آبی سردی است و چنین به نظر می‌آید که تنظیم‌کننده کتاب و مصور به این ترتیب خواسته‌اند محیط سرد و وسیع قطب را به کودک بنمایانند.

در مورد تنظیم کتاب تصویری باید به انتخاب حروف مناسب نیز توجه داشت. معمولاً حروف کتاب تصویری درشت انتخاب می‌شود تا اطفال خردسال بتوانند براحتی آن را بخوانند.

از سه جنبه اصلی موضوع، سبک نگارش و تصاویر که بگذریم، طبیعتاً مسئله قطع، کاغذ و چاپ مطرح می‌شود و در این باره باید به اصول کلی که در این مورد در بخش ارزشیابی کتاب به آن اشاره شد توجه خاص کرد. معمولاً همین توجه به اصول باعث می‌شود که کتابهای تصویری به نسبت نوشته‌ای که دارند گرانتز از کتابهای دیگر باشند و خریدار معمولاً متوجه نیست که در یک کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای فقط نویسنده عمل خلاقه انجام داده است و اگر کتاب مصور نباشد برای چاپ آن تقریباً از هر کاغذی می‌توان استفاده کرد، در صورتی که در کتاب تصویری اقلادو نفر (نویسنده و مصور) کار خلاقه عرضه کرده‌اند و ناشر نیز برای درست عرضه کردن کتاب ناچار است از کاغذ مناسب برای چاپ تصویر و رنگهای متنوع و چاپ اعلا و غیره استفاده کند و همه اینها در قیمت کتاب طبیعتاً مؤثر است.

ادبیات کودکان و نوجوانان و وسایل ارتباط جمعی

راه برقرار کردن ارتباط و دریافت پیام به صورت دسته-جمعی دیگر محدود و مخصوص به باسوادان یا احیاناً شنوندگان داستانهای قهوه‌خانه یا تجمعات مذهبی نیست. وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، نشریات، سینما و تأثر مردم را چنان تحت تأثیر قرار داده‌اند که ما نمی‌توانیم اهمیت نقش ادبیات را در ارتباط جمعی نادیده بگیریم، بخصوص که هر برنامه‌ای بر نوشته‌ای استوار است.

مارتین اسلین^۱ می‌گوید «اگر موج افکار و اضطرابهای آگاهانه را خصوصی‌ترین بخش از شخصیت در نظر بگیریم، می‌توانیم از قدرت وسایل خبری بزرگ تصویری به دست دهیم و بگوییم که انسان قرن بیستم با چرخاندن یک تکه چند ساعت در روز تفکر خود را رها می‌کند و به نوعی تفکر جمعی مشغول می‌گردد.»

از طرف دیگر پس از نضج صنعت چاپ و از انحصار درآورده شدن کتاب و فرهنگ مکتوب این وسایل بیش از هر چیز دیگر در بیداری و آگاهی و نزدیک شدن مردم به هم مؤثر بوده‌اند. پر-فروشرین و بهترین کتابها هرگز بانداژه شنوندگان یا بینندگان برنامه‌های خوب رادیو و تلویزیون خواننده نداشته‌اند و بجاست

1- Martin Esllin

که مدعی شویم برای انسان مشغول و کم وقت زمان حال هرگاه این وسایل درست مورد استفاده قرار گیرند، می توانند راه خوبی برای رساندن پیام کتابها و گسترش دادن دید و ذهن بینندگان و شنوندگان باشند. در این حال نباید از یاد برد که همیشه این تأثیر در جهت مثبت ذکر شده، نیست، زیرا هرگاه به محتوای برنامه ها توجه کافی نشود، همین وسایل می توانند تأثیر منفی داشته، باعث سطحی شدن و درست فکر نکردن گردند. به عبارت دیگر اگر، قدرت فکر کردن را برای مدتی از مردم سلب می کنیم باید با دیده باز متوجه این نکته باشیم که برنامه ها، تفکر جمعی ایشان را در چه جهتی سوق می دهند. اکنون به ترتیب تأثیر هر يك از وسایل فوق را در ارتباط با ادبیات کودکان مورد مذاقه قرار می دهیم:

۱- رادیو و ادبیات کودکان

بندرت ایستگاه رادیویی در جهان یافت می شود که برنامه های خاصی مخصوص کودکان و نوجوانان نداشته باشد. بررسیهای متعدد نشان می دهد که در حدود سنین آخر قبل از دبستان است که قدرت تمرکز و گوش دادن در طفل پرورش می یابد و در نتیجه به گوش دادن به رادیو و برنامه های خاص خود یا بزرگترها راغب می شود. بدیهی است که موضوعی که پیش و پیش از دیگر برنامه ها توجه طفل و نوجوان را بخود معطوف می سازد شنیدن داستان و نمایشنامه های پرماجراست. علاقه به شنیدن مسابقات و مطالب علمی خیلی دیرتر پرورش می یابد.

بیشتر داستانها و نمایشنامه هایی که از برنامه های کودکان و نوجوانان شنیده می شود اقتباسهایی هستند از آثار معروف و کلاسیک ادبیات کودکان و نوجوانان.

آن برنامه هایی که توسط نویسندگان رادیو خلق می شوند، زمانی مورد توجه و علاقه کودکان قرار می گیرند که از خاصه های اصلی هر يك از انواع ادبیات کودکان، داستان، غیرداستان و شعر پیروی کنند و از نظر هنری ارزش واقعی داشته باشند.

اگرچه فنون ارائه در کتاب و در برنامه رادیویی متفاوت است، مثلاً تخیلی را که تصویر در کتاب برمی‌انگیزد، در برنامه رادیویی، لحن کلام و نحوه گفتار گوینده ایجاد می‌کند، ولی کیفیت هنری هر دو ارائه باید در سطحی بالا قرار گیرد، تا تأثیری عمیق و سازنده برجای گذارد. بهمین سبب تنظیم‌کنندگان و مجریان برنامه‌های رادیویی کودکان و نوجوانان باید از میان مریبان هنرمندان و با ابتکاری انتخاب شوند که بتوانند در عین حال چند نقش را خوب درک کرده بعهده بگیرند و آنچنان نویسنده‌ای باشند که به هنگام اقتباس از یک اثر ادبی به آن لطمه نزنند، و آنچنان صداقت از خود نشان دهند که بتوانند آثار واقعی بوجود بیاورند. در ضمن آنچنان درک عمیقی از تأثر و موسیقی داشته باشند که بتوانند داستان، یا نمایشنامه یا مطلب غیر داستانی را به نحو هنرمندانه و اصیل به کودکان ارائه بدهند. بینش و دید عمیق انسانی و اجتماعی آنها از مسائل کودکان و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند خواهند کرد بدون شك مبنای هر نوع خلاقیت هنری آنها قرار می‌گیرد.

بطور کلی در برنامه‌های رادیویی باید به نکات زیر توجه کرد:

الف- هر برنامه باید هدفی داشته باشد اما این هدف بهتر است به صورت آموزش مستقیم ارائه نشود تا خاصیت سرگرم‌کننده بودن خود را از دست ندهد.

ب- برنامه باید با توجه به این تنظیم شود که مورد استفاده کودکان شهر و روستا هر دو قرار گیرد. بنابراین می‌توان جنبه‌هایی از زندگی شهر و روستا را در برنامه‌ها گنجانید که کودکان شهرنشین را به زندگی طبیعی روستاها نزدیکتر کند و در عین حال زندگی شهرنشین‌ها را به کودکان بشناساند. بخصوص برنامه‌های تهیه شده از زندگی روستا در عین حال که برای کودکان شهرنشین می‌تواند بسیار جالب توجه و آموزنده باشد موجب می‌شود که کودکان روستانشین به اهمیت شیوه زندگی خویش پی‌برند و نسبت به شهرنشینان احساس حقارت نکنند.

ج- برنامه‌ها باید طوری تنظیم شوند که بطور غیر مستقیم شنونده را به جستجو و تحرك و مطالعه و فعالیت وادار سازند. خطر بزرگی که رادیو و تلویزیون دارد این است که از انسانها، مصرف‌کنندگان غیر فعال تولیدات فرهنگی می‌سازند. ترتیب دادن مسابقات، چیستانها و غیره در به‌ثمر رساندن این نظر مؤثر است. ولی محدود کردن سؤاها به کتابهای درسی صحیح نیست. باید بخصوص قدرت دیدن و فکر کردن را در طفل پرورش داد، به عنوان مثال هرگاه تصور کنیم بهترین مسابقه آن است که طفل را به جستجوی نام يك شاعر یا نویسنده بزرگ وادارد، وظیفه خود را بطور کامل انجام نداده‌ایم، در این‌گونه برنامه‌ها باید به جنبه‌های عملی زندگی نیز توجه کرد.

د- برنامه‌های رادیویی باید آنچه را که کتابهای درسی، غیر درسی و حتی مجلات به دلیل زمان لازم برای تجدید نظر و دسترسی به آخرین منابع نمی‌توانند در اختیار کودکان و نوجوانان قرار دهند، بطور مداوم به آنها برسانند یعنی تازه‌ترین و معتبرترین اخبار علمی قابل درك آنها، اخباری از سازندگیها و اختراعات و اکتشافاتی که به پیشرفت بشر کمک می‌کند و در خدمت زندگی است. اینها مسائلی است که شناخت آن از دیدگاه نسل جوان ضرورت دارد.

ه- در اجرای برنامه‌ها باید حداکثر کوشش برای درست و واضح صحبت کردن بکار برده شود و هرگز نباید از یاد برد که منظور از تهیه و اجرای این برنامه خدمت به شنوندگانی است که برنامه برای آنها تهیه شده است.

۲- تلویزیون و ادبیات کودکان

امروز در مناطقی که دسترسی به تلویزیون وجود دارد، رادیو اهمیت سابق خود را از دست داده است و تلویزیون به قولی، بخصوص برای کودکان، نقش‌دایه الکترونیکی را به عهده گرفته است. این وسیله به علت اینکه از گوش و چشم هردو بهره می‌گیرد و تصاویر آن متحرك هستند کودکان را بشدت مجذوب خویش

می‌سازد. در بارهٔ اثر مثبت یا منفی تلویزیون بر اطفال بحث‌های فراوانی شده است که هنوز به نتیجه منطقی نرسیده است. نمونه‌هایی از نظریات مخالفین و موافقین برای روشن شدن مسئلهٔ ارتباط ادبیات کودکان و نوجوانان با برنامه‌های تلویزیونی را در اینجا می‌آوریم. مخالفان آن معتقدند که:

الف - تلویزیون گرچه برنامهٔ خاص کودکان و نوجوانان دارد ولی کمتر کودکی فقط به برنامه‌های خاص خود اکتفا می‌کند. برنامه‌هایی که برای بزرگسالان تهیه می‌شود، خواه و ناخواه قابل درک و فهم کامل برای کودکان نیست. ایجاد ترس، زودرسی و بدآموزی می‌کند. طفلی که مدام بر روی صفحهٔ تلویزیون شاهد کشتارهای جمعی و فردی است، دیگر برای انسان و حیات ارزش واقعی قائل نیست.

ب - صفحهٔ تلویزیون، قوهٔ تخیل طفل را به محیط و نحوهٔ دید تهیه‌کننده تلویزیون محدود می‌کند و جایی برای فعالیت تخیل طفل باقی نمی‌گذارد.

ج - صحنه‌ها در تلویزیون فقط يك لحظه در معرض دید قرار می‌گیرند، چه بسا با يك بار دیدن، مطلب برای بیننده کاملاً مفهوم نباشد، دوباره دیدن و مرور کردن مفاهیم اغلب میسر نیست، در نتیجه بیننده بیشتر سطحی شده و کمتر به عمق مسائل پی می‌برد. کسانی که در صف موافقین استفاده از تلویزیون قرار دارند راه‌حلهایی برای تمام نکات فوق پیشنهاد می‌کنند و محسناتی هم برای تلویزیون قائلند، ایشان معتقدند که:

الف - اگر پدر و مادر از دیدن برنامه‌های خشن و مبتذل لاقبل در حضور کودکان، خودداری نمایند و اصراری در دیدن آنها نداشته باشند و هرگاه استفاده از تلویزیون را به دیدن برنامه‌هایی که از قبل انتخاب شده و متناسب با سن و طرز اندیشهٔ کودکان است محدود کنند مشکل نخست پیدا نخواهد شد.

ب - تلویزیون باعث محدود شدن قوهٔ تخیل طفل نمی‌شود برعکس تجربیات و اتفاقاتی را برای بیننده نقل می‌کند که امکان دست‌یافتن به آن بجز از طریق تلویزیون بطور زنده میسر نیست.

مانند «پیاده شدن انسان در ماه» یا برنامه‌های «راز بقا» و غیره. هیچکس نمی‌تواند بگوید که تخیل هرچقدر هم قوی باشد قادر است به این وضوح و توأم با چنین حقیقتی چیزی را مجسم کند. ج- صحیح است که صحنه‌ها زودگذرند، ولی این امر خود می‌تواند باعث تحرك قوه تجسس طفل شود. و او را به خواندن و دقت کردن درباره مطلبی که بدرستی با دیدن تلویزیون دریافت نکرده است تشویق کند.

د- تحقیقات مختلف نشان داده است که اطفال تماشاگر تلویزیون اطلاعات عمومی وسیعتری نسبت به دیگر کودکان دارند. ه- تلویزیون با امکانات وسیعی که دارد بخوبی قادر است که وسیله‌ای برای برانگیختن ذوق و استعدادهای مختلف کودکان باشد.

و- ثابت شده است که تلویزیون باعث گسترش گنجینه لغوی کودکان و نوجوانان می‌شود.

این بحث بین موافقان و مخالفان زمانی به سود موافقان است که کیفیت هنری برنامه‌های خاص کودکان و نوجوانان به طور اخص و کیفیت عمومی برنامه‌های تلویزیونی بطور اعم در سطحی عالی قرار گیرد. و بالعکس به سود مخالفان است زمانی که هر برنامه ناقص و مبتدلی یا به عبارت بهتر هر «بنجلی» ارزش عرض اندام در تلویزیون را می‌یابد و برنامه‌های تلویزیون تجارتي، مبتدل و متکی بر سلیقه گروه کافه و کاپاره رو می‌شود.

تلویزیون مجموعه‌ای از کلیه رشته‌های هنری را در بر می‌گیرد. ادبیات، موسیقی، رقص، تآثر، اپرا، نقاشی و هنرهای تجسمی و سینما در همه انواعش. ولی علاوه بر آن از امکانات برنامه‌های رادیویی، مثل مسابقه و مصاحبه، قصه‌گویی، بازی، و انواع معرفیها نیز برخوردار است و می‌تواند آن را به نحو زنده‌تری ارائه دهد. می‌توان گفت که ادبیات کودکان و نوجوانان در واقع الهام‌بخش و مبنای کار تقریباً کلیه رشته‌های هنری برنامه‌های تلویزیون است ولی تنظیم و اجرای برنامه‌های خوب احتیاج به اشخاص متخصص و مبتکر با شناخت وسیع

و عمیقی از دنیای کودکان و نوجوانان در رشته‌های هنری متنوع و فنون تلویزیونی دارد. مجموعه‌ای از یک مربی به معنای عمیق و وسیع، یک هنرمند خلاق و یک انسان مترقی که مانند یک رهبر ارکستر ماهر بتواند سازهای مختلف را به موقع و هماهنگ و با قدرت بکار بگیرد و اثری هنری بیافریند. آنچه در مورد برنامه‌های رادیویی به عنوان نکات قابل توجه ذکر شد در تلویزیون در پهنه گسترده‌تری صادق است.

۳- سینما و ادبیات کودکان و نوجوانان

سینما و تلویزیون را می‌توان دو برادر شمرد که هر دو کم و بیش خواص مشترکی دارند ولی در مورد سینما، جنبه‌های عمیق و اجتماعی نیز بسیار قوی است. بخصوص در مورد کودکان و جوانان که سینما رفتن برایشان فقط به خاطر دیدن یک فیلم نیست، بلکه حاوی نوعی تنوع، پیوستن به اجتماع و درآمیختن با مردم دیگر نیز هست.

همچنین پرده بزرگ سینما وقایع را در مقیاسی نزدیکتر به حقیقت نمودار می‌سازد و در نتیجه تأثیر بیشتری در بیننده می‌گذارد. فیلمهای رنگی در مناطقی که تلویزیون رنگی وجود ندارد از مزیت طبیعی‌تر بودن برخوردارند. شکوه و جلالی که بخصوص در فیلمهای تاریخی در صحنه سینما نمایان می‌شود اثر پایداری در بیننده ایجاد می‌کند.

امتیاز دیگر سینما قابل انتخاب بودن برنامه‌های آن است، بخصوص با توجه به فیلمهای خاص کودکان و علاقه‌ای که در جهت تهیه فیلم برای کودکان سنین مختلف به وجود آمده است.

از طرف دیگر با امکانات وسیعی که از نظر بازیکن و برنامه انتخاب صحنه و تکنیک کار در اختیار تهیه‌کنندگان فیلم قرار گرفته است بر روی صحنه آوردن شاهکارهای بزرگ ادبی در مقیاس بزرگ و بصورت بازآفرینی هنرمندانه نیز امکان پذیر شده است.

فیلمهای خاص کودکان و نوجوانان در زمان بین دو جنگ جهانی اول و دوم، با توجه به محبوبیت هنرپیشگانی چون چارلی

چاپلین و شرلی تمپل و کم‌دین‌هایی چون لری و هاردی در میان فیلم‌های بزرگسالان جایی برای خود باز کردند. ولی این والت دیسنی بود که به آن جهت، نیرو و تنوعی تازه بخشید. او با بکار گرفتن تکنیک نقاشی متحرک، افسانه‌های معروف و شاهکارهای ادبیات کودکان و نوجوانان را به‌روی پرده سینما آورد و تلفیقی هنرمندانه از این دو عرضه نمود و زمینه سینمای کودکان و نوجوانان را از سینمای بزرگسالان جدا کرد. بعد از جنگ جهانی دوم در بیشتر کشورهای دنیا تهیه فیلم برای کودکان بصورت نهضتی تازه جان گرفت و گنجینه بزرگ و لایزال فولکلور یا داستان‌های عامیانه ملل مختلف و ادبیات کودکان و نوجوانان بصورت منبعی اصلی برای تهیه فیلم‌های خاص آنان درآمد. تهیه کنندگان فیلم‌ها به افسانه‌های جدید نیز روی آوردند و به خلق آثار تازه‌ای دست زدند. بدین ترتیب بین کتاب و فیلم یک معادله مداوم بوجود آمد. فیلم‌نامه‌ها با تغییراتی بصورت کتاب‌های تازه عرضه شدند و کتاب‌ها با تغییراتی بصورت فیلم درآمدند. بدین ترتیب در زمینه فیلم‌های کودکان شاهکارهایی آفریده شد و مکاتیبی خاص پدید آمد. ضمناً بسیاری از فیلم‌های مستند از طبیعت، مثل کتاب‌های خوب غیر داستانی ارزش هنری خود را نشان دادند.

اگر از مسائل تکنیکی در زمینه فیلم و ادبیات صرف‌نظر کنیم ملاک‌های ارزشیابی انواع ادبیات کودکان را برای زمینه اصلی انواع فیلم‌ها می‌توان صادق دانست. مثلاً آنچه کمیک‌ها را به عنوان نوعی کتاب تصویری از ارزش می‌اندازد بسیاری از فیلم‌های کارتون یا «مضحک قلمی» را نیز بی‌ارزش و حتی مضر می‌سازد. این نوع فیلم‌ها بخصوص در میان کودکان و نوجوانان خواستاران فراوان دارند و در تلویزیون و سینما، حتی در خانواده‌ها به‌وسیله پروژکتورهای کوچک برای سرگرمی بکار برده می‌شوند. بسیاری از آنها واقعاً سرگرم کننده و جالب توجه‌اند ولی هرگاه بدون توجه به اثرات تربیتی و موازین اخلاقی ساخته شوند، شخصیت‌هایی بر پرده ظاهر می‌شوند که از حقیقت زندگی دور هستند. بعضی با هوش و قدرت دروغین یا

با زبونی و کودنی صحنه‌های جالب اما غیرواقعی پدید می‌آورند. اگر بخاطر بیاوریم که وجه امتیاز انسان و حیوان فکر کردن برای یافتن راه حل مشکلات است، باید قبول کنیم که بعضی از این کارتونها با ساده جلوه دادن مشکلات انگیزه تفکر را از بین می‌برند.

درچند سال اخیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به فعالیت وسیع و دامنه‌داری برای برگزاری فستیوالهای جهانی فیلم کودکان و نوجوانان در تهران و تهیه فیلمهای متعدد برای شرکت در فستیوال پرداخته است. در ظرف همین چندسال با وجود عدم تجربه کافی کارهای جالب توجه و موفقی حتی در سطح جهانی ارائه شده است.

این موفقیت از دو راه به دست آمده است: یکی اینکه جوانان و نوجوانان با دیدن آثاری که ارزش جهانی داشته‌اند به صورت بینندگانی مطلع و آگاه درآمده‌اند و از طرف دیگر عده‌ای از همین بینندگان با کمکهای مادی و راهنماییهای عملی کانون اقدام به تهیه فیلم کرده‌اند و به راهی قدم گذاشته‌اند که امید موفقیت از آن زیاد است. ولی شك نیست که ما قادر نخواهیم بود که ره صدساله را یکشبه بپیماییم.

۴- تاتر کودکان

اصولا اجرای نمایشنامه در سرحد بین ارتباط جمعی و فردی قرار دارد، زیرا نه چون دیگر وسایل ارتباط جمعی از تنوع موضوع فراوان در يك برنامه برخوردار است و نه در يك اجرا بیش از عده‌ای محدود که در سالنی گرد آمده‌اند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر از سرعت و وسعت پخش به شیوه‌ای که مناسب وسایل ارتباط جمعی است نیز برخوردار نیست ولی از آنجا که از سنین خردی به انواع مختلف و گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند از نظر ادبیات و کودکان نقش مؤثری داشته باشد بطور مختصر اشاره‌ای به انواع آن می‌کنیم.

اصولا پیشرفت و توسعه کار تاتر خاص کودکان در جهان نسبتاً

جدید است و بر روی هم می‌توان آن‌را به سه نوع فعالیت اتلاق کرد:
الف - تأثر برای بچه‌ها
ب - تأثر بوسیلهٔ بچه‌ها
ج - تأثر سازنده

الف - تأثر برای بچه‌ها

این تأثر عبارت از فعالیت نمایشی است که بزرگترها برای سرگرم کردن کودکان انجام می‌دهند و شامل دو بخش است: تأثر عروسکی و تأثر نمایشی.

تأثر عروسکی

تأثر عروسکی یا خیمه شب‌بازی بقولی در ایران بیش از ده قرن سابقه دارد. در کاوشهایی که در مصر باستان، یونان و روم قدیم به عمل آمده است آثاری از این هنر را در معابد و اهرام یافته‌اند ولی این هنر محدود به این محدوده نشده و به شیوه‌ای در سراسر جهان مورد استفاده مردم قرار گرفته است. در واقع هر جا تأثری بوده نمایش عروسکی نیز در برنامه‌ها وجود داشته است. در حال حاضر کشور چکسلواکی بیش از کشورهای دیگر از نظر تکنیک و موقعیت در پیشبرد این هنر جلو افتاده است ولی از زمان بسیار قدیم بخصوص تأثر سایه‌ای در چین سابقه داشته و هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. (در این نوع تأثر با اینکه بازیگران عروسک هستند ولی با استفاده از منبع نوری که در پشت آنها قرار می‌گیرد و پردهٔ روشنی که در مقابل قرار دارد، ماجرا به صورت سایه روی پرده نمایان می‌شود.)

عروسک‌هایی که در تأثر عروسکی بکار می‌برند با عروسک‌های معمولی و کوکی فرق دارند. معمولاً قد و اندازهٔ آنها تا اندازهٔ طبیعی است، و بوسیلهٔ نخ از بالا یا دست از پایین یا قوهٔ مغناطیسی یا الکترونیکی قابل کنترل هستند.

در اثر وجود امکانات مختلفی که این نوع نمایش دارد، یعنی با افراد کم و عروسک‌هایی که فقط بازیگر نقش محوله هستند، با

صرف مخارج محدود، و وسایل ناچیز و امکانات بی حد این نوع نمایش بخصوص برای نمایشنامه‌های مذهبی و قهرمانی مناسبند و بی حد جلب توجه کودکان را می‌نمایند. براساس همین خصیصه— هاست که مجموعه‌های تلویزیونی و تبلیغاتی بسیاری با استفاده از این هنر ساخته شده‌اند.

نوع ساده‌تر نمایش عروسکی که معمولاً در مدارس و کلاسها و در تلویزیون نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، عروسک‌هایی است که بوسیله دست و از پایین رهبری می‌شوند. معمولاً پیراهنی کیسه مانند به گردن عروسک وصل است و صحنه طوری قرار می‌گیرد که از بدن شخص مجری چیزی پیدا نیست انگشت میانی در سر عروسک و دو انگشت دیگر دستهای عروسک را تشکیل می‌دهند. این نوع را در فارسی «پهلوان کچل» می‌گویند.

اشخاصی که باهم این نوع تأثر را اجرا می‌کنند معمولاً محدودند زیرا صحنه کوچک است و جای فراوان ندارد ولی همکاری و سرعت عمل آنها اساسی است و سبب موفقیتشان می‌شود.

تأثر نمایشی

از ابتدای قرن بیستم با توجهی که به کودکان معطوف شد عده‌ای به فکر تهیه تأثر خاص کودکان افتادند. بعد از مدت کوتاهی معلوم شد که تأثر خاص کودکان از نظر مادی کاری بی‌نفع یا کم‌منفعت است. زیرا نوشتن نمایشنامه برای کودکان همان زحمات و مرارتهای نوشتن نمایشنامه برای بزرگسالان را داشت ولی اجرای آن از نظر دکور، بازیکن و غیره با مشکلات بیشتری همراه بود زیرا اغلب به نمایش درآوردن همان داستانهای شناخته شده و معمولی نیاز به تکنیکهای خارق‌العاده داشت. بدین معنی که قوطی کبریت معمولی باید به درشکه چهار اسبه تبدیل می‌شد یا با دست کشیدن به چراغی، قصر و غلام و غیره پدیدار می‌گشت. در مقابل این مخارج هنگفت درآمد آن به دو دلیل ناچیز بود. اول نیمه‌بها بودن قیمت بلیط خردسالان، دیگر محدود بودن وقت آنها برای استفاده از تأثر. اطفال فقط آخر هفته فرصت به تأثر رفتن

داشتند. بدین طریق طولی نکشید که تهیه کننده آزاد بکلی از به روی صحنه آوردن تآثر خاص کودکان با بازیکن حرفه‌ای‌منصرف شد. ولی در زمان حاضر در کشورهای که ادبیات کودکان تحت نظارت دولت است مثل اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، کار نمایشنامه تربیتی و به وجود آوردن تآثر خاص کودکان بسیار مجدانه دنبال می‌شود و ذهنهای جوان از کودکی با این هنر آشنا شده و دقیق و منطقی بار می‌آیند.

در بسیاری از کشورهای دیگر چون انگلیس، ژاپن، آلمان، اتریش و فرانسه که در آنها دولت از تآثر خاص کودکان بطور مستقیم حمایت نمی‌کند نتایج درخشانی به دست نیامده است. اگر چه انگلیسها به علت سنت تآثر دوستیشان در این راه پیشقدم بوده‌اند و کوششهای فراوان کرده‌اند.

در امریکا چندین شرکت بزرگ گروههای نمایش بسیار تشکیل داده‌اند. این گروهها به سبب تحرك و محدودیت زمانی در هر شهر، درآمد بیشتری دارند و توانسته‌اند تاکنون به فعالیت خود ادامه دهند ولی البته از نظر صحنه و انتخاب مطالب بامشکلاتی روبرو هستند.

پانتومیم یعنی تآثر بدون حرف نیز اغلب برای کودکان اجرا می‌شود و اجرای خوب آن بیننده را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد. گرچه این نوع نمایش با گفتاری توأم نیست ولی ضمناً براساس نوشته و فکری به وجود می‌آید و هنر تفاهم از راه حرکت و نمایش به اعلاحد خود می‌رسد.

در ایران نیز به همت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چند سالی است که تآثر خاص کودکان بوجود آمده است و نمایشنامه‌هایی چون «پیرمرد و ترب» و «شاهپرك خانم» از بیژن مفید را اجرا کرده‌اند و سعی دارند بیشتر جنبه آموزشی داشته مربیان را بیشتر و بهتر با فنون کار آشنا سازند متأسفانه هنوز قسمت نمایش کانون کار خود را به طور مرتب و با استفاده از محل خاصی عرضه نمی‌کند.

یکی از علل شکست درزندگی را ترس و کمرویی شناخته‌اند، شخص باید بتواند افکار و عقاید و احساسات خود را با اعتماد بنفس بیان کند. برای حصول این مقصود طفل باید با بزرگترها و با مربی احساس نزدیکی کند و از راه همکاری در کارهای نمایشی زندگی و کار گروهی را فرا بگیرد، ارزشهای خود را نشان بدهد و در برخورد با دیگران موقعیت خود را بشناسد و وضع خاص و متناسب را دنبال نماید. براساس این بینش بود که اولین بار در فرانسه در سال ۱۷۷۰ خانم معلمه‌ای نمایشنامه‌هایی به قصد آموزش مطالب برای کودکان نوشت و به کمک خود آنها بر روی صحنه آورد. سالها بعد یعنی در ابتدای این قرن در اغلب مدارس استفاده از تأثر مورد توجه قرار گرفت و مطالب ادبی، علوم اجتماعی، داستانهای عامیانه، را کودکان به کمک مربیان به نمایش درآوردند. در امریکا کار بجایی کشیده است که اغلب تأثرهای مدارس خارج از محیط مدرسه رفته تحت سرپرستی اشخاص وارد با به نمایش درآوردن نمایشنامه‌های مختلف از نظر مالی سودجویی می‌کنند.

در استکهلم بنا بر پیشنهاد کتابداری آگاه در سال ۱۹۲۲ در هفت کتابخانه به سرپرستی افراد وارد و علاقه‌مند گروه‌هایی تشکیل شد که بعداً هسته اصلی تأثر کودکان سوئد را به وجود آورد و اکنون مدارس و کتابخانه‌های فراوانی را در کار تأثر کمک و زهبری می‌کند. در هند و ژاپن نیز مجامع خاصی تشکیل شده است تا با بررسی و مطالعه بر روی آثار فولکلوریک جامعه از طریق تأثر کودکان آداب و سنن و فرهنگ ملت را در نسل جوان رسوخ داده گسترش بخشد. شك نیست که هدف تأثر کودکان دنبال کردن هدفهای آموزش و پرورش است و معلم با توجه به این نکته درصدد پرورش قوه تخیل، حافظه، قدرت بیان، احساس موقعیتها و همکاری گروه برمی‌آید اگر نه بهیچوجه در این مرحله قصد پرورش بازیگران ماهر در بین نیست.

ج - تآثر سازنده یا خلاق

در مقابل تآثر متداول برای کودکان که از روی نمایشنامه اجرا می‌شود نوع دیگری نمایش ابداع شده است. معلم داستان یا قطعه شعری را برای گروه می‌خواند، یا تصویری را نشان می‌دهد، یا قطعه آهنگی را می‌نوازد. بعد معلم و شاگردان به تجزیه و تحلیل آن می‌نشینند و خودشان امکانات سناریو، صحنه و شخصیتها و گفتگوها را همان لحظه خلق می‌کنند.

قصد از اجرای تآثر سازنده نیرو بخشیدن به قدرت تخیل و بیان بازیگر است. در ضمن بازیگر می‌آموزد که چگونه در شرایط مختلف حالات متناسب را جلوه‌گر سازد. هرچند ممکن است طفل قدرت بازیگری نداشته باشد ولی مغز و تخیل و قوه بیان و امکان یادگیری کار دسته‌جمعی همه در او تقویت می‌شود و از نظر مربی می‌تواند واقعا جزو روشهای مؤثر آموزشی قرار گرفته روز به روز جایی رفیعتر در برنامه‌های کلاسی بیابد.

شک نیست که تآثر سازنده یا خلاق برای استفاده بینندگان نیست، زیرا حالتی که با آزادی و شادی در اثر خلق الساعه بودن در کلاس به وجود می‌آید در روی صحنه در مقابل تماشاگر قابل تکرار نیست و اصولا هیچیک از اجراهای این تآثر هرگز تکراری نخواهد بود. نفع و لذت این نوع نمایش فقط خاص بازیکنان آن است نه کسان دیگر. اولین نتیجه آن آزاد کردن نیروی خلاقه در کودک است و سپس نقش آن در رهبری کردن و جامعه عمل پوشاندن به این نیروی خلاقه پدیدار می‌شود. اجرای صحیح و کامل آن نه تنها نوعی آزمون با ارزش آموزشی است، بلکه برای خود بازیگر نیز تجربه‌ای نوین و پراثر در زمینه فن بازیگریست. این شیوه بخصوص با هدایت دانشجویان دانشکده‌های هنرهای دراماتیک و معلمان علاقه‌مند می‌تواند به راحتی و بدون خرج در مدارس و کتابخانه‌های خاص کودکان گسترش یابد.

اغلب اوقات در خلال این بازیها مربی آگاه از حالات درونی و آشفتگیهای روانی طفل باخبر شده و به کمک متخصصین در درمان طفل می‌کوشد. درباره تآثر خلاق کتابهای فراوانی نوشته شده

است ولی متأسفانه هنوز هیچ يك بطور كامل به زبان فارسی ترجمه و چاپ نشده‌اند.

صاحب نظران در این زمینه اعتقاد دارند که برای حصول حداکثر استفاده از این نوع نمایش بزرگسالان نه بصورت بازیگر و نه تماشاچی در این نوع تأثیر نباید شرکت کنند از طرف دیگر بازیگران خردسال نیز باید کاملاً فاقد تجربه در زمینه نمایشهای متداول برای بزرگسالان باشند.

در سراسر دنیا این نوع تأثیر در بین مربیان هواخواهان فراوان پیدا کرده است زیرا در حقیقت مربی برای رهبری این نوع تأثیر به هیچ تعلیم قبلی نیازمند نیست. فقط درك، تجربه و تحلیل مطالب لازم است. اغلب کسانی که در این راه نقش مربی را دارند خود با خواندن و فکر کردن و عمیق شدن سعی می‌کنند کارشان را هر بار به شیوه‌ای بهتر و کاملتر انجام دهند با وجود این دوره‌های خاص و فشرده‌ای در کشورهای مختلف برای راهنمایی مربیان در این زمینه وجود دارد. بخصوص یونسکو در تشکیل دادن سمینار و گرد آوردن کشورهای علاقه‌مند فعالانه کوشش کرده و سعی دارد کسانی را که در این باره تجربیاتی دارند گرد هم آورد تا از نظریاتشان برای تکامل و پیشبرد این نوع تأثیر استفاده کنند.

۵- مجله‌های کودکان و نوجوانان

امروز در اکثر خانواده‌های با سواد کشور ما اقلایك مجله وجود دارد و طفل خیلی زود به دیدن و ورق زدن آن عادت می‌کند. همینکه بزرگتر می‌شود و به مدرسه می‌رود از طریق معلم و رفقای همکلاس با مجله‌های مخصوص خود آشنا می‌شود و چه خود آن را بخرد و چه از دیگران به امانت بگیرد گاه و بیگاه به مطالعه مجله می‌پردازد.

بزرگتر شدن و به دوران بلوغ نزدیک شدن طبیعتاً باعث می‌شود که طفل و نوجوانان سلیقه‌های خاص خود را بروز دهد و به همین دلیل یکی مجله‌های هفتگی بزرگسالان را می‌خواند،

دیگری مجله‌های ورزشی را، سومی مجله‌های سینمایی را، چهارمی به مجله‌های سنگین علمی و ادبی روی می‌آورد. یکی دونفر هم مخلوط از همه چیزی می‌خوانند.

پس در اینکه بچه‌ها و نوجوانان مجله خوان هستند هیچ شکلی نیست ولی باید دید چرا علاقه‌مند به مطالعه مجله شده و حتی گاهی به این کار معتاد می‌شوند. علت این علاقه‌مندی را باید بیشتر در کیفیت و ساختمان مجله و سپس در اجتماع و طبیعت طفل جستجو کرد:

الف- مجله مجموعه‌ای است از مطالب متنوع.

ب- مطالب مجله معمولا با زمان پیش می‌رود.

ج- مطالب مجله کوتاه و ساده و قابل فهم است، و با خواندن مجله می‌توان در جمع رفقا عرض اندام کرد.

د- مجله دارای تصاویر متنوع و معمولا جالب توجه است.

ه- خواندن مجله امریست همگانی و متداول.

و- قیمت مجله نسبت به کتاب کم است و در سر هر کوی و برزن به آن دسترسی هست.

ز- مطالعه اغلب مجلات نیاز به حضور ذهن کامل ندارد، به راحتی می‌شود همه وقت و همه جا آن را خواند.

در اجتماع امروز بخصوص در شهرهای بزرگ و کوچک مجله در دسترس عموم هست و بچه‌ها هم به‌عللی که ذکر شد به خواندن آنها علاقه‌مند هستند. اکنون لازم است که انواع مجلاتی را که در بازار به اطفال و نوجوانان عرضه می‌شود بهتر بشناسیم.

الف- مجلات مخصوص اطفال و نوجوانان

در حدود سالهای ۲۰ مجلاتی مخصوص کودکان بوسیله اشخاص علاقه‌مند به اطفال که در امر آموزش و پرورش نیز تحصیلات عالی داشتند مانند ابراهیم بنی احمد، عباس یمینی شریف، عباسعلی روحانی منتشر شد ولی هیچیک زمان زیادی دوام نیاورد و تعطیل شد. وزارت فرهنگ قدیم نیز چند بار دست به انتشار مجله‌هایی مخصوص دانش آموزان زد ولی موفق به

ادامه آن نگشت.

از سال ۱۳۳۵ روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور مانند کیهان و اطلاعات مجلات خاص کودکان منتشر کردند. «کیهان بچه‌ها» از اول به‌همین نام خوانده می‌شد ولی آنچه امروز به‌اسم «پسران و دختران» دردکه روزنامه فروشها هست تا کنون چندین بار نام خود را تغییر داده است. زمانی هم مجله «تهران مصور» طفلی به نام «تهران مصور کوچولوها» داشت.

از سال ۱۳۴۳ وزارت آموزش و پرورش با کمک مؤسسه انتشارات فرانکلین شروع به انتشار مجلات پیک کرد و سال به سال با تجربه بیشتر و مطالب متنوعتر در سطحی وسیعتر کار خود را گسترش داد. اکنون این مجلات در پنج سطح مختلف بطور منظم و با تیراژ وسیع پخش می‌شود.

گذشته از این، مجله‌های پیش‌آهنگی و سازمان جوانان شیر- و خورشید سرخ نیز برای سنین آخر دبستان و دوره راهنمایی انتشار می‌یابد.

به این ترتیب می‌توانیم بگوییم که مجلاتی که اکنون مخصوص کودکان و نوجوانان منتشر می‌شوند از دو نوع هستند: الف- مجله‌های تجارتي.

ب- مجله‌هایی که وابسته به سازمانهای دولتی و نیمه‌دولتی

هستند.

ب- مجلات بزرگسالان که بیشتر مورد مطالعه کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرند. همانطور که قبلاً هم اشاره شد امروز تقریباً در همه خانواده‌های باسواد اقلایک مجله هفتگی پیدا می‌شود و این مجله طبیعتاً در دسترس اطفال نیز قرار می‌گیرد. بررسیهای پراکنده درباره مجله خوانی کودکان و نوجوانان نشان داده است که باکمال تأسف به علت عدم توجه خانواده‌ها در درجه اول و تشویق نکردن معلمان و مربیان در درجه ثانی اطفال تقریباً از سالهای آخر دبستان به مجلات هفتگی بزرگسالان علاقه‌مند می‌شوند. گرچه به تناسب و اقتضای سنشان در میان مطالبی که می‌خوانند تنوع بسیار هست،

بید دانش امروز - بید دانش امروز - بید دانش امروز
بید دانش امروز - بید دانش امروز - بید دانش امروز
بید دانش امروز - بید دانش امروز - بید دانش امروز

معلوم شده است نوجوانان بیش از همه به خواندن داستانهای مبتذل عشقی و شرح احوال هنرپیشگان و غیره علاقه نشان می دهند. در همین بررسیهای پراکنده اسمی از مجلات سنگینتر هفتگی یا مجلات تخصصی علمی و ادبی ماهانه نیز برده شده است. از مجلات بزرگسالان که گه گاه مورد توجه نوجوانان و اطفال سالمهای آخر دبستان قرار می گیرد و در کتابخانه های کودکان و نوجوانان نیز به آنها ارائه می شود مجله «شکار و طبیعت» و «دانشمند» را می توان نام برد. مجله اولی اطلاعات بسیار جالبی همراه با تصویرهای گویا و زیبا درباره طبیعت و بخصوص حیوانات در دسترس علاقه مندان می گذارد و دیگری آخرین مباحث علمی را به زبان نسبتاً ساده مطرح می کند.

ج - شرایط مجلات خوب برای کودکان و نوجوانان

در اینجا فرصت تحلیل و بررسی يك يك مجلاتی که مخصوص این گروه در اجتماع منتشر می شود نیست. ولی لازم است توجه داشته باشیم که مجلات کودکان و نوجوانان را نیز با ملاکهایی که متناسب با احتیاجات و تواناییهای سنین مختلف این گروه است می توان و باید سنجید تا مفید یا مضر بودن آنها آشکار شود.

الف - از لحاظ ظاهر: نباید فراموش کرد که یکی از علل اصلی علاقه مندی اطفال و نوجوانان و حتی بزرگسالان به مجله شکل ظاهر آن است، پس باید در این مورد به شرایط زیر توجه کامل داشت.

— چاپ خوب چه از لحاظ تصاویر و چه از لحاظ انتخاب حروف و خوانایی متن.

— تناسب تصاویر با مطالب و محیط زندگی اطفال و نوجوانان و احتیاجات روانی آنان.

— تنظیم دقیق و مطبوع صفحات به نحوی که هماهنگی تصاویر و مطالب حفظ شود.

— وجود جلد جالب توجه و داشتن فهرست مطالب.

ب - از لحاظ ساختمان مجله: پس از مطالعه چند شماره از

يك مجله معمولاً می‌توان دربارهٔ ساختمان آن از لحاظ ملاکهای زیر اظهار نظر کرد:

— هدف مشخص مجله.

— برنامه معین برای رسیدن به هدف و متناسب بودن آن با خصوصیات جمعیت خواننده.

— تنظیم منطقی مطالب مجله با توجه به هدف و برنامه آن.

— تاریخ معین انتشار.

ج- از لحاظ مطالب: گرچه دو جنبه‌ای که ذکر شد از لحاظ

مجله و جلب توجه خوانندگان جوان به آن بسیار مؤثر است،

ولی واقعاً آنچه خواننده را پایبند مجله می‌کند مطالب آن است.

تنوع مطالب مجله ایجاب می‌کند که هنگام ارزشیابی آن، هر یک از

مطالب مختلف مجله را با ملاکهای جداگانه مورد بررسی قرار

دهیم. محتوای مجله از لحاظ موضوع و متن به‌طور کلی باملاکهای

زیر سنجیده می‌شود:

* از لحاظ موضوع:

— تنوع مطالب و صحیح و دقیق بودن آن.

— موضوع روز بودن مطالب.

— علاقه‌مند و کنجکاو کردن فرد به مسائل جدید.

— ایجاد میل به مطالعه و تجسس بیشتر دربارهٔ موضوعهای

مطرح شده.

— ایجاد ارتباط مستقیم با خوانندگان.

— توجه به خواسته‌های خوانندگان.

— تربیت و تلطیف ذوق خوانندگان.

* از لحاظ نگارش و تنظیم:

— طول مطالب در حد حوصله و تحمل خوانندگان باشد.

— جنبهٔ آموزش مستقیم نداشته باشد.

— زبان ساده و درست داشته باشد.

اکنون که با این واقعیت رو برو هستیم که اطفال به هر حال از خواندن مجلات لذت می‌برند باید روشی پیش گرفت که از این وسیله ارتباط جمعی به طریقی سازنده استفاده شود. به این دلیل باید والدین و سازمانهای آموزشی در این راه دست به دست هم دهند و موارد زیر را تا آنجا که امکان دارد اجرا کنند:

الف- اولیای اطفال اعم از والدین و آموزگاران باید بکوشند تا خود از خواندن مجلات مبتذل و بدآموز دست بردارند تا اصولاً طفل مطالب نامناسب را دست افرادی که به آنها اعتماد دارد و برایشان احترام قائل است نبیند.

ب- مجله‌های خوب باید در دسترس اطفال قرار گیرد. مدارس باید بکوشند که مجلات پیک و مجله‌های خوب دیگر را چه در کتابخانه و چه برای خرید در آموزشگاه داشته باشند و والدین نیز بکوشند که فقط از همان مجله‌ها یا اقلامی که از طرف مدرسه توصیه شده است برای اطفال بخرند.

ج- کتابخانه‌های مدارس باید دوره‌های مختلف مجلات مفید را در کتابخانه جلد کرده داشته باشند تا دانش آموزان به آنها رجوع کنند. در خانه نیز والدین باید اطفال را به جمع کردن شماره‌های مجلاتی که می‌خوانند تشویق کنند.

د- والدین و آموزگاران با بحث کردن با اطفال درباره مقالات مختلف مجله‌ای که می‌خوانند هم به برداشت آنان از مطالب گوناگون پی می‌برند و هم به درک صحیح مفاهیم کمک می‌کنند. گذشته از این طفل و نوجوان به این ترتیب درمی‌یابد که اگر مطالب جالبی بخواند می‌تواند پا به پای بزرگسالان به بحث بنشیند و همین، علاقه او را به مطالعه سالم افزایش می‌دهد.

شیوه‌های مختلف در علاقه‌مند کردن کودکان به مطالعه

یکی از هدفهای اساسی ادبیات کودکان و نوجوانان علاقه‌مند کردن و ایجاد عادت مطالعه در طفل است. فصل هفتم و هشتم این کتاب به قصد به‌ثمر رساندن این هدف تنظیم شده است. اگر از دوستان، آشنایان و از کسانی که علاقه‌مند به مطالعه هستند و ساعاتی از وقت آزاد خود را بطور مرتب صرف آن می‌کنند بپرسید از کی، چگونه، در اثر چه به مطالعه روی آورده و به آن عادت کرده‌اند خواهید دید که همواره شخصی، پدر و مادر، برادر یا خواهر، معلم یا دبیر، یا دوستی در این کار نقش اولیه مؤثری داشته است. اصولاً مطالعه امری است اکتسابی و نادرند کسانی که به ابتکار و همت و ذوق خود به مطالعه گرایش پیدا کرده‌اند.

تحقیق نشان داده است که محیط خانواده و اجتماع در ایجاد علاقه و عادت به مطالعه نقش اساسی دارد. اگر پدر و مادر خود اهل مطالعه باشند و کودک همواره در محیط خانواده کتابهای مختلف ببیند، از دوسالگی به کتاب روی می‌آورد و سعی دارد آن را ورق بزند و به تماشای تصاویر کتاب و روزنامه رغبت نشان می‌دهد. این در صورتی است که هیچکس اقدام خاصی به عمل نیاورد. ولی در اینگونه خانواده‌ها عموماً مادر برای طفل خردسالش قصه می‌گوید یا قصه می‌خواند و خیلی زود برای سرگرم

کردن او کتابهای تصویری را در اختیارش می‌گذارد و به پرسش‌هایی دربارهٔ تصاویر و قهرمانهای داستان‌هایی که می‌شنود جواب می‌دهد، و بدین ترتیب نخستین سنگ بنای مطالعه گذاشته می‌شود. کودک اگر در گردشهای خود، در اتوبوس، در مطب‌دکتر، در پارکها و گردشگاهها شاهد مطالعهٔ مردم مختلف باشد، در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی صحبت‌هایی دربارهٔ کتابها بشنود، یا در خیابان کتابفروشی و کتابخانه ببیند نسبت به مطالعه کنجکاو می‌شود و با اولین تجربیاتی که در این زمینه بدست می‌آورد رغبت طبیعی به خواندن کتابها و مطالب خواندنی مختلف پیدا خواهد کرد.

تحقیق نشان داده است که نظام تعلیم و تربیت، روشهای تدریس و نحوهٔ کار معلم در ایجاد و عادت به مطالعه نقش مهمی را به عهده دارند.

نظام تعلیم و تربیت يك کشور فقط دورهٔ تعلیمات عمومی را در بر نمی‌گیرد، بلکه از سنین قبل از دبستان تا سنین بزرگسالی، اخذ مدارك علمی و فنی مختلف و دوره‌های آموزش پس از آن را نیز شامل می‌شود. بطور خلاصه نظام آموزشی عبارت است از چگونگی آموزش مداوم همهٔ افراد کشور. فلسفه‌ای که مبنای این نظام قرار می‌گیرد و در تمام امور کشوری احساس می‌شود در ایجاد علاقه و عادت به مطالعه اثر عمده‌ای برجای می‌گذارد. تا زمانی که مدارك تحصیلی و نمرات درسی تنها ملاك انتخاب و پیشرفت افراد در امور مختلف هستند و کاردانی و وسعت معلومات اشخاص و تجربیات و مطالعاتشان کمتر مورد نظر قرار می‌گیرد مطالعه امری تفننی، بدون نفع و اختیاری می‌شود و مردم چه در طی تحصیل و چه پس از اخذ مدارك تحصیلی کمتر بدان روی می‌آورند.

روشهای تدریس کتابهای درسی نیز اثر مستقیمی در ایجاد این علاقه می‌گذارد. اگر از همان سال اول ابتدایی روش تدریس، کارهای اکتشافی ساده، تحقیقات متعدد ولی ساده و قابل عمل، مراجعه به منابع مختلف (کتابها و افراد) و بحث و تفکر اساس

کار کلاس باشد و امتحان و ارزشیابی محدود به مفاهیم مشخص کتاب درسی نباشد و زمینه لازم برای گسترش مفاهیم در حد قدرت شاگرد و کلاس فراهم آید، عملاً کودکان از همان ابتدا عادت می‌کنند به منابع و مأخذ مختلف مراجعه کنند و تعقل خود را نیز در آموزش مواد مختلف بکار بگیرند. در این صورت کتاب غیر درسی منبعی می‌شود برای مراجعه مداوم.

معلم نیز به عنوان عامل اصلی انتقال فلسفه نظام تعلیم و تربیت از طرفی، و آموزش کتابهای درسی از طرف دیگر، می‌تواند اثر عمیقی در ایجاد علاقه به مطالعه برجای بگذارد. فراوانند معلمانی که اسیر فلسفه عقب‌افتاده آموزش برای دریافت مدارک تحصیلی بوده‌اند و کتابهای درسی خوب در اختیار نداشته‌اند ولی با ابتکار و جدیت خود شاگردانی پرورده‌اند که دانش را به معنای عمیق و وسیع خود دریافته‌اند و برای کسب آن کوشش کرده‌اند. هستند نیز معلمانی که با در اختیار داشتن فلسفه پیشرو نظام جدید تعلیم و تربیت، کتابهای درسی بهتر و راهنماهای تدریس دقیق، شاگردان را به حفظ کردن مطالب وادار می‌کنند و آنها را از مطالعه کتاب چه درسی و چه غیر درسی بیزار می‌سازند.

با توسعه و همگانی شدن تعلیم و تربیت در صد سال اخیر و اثبات این نکته که علاقه‌مند شدن و عادت به مطالعه امری است اکتسابی علمای این رشته در کشورهای متمدن در صد تپیه برنامه منظمی برای مطالعه در کودکان، دبستان و دبیرستان و دانشگاه و در اجتماع برآمدند تا همانطور که عادات بهداشتی در فرد بوجود می‌آید عادت به مطالعه نیز در او پرورش یابد. این برنامه با همکاری خانواده، آموزشگاه، کتابخانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به مرحله عمل درآمد. چنین است که در این کشورها تعداد کتابهای چاپ شده در يك سال از میلیاردها تجاوز می‌کند. در کشور ما نیز در محدوده چند دبستان برنامه‌هایی منظم برای ایجاد علاقه و عادت به مطالعه اجرا شد و ثابت گردید که در صورت اجرای چنین برنامه‌ای بیش از ۹۵٪ از دانش‌آموزان به

سهولت به خواندن کتابهای غیر درسی علاقه‌مند می‌شوند و در صورت مداومت برنامه در طی سالهای دبستان عادت مطالعه صحیح در آنها بوجود می‌آید.

تعمیم این تجربه، از طرف مرکز انتشارات آموزشی، ناشر مجلات پیک، در ایران به صورت گنجانیدن يك ساعت مطالعه در هفته صورت گرفت و سازمان کتابهای درسی نیز با توصیه کتابهای غیر درسی مناسب برای هر کلاس تا حدودی موفق به گسترش محدوده کتابهای درسی شد.

شناخت چگونگی علاقه‌مند کردن، برنامه منظم این کار و اجزاء مختلف این برنامه و چگونگی تطبیق آن با برنامه کلاسهای مختلف، نقش معلم و کتابدار، در این زمینه، چگونگی تبدیل این علاقه به عادت و سپس به شوق، ایجاد همکاری بین خانواده و آموزشگاه و کتابخانه، و برنامه کار با کودکانی که یا کتاب نمی‌خوانند یا انحراف خواندن دارند، نکاتی است که يك معلم باید بداند تا در این زمینه نیز آموزش و پرورش کشور ما بتواند از نظر کیفی پیش برود.

برنامه‌ای که برای رسیدن به منظور فوق بایستی دنبال شود بقرار ذیل است:

- ۱- داستان‌گویی و کتابخوانی
- ۲- معرفی کتاب
- ۳- نمایشگاه کتاب
- ۴- بحث و گفتگو درباره کتاب
- ۵- بازیها و مسابقات مربوط به کتاب
- ۶- روزهای خاص و برنامه‌های آن
- ۷- نمایش فیلم و اسلاید و فیلم استریپ

۱- داستان‌گویی و کتابخوانی

هنگامی که کلمات سحرآمیز «یکی بود یکی نبود» یا «روزی بود روزگاری بود» شنیده شود کمتر کودکی است که بتواند ایستادگی کند و سرتاپا گوش نشود. علاقه کودکان به شنیدن حکایات و

بزرگترها به شنیدن نقلها و سرگذشتها در سرشت نوع بشر است. بهمین دلیل برنامه‌علاقه‌مند کردن به مطالعه از قصه‌گویی آغاز می‌شود. مادر و مادر بزرگ آن را در خانواده شروع می‌کنند و آموزگار کلاس اول آن را در دبستان ادامه می‌دهد.

در قصه‌گویی و قصه خوانی نکاتی وجود دارد که رعایت آنها در موفقیت جلسات داستا‌نگویی تأثیر دارد.

الف- انتخاب قصه: ملاکهای انتخاب قصه همانهایی هستند که در انتخاب کتابها برای سنین مختلف بکار گرفته می‌شوند. علاوه بر آن حوادث داستان باید طوری باشد که علاقه‌شونده همچنان حفظ شود. یعنی باید از اوج جالبی برخوردار باشد. طول آن مطابق حوصله‌شونده خردسال باشد. معمولا کودکان کودکستان در حدود ۷ تا ۱۰ دقیقه می‌توانند آرام نشسته و به مطلب جالب توجهی گوش فرا دهند. هرچه طفل بزرگتر شود، قدرت تمرکز و تحمل او بیشتر می‌شود. ولی اصولا نباید داستا‌نگویی از ۲۰ الی ۲۵ دقیقه تجاوز کند.

ب- تسلط قصه‌گو: قصه‌گو باید خوب به تمام قسمتهای داستان وارد و مسلط باشد (با چندبار خواندن این تسلط بدست می‌آید). باید خود نقطه اوج و لطف و حکمت داستان را درك کرده باشد تا بتواند آن را درست منتقل کند. اگر قصه‌گو قسمتی را فراموش کند و مجبور بشود به کتاب مراجعه کند رشته افکارشونده گسسته می‌شود و لطف جاذبه حوادث و ماجرای قصه از دست می‌رود.

ج- اجرای قصه: قصه‌گو باید زنده و با حالت قصه بگوید. حرکات دست و سر متناسب ولی نباید به صورت تأثر درآید بلکه باید سعی کند که تغییر صدا با شخصیتها و حوادث و هیجان قصه منطبق باشد. (بهترین تمرین در این مورد، قصه‌گفتن جلو آینه است. قصه‌گوهای مشهور با این کار ابتدا بر حرکات و حالات چهره خود مسلط می‌شوند و سپس با مشاهده دقیق شنوندگان و عکس‌العملهای مختلف آنان حالات و حرکات خود را تغییر می‌دهند). قصه باید با صدای بلند، طوری که همه حاضران به راحت بشنوند، با جملات

صحیح، با حال و هیجان نقل شود.

د- شیوه بیان قصه قصه باید یکجا گفته شود، با جملات معترضه، یا توضیحات اضافی قطع نشود و قصه گو زیاد در بند دادن معلومات اضافی نباشد، و از بکار بردن اصطلاحات عامیانه متداول روز خودداری کند.

ه- نتیجه گیری: قصه باید یکجا گفته شود، با جملات کند، نتیجه گیری به عهده شنونده است.

و- چگونگی نشستن: ترتیب جمع شدن کودکان و قصه گو باید طوری باشد که همه کودکان او را ببینند و به او نزدیک باشند. عموماً قصه گو در محلی بلندتر از دیگران می نشیند و کودکان دور تا دورش حلقه می زنند.

ز- چند توصیه: قصه گو با گفتن ساکت باشید، گوش بدهید، یا احیاناً سرزنش کردن، نباید کودکی را وادار به گوش کردن بکند، بلکه باید به آرامی قصه خود را ادامه بدهد. اگر داستان جالب باشد و خوب گفته شود، کودکان همدیگر را آرام خواهند کرد.

همه این نکات در قصه خوانی نیز باید رعایت شود. ما دو نوع قصه خوانی داریم قصه خوانی از روی کتاب تصویری و قصه خوانی از روی کتاب بدون تصویر.

در مورد اول معلم یا مربی می خواهد کودکان تصاویر را ببینند. در این مورد بهتر است گوینده آنچنان به متن مسلط باشد که بتواند با مختصر نگاهی به کتاب، قصه را بخواند و تصاویر را که در تمام مدت به سمت کودکان است، نشان بدهد. در مورد دوم چشمهای قصه گو متن کتاب را تعقیب می کند ولی عملاً کلیه حواس دیگر او باید مراقب کودکان و عکس العملهایشان در برابر رویدادهای مختلف داستان باشد. ایجاد ارتباط عاطفی بین خواننده و شنونده در این حال دشوارتر است و بهمین دلیل باید معلم داستان کتاب را قبلاً خوانده باشد. روی حوادث آن فکر کرده باشد. مفهوم واقعی، لطف و نقطه اوج آن را خوب درک کرده باشد تا در ضمن خواندن او لا پشت کتاب مخفی نشود و کودکان بتوانند صورت او را ببینند و ثانیاً، با تغییر صدا در قسمتهای

لازم، مکشهای بموقع و تکیه کردن بر روی جملات کلید داستان، توجه کودکان را جلب کند و بدین ترتیب بگذارد آنها در عالم داستان سیر کنند و صحنه‌ها و اشخاص داستان برایشان جان بگیرند. خواندن قصه را مادران در خانواده نیز به هنگام شب و برای خواب کردن کودک شروع می‌کنند. ولی عموماً توصیه می‌شود که مریبان در کودکستان بیشتر قصه بگویند و کمتر قصه بخوانند و قصه-خوانی عملاً در دبستان صورت بگیرد. مریبان هنگام کتابخوانی باید توجه داشته باشند که بعضی از کتابها از نظر شیوه نگارش از مزیت بیشتری برخوردارند و برای بلند خواندن از دیگر کتابها متناسبترند.

خواندن و گفتن قصه توسط کودکان زمانی صحیح است که اولاً کودک خواننده‌ای قوی باشد و ثانیاً قبلاً خود را آماده کرده باشد و ثالثاً خواندن یا گفتن با حالت را در کلاس یاد گرفته باشد. در غیر این صورت لطف داستان در اثر بدخواندن و بد ادا کردن از بین خواهد رفت و شاگردان خسته و کسل خواهند شد.

۲- معرفی کتاب

معرفی کتاب کاریست که بطور مداوم برای علاقه‌مند کردن کودکان و نوجوانان به مطالعه، جهت صحیح دادن به کتابخوانی همچنین برای گسترش تجربیات آنان در این زمینه باید انجام شود. معرفی کتاب به چند شکل صورت می‌گیرد و بسته به نوع کتاب نیز تغییر می‌کند.

الف- معرفی توسط اعلان خاص: این کار را عموماً کتابدار انجام می‌دهد و با جمله‌ای شوق‌انگیز و تصویری متناسب، عنوان کتاب و نوع آن را در جعبه یا محل خاصی به نمایش می‌گذارد.

مثال: «بیایید با هم به سرزمین اسکیموها برویم!» برای معرفی کتاب «سرزمینهای یخبندان.» یا «می‌خواهی بدانی چطور دیگران برترس خود غلبه می‌کنند؟» «خواهر وسطی» را بخوان.» از انواع ابتکارهای هنری نیز برای درست کردن این اعلانات می‌توان استفاده کرد، چسباندن اشیاء مختلف، برش تصاویر و

ایجاد ترکیبهای تازه و ...

معرفی کتابهای تازه، و همچنین کتابهای جالب و قدیمی ولی فراموش شده توسط کودکان، یا کتابهایی به مناسبتهای خاص، مثلاً رویدادی علمی و خبری جهانی و اکتشافی تازه، برنامه منظم کتابخانه است و باید بصورت هفتگی تنظیم شده در جعبه خاص به نمایش گذاشته شود.

ب- معرفی در کلاس یا در جمع کودکان: اولاً باید دانست که کتاب اجزاء مختلف دارد و کودکان در طی تحصیل در دبستان باید با اجزاء کتاب بتدریج آشنا شوند و طرز استفاده از هر قسمت را یاد بگیرند. این اجزاء عبارتند از: عنوان کتاب، نام نویسنده، نام مترجم، نام نقاش، ناشر، تاریخ و محل انتشار، پیش گفتار یا یباجه، فهرست مطالب، فهرست اعلام فهرست مأخذ و منابع.

در کلاسهای اول و دوم تکیه معلم و کتابدار بیشتر روی شناخت نام کتاب و نام نویسنده و نقاش آن است. از کلاس سوم و در کلاس چهارم خواندن پیش گفتار و شناختن ناشر تا حدودی به بقیه مطالب افزوده می شود و در کلاس پنجم شاگردان طرز استفاده از فهرست مأخذ و منابع و فهرست اعلام را یاد می گیرند. این نکته باید در معرفی کتاب رعایت گردد.

ثانیاً معلم یا کتابدار برای معرفی کتاب باید قبلاً آن را خوانده باشد و خود را برای معرفی آن به یکی از اشکال زیر آماده کند.

- معرفی قهرمان اصلی کتاب و مشخصات او و ذکر یکی از ماجراها توسط کودکان.

- معرفی صحنه ای از وقایع یا خواندن آن بطور کامل.

- به نمایش در آوردن یکی از گفتگوهای متناسب برای معرفی.

- خواندن قسمتی از کتاب و بحث روی آن و حدس زدن بقیه

ماجرا توسط کودکان.

- شرح داستان بطور بسیار مختصر ولی به نحوی که شوق و

کنجکاوی کودک برانگیخته شود.

- معرفی تصویر روی جلد یا یکی از تصاویر کتاب و شرح

مختصری از محتوای آن.

— طرح ساده نکته‌ای که در کتاب مطرح شده است و سؤال از شاگردان در این باره که اگر جای قهرمان کتاب بودید چه می‌کردید. این روش‌های معرفی بیشتر برای کتاب‌های داستانی است. درباره کتاب‌های غیر داستانی می‌توان از نمونه‌های زیر استفاده کرد:

طرح موضوع، یا یکی از موضوعهای کتاب به صورت پرسش و بحث درباره آن و مراجعه به کتاب برای یافتن جواب.

— انجام یکی از آزمایشها بطور عملی در مقابل کودکان با استفاده از راهنماییهای کتاب.

— شرح رویداد تاریخی، وقتی مربوط به يك کتاب تعلیمات اجتماعی می‌شود.

— شرح اهمیت کار، یا یکی از مراحل دشوار زندگی قهرمان کتاب وقتی کتاب درباره زندگی یکی از نامداران جهان یا ایران است.

— آوردن تصاویری متناسب و ایجاد بحث و کنجکاوی درباره آن، مثلا وقتی که موضوع کتاب درباره زندگی در یکی از سرزمینهای مختلف جهان است.

در موقع معرفی مراجعی مانند فرهنگنامه، یا کتاب لغت، معلم باید توجه داشته باشد که با تمرین گروهی و انفرادی، شاگردان طرز استفاده از این گونه مراجع و فهرست مطالب و علامتهای اختصاری را درست یاد بگیرند.

برای معرفی کتابهای شعر، معلم باید موقعیت مناسبی را در نظر بگیرد و با احساس و اجرای صحیح شعری را بخواند و شاعری را معرفی کند، و کودکان را به خواندن بقیه اشعار او و دیگران راغب سازد.

معرفی می‌تواند توسط کودکان نیز انجام شود. کودک معرف بیشتر اوقات مختصری از کتاب یا شعری را تشریح کرده علل دوست داشتن آن را ذکر می‌کند. در معرفیها باید حتی المقدور کودکان را در چگونگی معرفی آزاد گذاشت.

۲- نمایشگاه کتاب

هر قدر هم کتابخانه دبستانی مجهز باشد و شاگردان آن بطور مداوم به مطالعه کتب غیردرسی مشغول باشند، باز هم کتابدار و معلم باید در فرصتهای مختلف و بطور مداوم و با هدفهای مشخص نمایشگاههایی از کتابها برای کودکان ترتیب بدهند و منابع موجود و کتابهای جدید کتابخانه را به نمایش بگذارند. این نمایشگاهها عموماً در محل کتابخانه، در حیطه مدرسه، در راهرو یا در سالن مدرسه تشکیل می‌شود. جعبه اعلانات مدرسه یا جعبه خاص کتابخانه نیز برای نمایشگاههای کوچک ولی مداوم محل مناسبی است.

یکی از نمایشگاههای مفیدی که در ابتدای سال تحصیلی معلم یا کتابدار می‌تواند تشکیل دهد نمایشگاه کتابهای معرفی شده در کتابهای درسی فارسی برای هرکلاس و کتابهای متناسب غیر داستانی مطابق مباحث کتابهای درسی علوم و تعلیمات اجتماعی و دینی همان کلاس است. این نمایشگاه به کتابدار فرصت می‌دهد مجموعه خود را بررسی کند، به آموزگار فرصت می‌دهد با مجموعه کتابهایی که شاردانش در طی سال خواهند خواند آشنا بشود و مهمتر از همه شاگردان را در انتخاب کتابها برای مطالعه راهنمایی خواهد کرد.

هر زمان که کتابدار احساس کرد نوع خواندن کودک محدود به یک موضوع یا یک نوع کتاب، یا چند نویسنده مشخص شده است با ترتیب نمایشگاهی از آثار نویسندگان دیگر و معرفی آنان عملاً به گسترش محدوده مطالعه کودکان می‌پردازد. مثلاً در اثر انتشار کتابهای جدید بارها دیده شده است که کودکان کتابهایی مثل «آدمک چوبی»، یا «مامان کوچولو»^۱ را فراموش می‌کنند بخوانند. ایجاد نمایشگاه جبران این فراموشی را می‌کند و این کتابهای اصیل ادبیات کودکان از نو خوانندگان جوان را سرگرم می‌کند و دیدشان را گسترش می‌دهد. از هر فرصتی باید برای به نمایش گذاشتن کتابهای غیر داستانی استفاده کرد، چه معمولاً کودکان

۱- کولت ناست «مامان کوچولو» نگار روحانی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

خود کمتر بدانها روی می آورند. مثلاً به هنگام يك موفقیت فضایی، بدنبال يك كشف علمی، در موقع سفر یکی از سران کشورها، بهنگام يك واقعه غیر منتظره جهانی یا طبیعی یا زمانی که موضوع مشخصی مورد بحث عمومی در يك منطقه یا در يك کشور است.

در هر صورت تعداد کتابهای نمایشگاه را باید طوری انتخاب کرد که هر يك جلوه خاص خود را داشته باشد. آنها را باید طوری چید که کودکان بتوانند آنها را ببینند و دست بزنند. با تزئینات ساده باید محیط نمایشگاه را دلنشین و با راهنماییهای صمیمانه هدف آن را برای بازدیدکنندگان روشن ساخت.

۴- بحث و گفتگو درباره کتاب

در عصر حاضر دیگر فقط خواندن تعدادی کتاب هدف برنامه علاقه مند کردن به مطالعه نیست. زیرا از طرفی تعداد کتابهای خواندنی روز بروز زیادتر می شود و در نتیجه کودک و خانواده و معلمش باید بتوانند در انتخاب بهترین و مناسبترین آنها شرکت داشته باشند. از طرف دیگر کودک باید از خواندن هر کتابی تجربیات تازه ای بیندوزد، افق دید خود را وسعت بخشد و در عوالم طبیعی و انسانی دقیقتر بشود. علاوه بر آن نباید محتوای هر کتاب را درست بپذیرد بلکه باید در اطراف صحت مطالب آن بیندیشد و از دیدگاههای مختلف محتوای آن را بررسی کند. بطور خلاصه امروز مطالعه انتقادی مطرح است و نه مطالعه مطلق. این دید انتقادی و نکته بین را باید از همان ابتدای شروع مطالعه مستقل در کودکان به وجود آورد. راه ایجاد آن، بحث و گفتگو درباره کتاب است. پس از خواندن يك داستان، پس از معرفی يك کتاب بطور کامل، پس از طرح يك مطلب غیر داستانی، معلم با شاگردان به بحث و گفتگو می نشیند، از آنها می خواهد نظرات خود را بیان کنند، درباره شخصیت های داستان اظهار عقیده کنند، خود را به جای قهرمان داستان بگذارند و حرکات و عملیات او را رد یا تأیید کنند. درباره نویسنده و طرز توصیف صحنه ها و

اشخاص قضاوت کنند. احیاناً دنباله داستان را خود بگیرند و آن را به نحوی که خود صلاح می‌دانند تمام کنند. چنین جلسات بحث و گفتگویی به کودکان فرصت بررسی نظرات دیگران را می‌دهد. بسیاری از اوقات در طی گوش دادن به گفته‌های همکلاسها یا کودکان دیگر نکات تازه‌ای دربارهٔ مطلب خوانده شده کشف می‌کنند، منظور نویسنده را بهتر و عمیقتر درک می‌کنند و به دقایق کار ادبی و هنری نویسنده بهتر پی می‌برند و بخصوص ابهام تمثیلهای در داستانهای غیر واقعی برایشان از بین می‌رود.

در این جلسات معلم و کتابدار باید ضمن تنظیم بحث، به هر کودک فرصت دهند آزدانه و بدون تمسخر دیگران عقاید خود را هر قدر هم اشتباه باشد بیان کند این جلسات به معلم و کتابدار فرصت می‌دهد کودکان و دنیای درون آنها و کتابهایشان را بهتر بشناسند. در ارزش این شناسایی از نظر تعلیم و تربیت بحثی نیست. معلم و کتابدار در طی چنین جلساتی باید حتی المقدور کمتر دخالت کنند. بیشتر گوش بدهند و فقط در پایان اگر نکته‌ای اصلاحی یا نظری تازه و آموزنده به معنای عمیق داشتند بیان دارند و قبول آن را به شاگردان تحمیل نکنند.

۵- بازیها و مسابقات مربوط به کتاب

برنامه‌های بازی و مسابقه مربوط به کتاب عموماً کندترین و بی‌علاقه‌ترین کودکان را به شوق و ذوق می‌آورد و آنها را به نوعی خواندن راغب می‌کند.

باید توجه داشت که بازیها و مسابقات با هدف کتابخوانی مطابقت داشته باشند. مثلاً مسابقهٔ «که بیشتر کتاب خوانده است» عموماً سبب می‌شود که شاگردان فقط عنوان کتابها را یاد بگیرند. آنها را نیمه‌کاره بخوانند و به محتوای آنها توجه نداشته باشند. بجای آن اکنون در کتابخانه‌ها و کلاسها چند کتاب مسابقه‌ای را معرفی می‌کنند و فرصت می‌گذارند. بعد از داوطلبان پرسشهایی دربارهٔ محتوای این کتابها می‌کنند. برنده، بهترین پاسخ دهنده است.

مسابقه بیست سئوالی درباره کتاب و نویسنده نیز کلاس و جمع کودکان را به هیجان می آورد زیرا جنبه معمایی دارد. اگر گفתי اسم این کتاب چیست؟ اگر گفתי اسم نویسنده این کتاب چیست؟ اگر گفתי این واقعه در کدام کتاب اتفاق افتاده؟ اگر گفתי این قهرمان در کدام کتاب است و اسمش چیست؟ انواع بازیهای معمایی دیگری هستند که کودکان بدانها علاقه می ورزند. جعبه پرسشها، همه گروه کودکان را به تحرك وا می دارد. هر کس سئوالی را طرح می کند و در جعبه مخصوص این کار می اندازد. پرسشها را بهم می ریزند و بعد بین گروههای دوفری تقسیم می کنند. شاگردان برای یافتن جواب پرسشها به کتابخانه می روند. آرام و بدون سروصدا باید کتابی را که در آن می توان جواب پرسش را یافت پیدا کنند. جواب را یادداشت کنند و به کلاس برگردند. برندگان آنهایی هستند که جواب صحیح و جامع را زودتر به کلاس بیاورند. از اینگونه بازیها و مسابقات می توان بازهم اختراع کرد. در یکی از مدارس هریک از کودکان باوسایل بسیار ساده در قالب یکی از قهرمانان کتاب ظاهر شد و بقیه می بایستی حدس بزنند او قهرمان کدام کتاب است در کلاسی دیگر گروههای مختلف صحنه هایی از کتابهای گوناگون را به نمایش در آوردند و کلاس می بایست نام کتاب و نویسنده را حدس بزند. این مسابقات نه تنها فرصت مناسبی برای بروز استعدادهای نهفته است بلکه کودکان را متوجه لذتی می کند که از مطالعه بدست می آورند.

۶- آماده سازی کتاب

نخست باید در پاسخ معلمانی که می گویند «برنامه کار کلاس آنقدر زیاد است و تعداد شاگردان بهمچنین که فرصت معرفی و پرداختن به کتابهای غیر درسی نمی ماند». گفت: برای معرفی و پرداختن به کتابهای غیر درسی هرروز و هر ساعت کلاس روز خاصی است و فرصتی مناسب. هنگام خواندن شعری در کتاب درسی فرصتی است برای معرفی شاعر آن و اگر شاعر کودکان

باشد سایر کتابهای او. هنگام بررسی چگونگی رشد گیاهان در علوم فرصتی است برای نشان دادن دو کتاب غیر داستانی در این زمینه و به همین ترتیب در تمام ساعات برنامه درسی. ممکن است همه شاگردان به این کتابها روی نیاورند و آنها را مطالعه نکنند ولی شاگردان قوی و زرنگ کلاس از این فرصتها بهره خواهند جست و بعد با گزارش و صحبت خود در کلاس دیگران را بهره‌مند خواهند کرد. ولی در طی سال روزهای خاصی هم است که بخوبی می‌توان از آنها برای آغاز فعالیتها، معرفی کتابها، پیش کشیدن بحثهایی درباره کتابهای غیردرسی استفاده کرد. هر ساله برای بزرگداشت کتاب، وزارت فرهنگ و هنر برنامه خاصی ترتیب می‌دهد (از ۳ تا ۱۷ آبان). روز ۱۴ فروردین نیز روز جهانی کتاب کودکان است. با در نظر گرفتن تعطیلات نوروزی می‌توان تکالیف ابتکاری داد و هفته پس از آن برای اجرای برنامه‌های مخصوص کتاب کودکان آماده بود. اعیاد مذهبی و اعیاد ملی، روزهای تولد بزرگان کشور، سالروز وقایع بزرگ جهانی، فرصتهایی است که کتابدار و معلم می‌توانند برای معرفی کتاب و اجرای برنامه‌های علاقه‌مند کردن از آنها استفاده کنند. روزنامه‌های دیواری، تصاویر متناسب، معرفی کتابهایی مربوط، و صحبتی در جمع کودکان (کوتاه و پرمعنا و قابل درک و جالب) به این روزها معنا و مفهوم خاص می‌دهد و کلاس مدرسه را از یکنواختی خارج می‌کند. معلمان و کتابداران مدارس عموماً برای تنظیم برنامه خود تقویم خاصی دارند.

۷- نمایش فیلم و اسلاید و فیلم استریپ

فیلمهای کودکان یا براساس کتابهای آنان تهیه شده‌اند، یا بعداً سناریوی آن بصورت کتاب عرضه خواهد شد. کودکانی که کتابی را خوانده‌اند با اشتیاق به دیدن فیلم آن خواهند شتافت. کودکانی که فیلمی را دیده‌اند با میل به خواندن کتاب آن مشغول خواهند شد و خاطره‌های صحنه‌های فیلم را تجدید خواهند کرد. فیلم و برنامه تلویزیونی و حتی رادیویی نه تنها با کتاب تضادی

ندارد بلکه نوعی نقش مکمل یکدیگر را به عهده دارند. اسلاید و یافیلیم استریپها بطرز محدودتر و ساده‌تری همین نقش مکمل را به عهده می‌گیرند. به همین دلیل از جلسات نمایش اسلاید و یا فیلم استریپ، جلسات نمایش فیلم مستند یا داستانی، می‌توان برای معرفی کتاب و علاقه‌مند کردن کودکان به مطالعه استفاده کرد. نمایشهای عروسکی و اجرای نمایشنامه‌ها نیز در این زمینه وسیله و کمک خوبی هستند.

هرجا امکان چنین کاری برای معلمی یا مدرسه‌ای یا کتابداری وجود داشته باشد باید از آن استفاده کند و هرجا امکان نداشته باشد باید در فکر به وجود آوردن امکان آن باشد. اعلان یک برنامه نمایش همراه با معرفی کتاب گروه بزرگی از کودکان را به خواندن کتاب راغب خواهد کرد بخصوص اگر برنامه با موفقیت اجرا شده باشد. در این زمینه نباید کار را آسان تلقی کرد، بلکه باید همه شرایط لازم را برای اجرای خوب آن در نظر گرفت و شاهد نتیجه مثبت آن نیز بود.

انواع راههای معرفی و ایجاد علاقه به مطالعه را بررسی شد. اکنون باید مفهوم مطالعه صحیح را دانست، سپس باید راههای تبدیل علاقه به عادت را برشمرد و عاقبت باید مطالعه انحرافی و طرز درمان آن را شناخت.

مطالعه صحیح

خواندن و مطالعه در تعلیم و تربیت مقوله ساده‌ای نیست. به هر کس که بتواند حروف را با هم درست ترکیب کند و کلمه را بخواند نمی‌توان گفت خواندن می‌داند. بارها برای آموزگاران پیش آمده است که کودکی قصه‌ای از کتاب درسی را روان و خوب و با صدای بلند خوانده است ولی وقتی از او سؤال کرده‌اند «از آنچه خواندی چه فهمیدی؟» قادر به جواب دادن نبوده است. فراوان دیده شده است که اشخاص قطعه‌ای طنزآمیز را می‌خوانند و اصلاً به نکته‌های پرمعنای آن پی نمی‌برند. به دانش‌آموزان می‌گوییم «درس حاضر کنید» و آنها چندین بار متن کتابهای

درسی خود را می‌خوانند و خیال می‌کنند درس حاضر کرده‌اند ولی به‌هنگام سؤال، سراسر درس را از حفظ می‌گویند و قادر به پاسخ دادن به یک پرسش غیر معمول از همان متن درسی که حاضر کرده‌اند، نیستند. همه این موارد از عدم درک خواندن و مطالعه به معنای صحیح سرچشمه می‌گیرد.

باید دانست که خواندن انواع مختلف دارد، در وهله اول می‌توان دو نوع خواندن را تشخیص داد:

الف- خواندن آزاد.

ب- خواندن مقید.

الف- خواندن آزاد: مطالعه‌ایست که شخص بدون داشتن وظیفه مشخص از انواع مطالب خواندنی، روزنامه، مجله، کتاب داستانی و غیره داستانی به عمل می‌آورد.

ب- خواندن مقید: خواندنی است که شخص با داشتن وظیفه مشخص انجام می‌دهد. مفهوم علمی را باید طوری درک کند که بتواند آن را بازگو نماید یا مسئله‌ای را حل کند و جواب پرسشهای معینی را بدهد، یا در یک امتحان عمومی شرکت کرده، کاری تحقیقی ارائه دهد.

خواندن آزاد نوعی سرگرمی است در حالیکه خواندن مقید نوعی کار تلقی می‌شود با هر دو نمی‌توان و نباید یکسان رفتار کرد. مثلاً اگر کودکان در اوقات فراغت خود کتاب می‌خوانند به هیچ وجه نباید برای میزان مطالعه آنها نمره قائل شد و یا به صورت درس و کتاب درسی آن را ارزشیابی کرد و تکالیفی برای آن معین کرد. خواندن و مطالعه آزاد را فقط بطور غیرمستقیم و به صورت کاری تشویقی و بدون قید نمره و رتبه می‌توان بررسی کرد.

در بعضی از کتابخانه‌های مدارس و در بعضی خانواده‌ها کودکان را وادار می‌کنند که خلاصه کتابهایی را که به‌منظور سرگرمی خوانده‌اند بنویسند و برای آن نمره قائل می‌شوند. این کار سبب نوعی سنگینی کار و بیزارگی از مطالعه می‌شود و مغایر هدف مطالعه آزاد است حداکثر کاری که می‌توان کرد این است

که از کودکان خواسته شود برای خود دفتر کتابخوانی تنظیم کنند و نام نویسنده، نام کتاب، مترجم، و ناشر و تاریخ مطالعه کتاب را بنویسند. اگر خواستند درباره کتاب خوانده شده چیزی بنویسند و یا نقاشی کنند و اگر نخواستند هیچ. نمره و تشویق و تنبیهی نیز در کار نباشد.

در وهله دوم خواندن را از نظر نوع مطلب خواندنی می توان به انواع مختلف تقسیم کرد. طرز خواندن مطالب داستانی و هدف از خواندن آن با طرز خواندن مطالب غیر داستانی و هدف آن تفاوت دارد.

در نوع اول هدف لذت بردن و سرگرم شدن است. حال اگر انسان از یکی شدن با قهرمان داستان و گذراندن لحظاتی هیجان-انگیز یا دلنشین در مسیر ماجراهای او لذت می برد این مقوله-ایست روانی. اگر در طی این لذت بردن، تجربیات زندگی او افزایش می یابد و دیدی وسیعتر درباره زندگی و شناختی عمیقتر از انسان پیدا می کند این نتیجه آموزشی و پرورشی در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد. در ادبیات کودکان و نوجوانان بیشتر مریبان و پدران و مادران به نتیجه اخیر توجه دارند کودک یا نوجوان به آن اهمیت نمی دهد. بهمین دلیل است که اطفال داستانی را خوب می شمارند که لذت بخش و گیرا باشد و از نتیجه گیری مستقیم خودداری کند. در خواندن مطالب داستانی مریبان باید از پرسشهایی در جهت نتیجه گیری خودداری کنند و باید بگذارند کودک یا نوجوانان در داستان خوب و پر ماجرا غرق شود و سرتاسر کتاب را بخواند. در آثار ادبی اصیل و شعر لذت از زیبایی کلام و هنر آفرینندگی نیز به لذت از ماجرا افزوده می شود.

در خواندن مطالب غیر داستانی هدف یافتن پاسخ يك پرسش، یا رفع يك کنجکاوی است. کودک ممکن است فقط قسمتی از کتاب را بخواند در این صورت باید او را آزاد گذاشت. ممکن است به چند کتاب در يك موضوع مراجعه کند و از هر کدام چند صفحه ای بخواند. در این صورت نیز باید امکان کار را برای او

مہیا کرد. بہمچنین امکان دارد طرح کتاب و مسائل آن چنان کنجکاوی او را برانگیزد کہ سراسر آن را بخواند. در این صورت نیز باید مانع کار او شد. این آموزگار و کتابدار یا پدر و مادر هستند کہ با مشاہدہ نوع خواندن کودک یا از روی پرسشہای او بہ ہدفش پی می برند و احياناً او را بہ سوی منابع جدید راہنمایی می کنند.

ہدف از خواندن مجلہ سر گرم شدن، یافتن آخرین اطلاعات علمی و فنی در رشتہ های مختلف و مطلع شدن از مہمترین اخبار دنیا و کشور است. بنابراین ہر قسمت مجلہ با در نظر گرفتن ہدف دیگری خواندہ می شود. مہم توجہ آموزگار و کتابدار و پدر و مادر بہ انتخاب بہترین و سالمترین نوع مجلہ برای کودکان و حتی نوجوانان است. در خواندن انواع مطالب، کودک و نوجوان تطبیق لازم را ایجاد می کند.

در وهلہ سوم شناخت مراحل خواندن اہمیت دارد. این مراحل از سویی بہ قدرت خواندن طفل و از سوی دیگر بہ نیازمندیہای ہر گروہ سنی ارتباط پیدا می کنند. با تماشای کتابہای تصویری، کودک خردسال شروع بہ تصویر خوانی می کند. بعد بہ خواندن داستان آن می پردازد، سپس بہ داستانہای کوتاہ نوع افسانہای رومی آورد و مجموعہ داستان می خواند و تنہا در دہ و یازدہ سالگی است کہ قدرت خواندن داستانہای بلندتر را پیدا می کند و بہ کتابہای غیر داستانی جدی تر علاقہ مند می شود. اگر کتابخوان خوبی باشد از شرح حالہا نیز لذت می برد، گذشت از این مراحل در کودکان یکسان نیست و مہم توجہ آموزگار و کتابدار و پدر و مادر بہ چگونگی سیر این مراحل در تک تک کودکان است و پیشنہاد و خرید کتابہای متناسب با ہر مرحلہ. صامت خوانی، چگونگی خواندن متنہای مختلف، داستانی و غیر داستانی و شعر، چگونگی خواندن با ادراک واقعی و دریافت مفہوم اصلی و فرعی در ہریند و ہمچنین تندخوانی و شناخت ادبی، اینہا مسائلی است کہ کودکان دبستان آنہا را در طی کار با کتابہای درسی خود می آموزند و با خواندن کتابہای غیر درسی تمرین و تکمیل می کنند.

بنابراین می‌توان گفت مطالعه صحیح آن نوع مطالعه‌ایست که فرد مطابق با هدف و با داشتن مهارت‌های لازم برای آن انجام می‌دهد.

تبدیل علاقه به عادت

با انواع فعالیت‌هایی که در قسمت دوم ذکر آن رفت علاقه به مطالعه را می‌توان در کودکان سنین مختلف ایجاد کرد ولی برای آن که این علاقه به عادت تبدیل شود، مثل هر امر آموزشی و پرورشی دیگر، سه کار باید بطور مداوم انجام شود، و مراحل ذیل را شامل گردد:

الف- پی‌گیری کار مطالعه بطور منظم.

ب- ارزشیابی غیر مستقیم.

ج- ایجاد همکاری بین آموزگار و کتابدار و خانواده در این

زمینه.

الف- پی‌گیری کار مطالعه بطور منظم، با داشتن برنامه خاص کلاس امکان پذیر است. عموماً آموزگار ثابت هر کلاس آن را به عهده می‌گیرد. و علاوه بر کاری که ضمن تدریس مواد مختلف در جهت توسعه کتابشناسی و کتابخوانی شاگردان خود انجام می‌دهد، با اختصاص يك ساعت مطالعه در برنامه هفتگی به انواع فعالیت‌هایی که در قسمت دوم نامبرده شد، می‌پردازد. در بعضی از مدارس کوچک این برنامه را کتابدار و آموزگار مشترکاً انجام می‌دهند. در هر صورت کتابخانه نیز باید برنامه‌های خاص خود را اجرا کند. آموزگار ثابت کلاس می‌تواند به‌خوبی این برنامه را با برنامه‌های کار دستی و نقاشی هماهنگ کند و نتایج جالبی از آن بدست آورد.

ب- ارزشیابی غیر مستقیم: آموزگار و کتابدار با توجه به کتابهایی که کودک از کتابخانه می‌گیرد، و با پرسشنامه‌هایی که دقیق و خوب تنظیم شده و با توجه به نحوه شرکت دانش آموز در ساعت مطالعه و بحث‌ها و پرسش‌هایی که پیش می‌کشد، با ترتیب بعضی فعالیت‌های فردی و گروهی مثل درست کردن روزنامه دیواری

یا تنظیم مجله کلاس یا نوشتن داستان بهترین کتابی که خوانده، باید بطور مداوم از میزان و نوع مطالعه شاگرد اطلاع یابد و برنامه ساعت مطالعه کلاس و کتابخانه و راهنماییهای انفرادی خود را با آن مطابقت دهد و تنوع و عمق لازم را در آن ایجاد کند. عادت به مطالعه کتابهای داستانی زودتر از عادت به مطالعه کتابهای غیر داستانی به وجود می آید و این امر طبیعی است. آموزگار و کتابدار برای سوق دادن کودکان به سمت کتابهای غیر داستانی با برنامه مشترک، دست به معرفی کتابهای جالب علمی، مسابقات و بازیها و انجام آزمایشها می زنند. این برنامه ها را «برنامه های محرك» می نامیم که پس از ارزشیابی و نتیجه گیری تنظیم آنها بسیار سودمند است. این ارزشیابی در جهت خانواده نیز انجام می شود و والدین با پر کردن پرسشنامه ای که حاوی سئوالاتی درباره میزان و نوع کتابخواندن فرزندشان است هم به این امر توجه پیدا می کنند و هم اطلاعات لازم را در اختیار آموزگار و کتابدار می گذارند.

ج- همکاری بین آموزگار، کتابدار و خانواده: کودک مطالعه آزاد را کمتر در دبستان و بیشتر در خانه و در اوقات فراغت انجام می دهد. در گذشته فراوان بودند والدینی که بادیدن مجله یا کتاب غیر درسی فرزند خود را سرزنش می کردند که «برو درست را بخوان» و حتی او را تنبیه می کردند. این والدین هنوز هم کم نیستند و بدون شك مانع ایجاد عادت به مطالعه می شوند. در همین زمینه آموزگاران نیز گاه مقصرند، مثلا درس حاضر نکردن و عدم موفقیت شاگردی را در اثر مطالعه کتابهای غیر درسی می دانند. به تحقیق ثابت شده است که شاگردان ضعیف هر کلاس آنهایی هستند که مطالعاتشان به کتاب درسی محدود می شود و از مطالعه آزاد که در پیشرفت و تحکیم آموزش اثر مفیدی دارد محرومند.

اگر آموزگار مشوق کودکان به مطالعه باشد و تکالیف خود را متناسب و جالب توجه معین کند و از مطالعات کودکان تا حدودی در تعیین آنها استفاده کند کودکان در انجام تکالیف دچار دلسردی

وبی علائقی نمی‌شوند. اگر پدر و مادر نیز مشوق فرزند خود در کسب دانش به‌معنای وسیع باشند و برای او کتابخانه کوچکی ترتیب دهند و به او یاد بدهند اوقات کار مدرسه و فراغت خود را تنظیم کند و کتابدار هم به عنوان رابط و هماهنگ کننده نقش خود را به‌طور کامل ایفاء کند، مطالعه طفل خیلی زود تبدیل به عادت می‌شود.

مطالعه انحرافی و طرز درمان آن

تبدیل علاقه به عادت در کودکان مختلف همیشه یکنواخت و یکسان و بدون دشواری انجام نمی‌شود. عکس‌العملها، علاقه-مندیها، تأثیرات محیط اجتماعی در کودکان متفاوت است و همین امر انحرافات را در مطالعه به‌وجود می‌آورد که مهمترین آنها را می‌توان بترتیب زیر طبقه بندی کرد:

الف- کودکی که علاقه‌مند به مطالعه نمی‌شود.

ب- کودکی که در یک جهت معین مطالعه می‌کند.

ج- کودکی که کتابهای نا مناسب می‌خواند.

د- کودکی که از مطالعه دل‌سرد می‌شود.

الف- کودکی که علاقه‌مند به مطالعه نمی‌شود - در هر کلاس و

در هر گروه از کودکان چنین استثناهایی وجود دارند که حوصله نشستن و سر در کتابی فرو کردن را ندارند. کتابدار و آموزگار و پدر و مادر در چنین مواردی باید سعی کنند اولاً علت عدم علاقه را کشف کنند (جنب و جوش فراوان - کمبود قدرت خواندن - توجه و علاقه بیشتر به کارهای عملی - نشناختن کتاب مورد توجه)

ثانیاً باید در صدد رفع این علت برآیند. مثلاً برحسب تصادف کتابی را که حاوی تصاویر و مسائل مورد علاقه او هست در محلی در دسترس او بگذارند و باو اجازه دهند آزادانه از آن استفاده کند. یا در حضور او بادیگران درباره داستان شیرینی که خوانده‌اند بحث کنند و یا در کار عملی او شرکت کرده در مورد اشکالی او را به دنبال کتابی بفرستند که در آن راه رفع اشکال

دیده می‌شود. یا در فرصتهای استراحت برای او داستان بخوانند اگر این عدم علاقه زود کشف شود زود هم می‌توان با تدابیر خاص آن را برطرف کرد.

ب- کودکی که فقط در يك جهت می‌خواند - هستند کودکانی که فقط کتابهای داستانی می‌خوانند و از کتابهای غیر داستانی رویگردانند و بالعکس هستند گروهی که کتابهای داستانی را تحقیر می‌کنند و معتقدند که خواندن آنها یعنی وقت تلف کردن. هر قدر گرایش در دستۀ اول طبیعی است، در دستۀ دوم تحت تأثیر بزرگترها بوجود آمده است. این انحراف را می‌توان با معرفی و بحث درباره کتابهای زبده در هر رشته برطرف کرد و تعادل لازم را در انواع خواندن به وجود آورد. در انتخاب کتاب باید دقیقاً زمینه‌های مورد علاقه کودکان مورد توجه را در نظر داشت.

ج- کودکی که کتابهای نا مناسب می‌خواند - این دسته از کودکان زیادند. زیرا قسمت بزرگی از کار تولید مجلات و کتابها در عصر ما جنبه تجارتي دارد و با انتشار کتابهای مبتذل و با تصاویر رنگین و یا مجلاتی که خشونت و تجاوز و جنایت موضوع اصلی داستانهای آنهاست جهت خواندن کودکان از مسیر صحیح و سالم خارج می‌شود و جنبه بیمارگونه‌ای که حالت اعتیاد دارد پیدا می‌کند. رفع این انحراف دشوارتر و طولانی‌تر است و احتیاج به پی‌گیری و همکاری بیشتر خانواده، آموزگار و کتابدار دارد. سرمنشأ این انحراف دبستان نمی‌تواند باشد زیرا کتابهای تجارتي و مجلات مبتذل در کتابخانه دبستان راه ندارند. عموماً خانواده مسبب است زیرا در آن برای انتخاب انواع کتابها یا مجلات کمتر دقت می‌شود. گاهی نیز گروه کودکان کوچه وسیله انتقال اینگونه کتابها هستند. اول باید خانواده را معتقد به انتخاب دقیق و اصلح کرد بطوری که اینگونه مطالب خواندنی در دسترس نباشند دوم باید گروه کودکان را مورد بررسی قرار داد تا چنانچه آنها هم چنین مطالبی می‌خوانند، با معرفی به کتابخانه‌های عمومی کودکان به کتابهای خوب دسترسی پیداکنند. سوم با معرفی کتابهای پرمایه

ولی سالم و خواندن آن برای اینگونه کودکان باید بتدریج اعتیاد آنها را برطرف کرد و چهارم با ایجاد بحثهایی در کلاس یا در گروه کودکان دربارهٔ مطالب خواندنی تجارتي و معایب آن عملاً ذهن آنها را نسبت به اینگونه مطبوعات روشن ساخت.

ج- کودکی که از مطالعه دلسرد شده است: این حالت طبیعی است و اغلب پیش می‌آید. گاهی از خستگی جسمی است، گاه از عدم شناسایی کتابهای مطابق با نیازمندیهای سنی. گاه در اثر مطالعهٔ کتابهای سنگین و غیر قابل درك به وجود می‌آید. در این هنگام باید مدتی کودک را به حال خود گذاشت و به دنبال علت این دلسردی رفت. ولی بعد با تشویق او به خواندن کتابی بسیار جالب و مطابق با روحیه‌اش، یا شرکت دادن او در يك جلسهٔ معرفی کتاب از راه نمایشنامه، و یا نمایش فیلمی شوق‌انگیز عملاً این دلسردی را از میان برداشت. گاهی پدران و مادران یا آموزگاران قسمتی از داستان جالبی را می‌خوانند و به قسمت هیجان‌انگیز آن که رسیدند به بهانه‌ای خواندن آن را متوقف می‌کنند. هشتاد در صد از کودکان کتاب را پیدا کرده پایان داستان را می‌خوانند و از تولدت مطالعه برایشان زنده می‌شود.

فصل هشتم

طرز تشکیل و اداره کتابخانه‌های آموزشگاهی

کتابخانه جزء لاینفکی از يك آموزشگاه واقعی است و در تمام امور آموزشی و پرورشی نقشی فعال، سازنده و مکمل دارد. چون علاقه و عادت به مطالعه در آموزشگاه پایه‌گذاری می‌شود، لذا آموزشگاهی که مجهز به کتابخانه فعال نباشد در واقع نیمی از وظیفه آموزشی خود را انجام نمی‌دهد. چنین سازمانی جهان‌بینی و رشد عاطفی و فکری اطفال را در چهارچوب مفاهیم کتاب درسی محدود نگه می‌دارد. با توجه به پیشرفت مداوم علوم و فنون و فرهنگ و هنر در جهان امروزی دانش‌آموزی که معلوماتش به کتب درسی محدود گردد و عادت به مطالعه نداشته باشد در واقع بایسوادى که قدرت خواندن و نوشتن را بدست نیاورده است اختلاف چندانی ندارد و به گفته علمای تعلیم و تربیت پس از دیدن يك دوره آموزش، مجدداً به‌دنیای بیسوادان سقوط می‌کند و اعتبار معلوماتش از دست می‌رود.

برای اینکه آموزش بطور مداوم ادامه پیدا کند و دانش-آموزان قدرت مطالعه صحیح و خودآموزی را بدست آورند و با هماهنگی ساختن معلومات خود با تازه‌ترین پیشرفتها چه در زمینه فرهنگ عمومی و چه در رشته حرفه‌ای خود از سقوط به سطح بیسوادى جلوگیری کنند فقط وجود کتابخانه در آموزشگاه کافی نیست بلکه هر معلمی باید:

- با سازمان و وظایف کتابخانه بطور دقیق آشنا باشد.
- منابع و مجموعه کتابهای آن را بشناسد.
- بتواند بطور مستقل آن را تشکیل دهد و اداره کند.
- طرز علاقه‌مند کردن و عادت‌دادن دانش‌آموزان را به مطالعه و مراجعه به منابع مختلف بداند.
- بتواند در هر پایه در این زمینه با در نظر گرفتن شرایط محیط زندگی دانش‌آموزان، امکانات سازمان، و نوع دانش‌آموزان، برنامه صحیح و قابل عملی را ارائه بدهد و اجرا و ارزشیابی کند.

انواع کتابخانه و مشخصات

- کتابداری علمی، کتابخانه را به انواع مختلف تقسیم می‌کند که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:
- ۱- کتابخانه‌های آموزشی: مانند کتابخانه‌های مدارس، مؤسسات آموزشی در سطوح مختلف و دانشگاهها.
 - ۲- کتابخانه‌های اختصاصی: مانند کتابخانه‌های وزارتخانه‌ها، ادارات و مؤسسات فنی که فقط در یک رشته یا چند رشته معین مجموعه کتابهای لازم را جمع‌آوری می‌کنند.
 - ۳- کتابخانه‌های ملی: این کتابخانه‌ها در هر کشوری وظیفه دارند هر آنچه را که چاپ می‌شود، جمع‌آوری و طبقه‌بندی و نگه‌داری کنند و در اختیار علاقه‌مندان بگذارند.
 - ۴- کتابخانه‌های عمومی: این کتابخانه‌ها که معمولاً در هر ده و برزن و منطقه و شهری به وجود می‌آیند وظیفه دارند در تمام رشته‌های مختلف علوم و فنون و فرهنگ و هنر و فعالیت‌های انسانی، کتابها و مجلات سودمند و جدید را جمع‌آوری کرده در اختیار مردم بگذارند و با برنامه‌های مداوم و متنوع در زمینه‌های مختلف سطح آگاهی و معلومات مردم را گسترش بدهند و بالا ببرند.
- کتابخانه آموزشی از طرفی کتابخانه‌ایست آموزشی زیرا یکی از وظایف اساسی آن کمک به اجرای برنامه‌های آموزشی به معنای واقعی است و باید انواع کتب درسی و کمک‌درسی و کتابهای غیر داستانی را درباره علوم و تعلیمات اجتماعی و سایر

رشته‌های آموزش را داشته باشد و مراجع و منابع معتبر و مناسبی در اختیار دانش‌آموزان بگذارد. از طرف دیگر عمومی است زیرا مثل دانشکده طب فقط رشته خاصی از دانش بشری در آنجا مطرح نیست، بلکه کتاب در همه رشته‌ها در سطح ساده و قابل درکی باید در اختیار اطفال باشد و علاوه بر آن انواع کتابهای داستانی و جالب توجه برای برانگیختن رغبت به مطالعه و گسترش میدان تجربیات انسانی آنها نیز باید وجود داشته باشد. کتابخانه آموزشیگاهی مانند کتابخانه عمومی باید برنامه‌های متنوع و مفید برای آشناساختن اطفال با آخرین تازه‌های علمی و اجتماعی قابل درک برای آنها داشته باشد.

کتابخانه مرکزی، کتابخانه کلاس یا هر دو نوع کتابخانه‌ها

کتابخانه مرکزی در آموزشگاه یعنی اتاقی اختصاصی برای کتابخانه با همه منابع مختلف آن و سالی برای قرائت کتاب و فعالیت‌های دیگر مربوط به نحوه علاقه‌مند کردن به مطالعه. یا کتابخانه و سالن قرائت توأم، یعنی مرکزی برای مراجعه کلیه اطفال و محیطی فعال با برنامه‌های اختصاصی خارج از محدوده برنامه‌های درسی که اداره آن توسط گروه معلمان به نوبت، معلم کتابدار یا کتابدار تحصیل کرده و متخصص صورت می‌گیرد.

کتابخانه کلاس، یعنی قفسه‌ای در کلاس با مجموعه‌ای از کتابهای مناسب برای شاگردان آن کلاس. تعدادی کتب مرجع متناسب با برنامه درسی و امکان دسترسی شاگردان به این کتب بطور مداوم و اداره آن توسط معلم و شاگردان همان کلاس. درباره این که کدام یک از این کتابخانه‌ها سریعتر و همه‌جانبه‌تر دانش‌آموزان را به مطالعه علاقه‌مند می‌کند و عادت می‌دهد بحث و گفتگو خاتمه نیافته است.

کتابخانه کلاس دارای محاسن زیر است:

الف - کتاب‌همواره و در تمام مواقع در اختیار دانش‌آموز قرار دارد و آموزگار می‌تواند از تمام فرصت‌های آزاد دانش‌آموزان برای راهنمایی آنها به مطالعه کتب غیر درسی استفاده کند.

ب - آموزگار بطور مداوم می‌تواند در میزان مطالعه و نوع مطالعه شاگردان خود نظارت داشته باشد و در مواقع لازم با معرفی کتابهای تازه و بحث انفرادی با دانش‌آموزان آنها را راهنمایی کند.

ج - محدوده کتاب‌درسی با وجود منابع و کتب مرجع در کلاس بطور دائم شکسته می‌شود و مفاهیم به صورت غنیتر و عمیقتر در کلاس به بحث گذاشته می‌شوند و در نتیجه دانش‌آموز و معلم هر دو بهره بیشتری از درس می‌برند.

د - مخارج کتابخانه کلاس کمتر است و آموزگار با شاگردانش راحت می‌توانند آن را اداره کنند.

با وجود این محاسن در کتابخانه کلاس این معایب نیز وجود دارد:
الف - دانش‌آموزان همواره به تعداد معینی کتاب دسترسی دارند و امکان انتخاب کتاب آنها محدود است. منابع کتابخانه مرکزی همواره غنی‌تر از کتابخانه کلاس است و شامل انواع تصاویر و نقشه‌ها و کتابهای مرجع، فیلم و صفحه می‌گردد. جمع‌آوری این منابع در کتابخانه کلاس میسر نیست.

ب - دانش‌آموزان يك کلاس از آشنایی با يك محیط اجتماعی و برنامه‌های خاص آن که عموماً بالاتر از سطح کلاس است محروم می‌شوند و اثر تربیتی اینگونه برنامه‌ها و فعالیتها حذف می‌شود.
ج - کتابدار به دلیل نداشتن هیچگونه مسئولیت نمره‌دادن و تماس نزدیک و آزاد با دانش‌آموزان عموماً می‌تواند جوانب تازه‌ای از روحیه و علاقه‌مندیهای کودکان را کشف کند و در اختیار آموزگار بگذارد و گاه به‌عنوان مربی واسطه عمل کند. در نبودن کتابخانه مرکزی این امکان پر ارزش از بین می‌رود.

در حال حاضر وجود کتابخانه مرکزی و کلاس هر دو توصیه می‌شود و آموزشگاههای کاملاً مجهز در کشورهای متری از هر دو نوع کتابخانه استفاده می‌کنند. در کشور ما هر سازمانی می‌تواند با توجه به امکانات مالی و مکانی خود کتابخانه‌های کلاس و یا کتابخانه مرکزی و یا هر دو نوع را برای استفاده کودکان بوجود آورد. در هر صورت وجود کتابخانه مرکزی نباید مانع از

تأسیس کتابخانه کلاس توسط آموزگار بشود و بالعکس. مهم این است که از هر فرصت و امکانی برای آشناساختن و علاقه‌مند کردن و عادت‌دادن کودکان به مطالعه کتب سودمند استفاده شود.

کتابخانه با مخزن باز یا با مخزن بسته

محلی که کلیه کتابها و منابع دیگر يك کتابخانه در آن جمع-آوری و طبقه‌بندی و منظم می‌شود «مخزن» کتابخانه نام دارد. «مخزن باز» به مخزنی می‌گویند که خوانندگان و مراجعه‌کنندگان مستقیماً و بطور آزاد به آن دسترسی دارند و هیچ مانعی در سر راه آنها وجود ندارد.

«مخزن بسته» به مخزنی می‌گویند که خوانندگان و مراجعه‌کنندگان برای یافتن کتاب مورد نظر خود باید به برگه‌های کتاب یا فیش‌ها مراجعه کنند. و سپس درخواست کتاب بنویسند و کتابدار آن را در مخزن پیدا کرده و در مقابل رسید به آنها بدهد. در واقع به اصل کتاب بطور آزاد و مستقیم دسترسی ندارند.

شکی نیست که در يك کتابخانه با مخزن باز خواننده در حین جستجو برای یافتن کتابهای مورد نظر خود با تعداد زیادی کتابهای دیگر در همان زمینه و در همان رشته آشنا می‌شود و با «وررفتن» به آنها یعنی با خواندن عنوان و نام نویسنده و فهرست مطالب و احیاناً تماشای تصاویر، مطالب زیادی می‌آموزد که در کتابخانه با مخزن بسته چنین امکانی برایش وجود ندارد. در کتابداری علمی و در تعلیم تربیت به این نتیجه رسیده‌اند که این «وررفتن» با کتاب گرچه مطالعه جدی نیست ولی از نظر آشنایی، ایجاد علاقه و عادت‌دادن، مرحله بسیار حساس و با ارزشی است که نمی‌توان و نباید از آن صرف‌نظر کرد. بستن مخزن تنها بدلیل حفاظت کتابها در حالی که هدف آشناساختن خوانندگان جوان با انواع کتابهاست در واقع نفع غرض است. به همین سبب تنها کتابخانه با مخزن باز مطرح است خواه کتابخانه کلاس باشد و خواه کتابخانه مرکزی. زدن قفل به گنج‌های کتابخانه و دورنگه‌داشتن کتابها از دسترسی اطفال و حذف کردن امکان و فرصت

وررفتن به انواع کتابها و دسترسی مستقیم به مراجع در واقع اشتباه بزرگی است که هیچ آموزگار و کتابداری نباید مرتکب آن بشود.

کتابخانه دائم و مجهز، کتابخانه موقت و غیرمجهز

کتابخانه دائم و مجهز، کتابخانه ایست که سالن و محل کار آن در طرح ساختمان مؤسسه در نظر گرفته شده است. تجهیز آن به انواع قفسه‌ها و میزها و صندلیها و وسایل خاص کتابخانه از ابتدا مورد نظر بوده است. بودجه علیحده دارد، خرید کتاب و آماده‌سازی آن قبل از افتتاح مدرسه انجام شده است. کتابدار متخصص به عنوان یکی از کارمندان ثابت و فنی مدرسه استخدام شده از حقوق و سایر مزایای شغلی برخوردار است. کتابخانه دائم و مجهز مانند تمام کلاسها برنامه خاص مطالعه و تنظیم شده خود را برای تمام سال داراست و وظایف کتابدار و آموزگاران در آن کاملاً مشخص است.

کتابخانه موقت و غیر مجهز کتابخانه ایست که به ابتکار آموزگار و مدیر علاقه‌مند و با کمک و همکاری اطفال و اولیاء آنها در کلاس یا در مؤسسه تشکیل می‌گردد. تجهیزات آن از امکانات موجود تهیه شده است. محل آن گاه در دفتر، گاه در راهروی آموزشگاه و گاه در انبار یا اتاق اضافی سرایدار است. و گاه بصورت قفسه‌ای در یکی از کلاسها درمی‌آید. این کتابخانه به کمک مدیر و آموزگاران و اطفال بزرگتر اداره می‌شود. برنامه‌های آن موقت است و مطابق با امکانات در شورای آموزگاران تنظیم می‌شود.

در شرایط کنونی کشور ما، که تعلیم و تربیت نوین بتدریج راه خود را می‌گشاید و گسترش پیدا می‌کند اگر هر مؤسسه‌ای بخواهد به انتظار تشکیل و تجهیز کتابخانه از طرف متصدیان امور بماند عملاً کاری انجام نداده است و موجب رکود و عقب‌ماندگی دسته‌های متعددی از اطفال شده است. بنابراین باید از کتابخانه کلاس شروع کرد و بتدریج کتابخانه موقت و

غیر مجهز را بوجود آورد و سپس با تشویق و ترغیب اولیاء کودکان و اهل محل، پایه‌های ایجاد کتابخانه دائم و مجهز را گذاشت و در این راه پیش رفت.

تشکیل کتابخانه دبستان

در اینجا به سادگی آنچه مربوط به تشکیل کتابخانه دبستان است مورد بحث قرار گرفته است، تا بتواند برای دیگر مؤسساتی که علاقه‌مند به تشکیل کتابخانه هستند نیز مورد استفاده قرار گیرد. نخست باید دانست که برای تشکیل و اداره کتابخانه، آئین‌نامه دبستان مواد مشخص و معینی پیش‌بینی کرده است و اجرای یکایک این مواد را به عهده مدیر و معاون و آموزگاران گذاشته است. (در این قسمت هر کجا که لازم باشد عین مواد آئین‌نامه آورده می‌شود.)

مسائلی که بترتیب برای تشکیل کتابخانه وجود دارد عبارتند از:

- الف - بودجه کتابخانه.
- ب - محل کتابخانه و تجهیزات آن.
- ج - انتخاب و خرید کتاب.
- د - ثبت کتاب.
- ه - طبقه‌بندی و فهرست‌نویسی کتابها.
- و - آماده‌سازی کتاب.

الف - بودجه کتابخانه

ماده ۲۸ - (از آئین‌نامه دبستان خرداد ۵۱)

«کتاب مورد نیاز دبستان هر ساله از طرف شورای آموزشی دبستان انتخاب و از محل بودجه دبستان یا مساعدتهای انجمن خانه و مدرسه تهیه می‌شود.»

ماده ۹۹ - وظایف هیئت‌مدیر انجمن خانه و مدرسه. بند شش: «همکاری صمیمانه در ایجاد آزمایشگاه، کتابخانه، زمین و

سالن ورزش و...»

این دو ماده از آیین نامه بطور صریح مشخص می کنند که بودجه کتابخانه قسمتی از بودجه دبستان و انجمن خانه و مدرسه است و از این دو محل تأمین می گردد. علاوه بر آن تشکیل کتابخانه دبستان از وظایف آموزشی رئیس دبستان است.

بند ۱۶ از ماده ۶ از فصل اول آیین نامه وظایف آموزشی و پرورشی رؤسای دبستانها: «تشکیل کتابخانه و جمع آوری کتب سودمند یا همکاری آموزگاران و فراهم ساختن موجبات استفاده آموزگاران و دانش آموزان از آنها».

با وجود این مواد آیین نامه هر مدیر دبستان و هر آموزگار علاقه مندی می تواند عملاً برای تهیه بودجه کتابخانه با کمک انجمن خانه و مدرسه اقدام کند و بنا بر احتیاجات کتابخانه بودجه ثابتی برای خرید کتاب و قفسه ها و سایر لوازم کتابخانه در نظر بگیرد. در این زمینه دبستانهای کشور ما طرحها و ابتکارهای جالبی داشته اند. اینک چند نمونه از این ابتکارها:

۱- تنظیم فهرست کتابهای مناسب و تهیه این کتابها به کمک دانش آموزان به عنوان عضویت سالانه کتابخانه (اهداء يك كتاب مفید).

۲- ترتیب جشن کتاب با همکاری انجمن خانه و مدرسه و تخصیص عواید حاصل از فروش بلیط آن برای تهیه لوازم و اثاثیه کتابخانه.

۳- ترتیب بازاری از کارهای دستی دانش آموزان (انواع لباسهای نوزاد - پیش بندهای ساده - وسایل آشپزخانه - انواع لباسهای بافته شده وسایل زینتی خانه - کارتهای تبریک - وسایل بازی برای کودکان خردسال و شیرینیهای خانگی و...) و تهیه کتابهای سودمند از عواید فروش آنها.

۴- تشکیل صندوق پس انداز کتابخانه. (هر يك از دانش آموزان مبلغ مختصری از پس انداز خود را به این صندوق می ریزد.) تا زمانی که بودجه مشخص و ثابتی برای کتابخانه های آموزشگاهی در نظر گرفته نشده است نباید روی دست گذاشت و منتظر ماند، بلکه باید از همه امکانات موجود برای

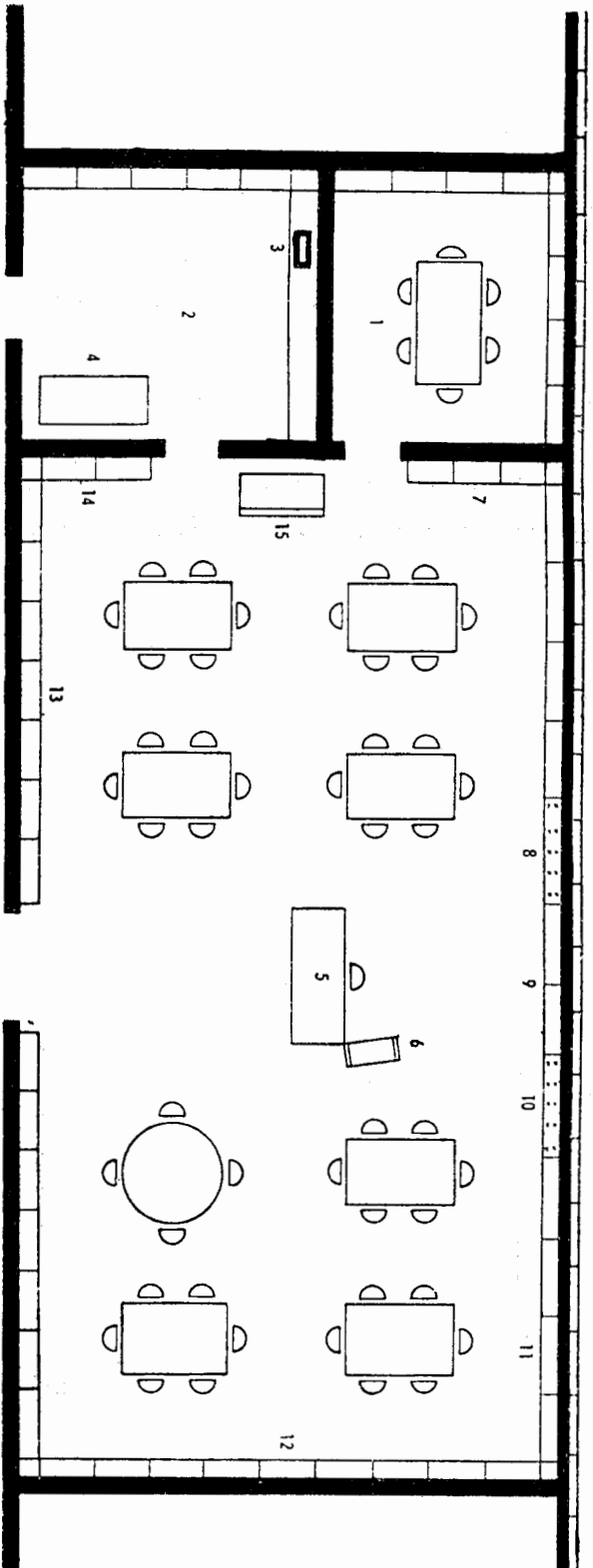
تأمین و تجهیز کتابخانه استفاده کرد.

ب - محل کتابخانه و تجهیزات آن^۱

ماده ۲۶ آیین نامه: «در هر دبستان باید کتابخانه‌ای برای مطالعه دانش‌آموزان تهیه شود تا در فرصتهای مناسب به مطالعه کتاب بپردازند.» کاملاً روشن است که متأسفانه در اکثر مدارس نو بنیاد و نوساز کشور ما محل کتابخانه در نظر گرفته نشده است و به همین سبب با توسعه آموزش و پرورش نوین و روشهای تازه تدریس، کتابخانه‌های مدارس در کلاسها و حتی در انبارها و راهروهای مدرسه بوجود می‌آیند. این وضع به تدریج تغییر خواهد کرد. به همین دلیل همهٔ مربیان باید با مشخصات یک کتابخانه واقعی آشنا باشند تا بتوانند برای ایجاد آن راهنماییها و همکاریهای لازم را بکنند.

محل کتابخانه باید هم در دسترس دانش‌آموزان همهٔ کلاسها و هم دور از محیطهای پر سر و صدا مثل زمین ورزش و ناهار - خوری باشد. در عین حال چون بسیاری از کتابخانه‌های مدارس نقش کتابخانهٔ عمومی کودکان را نیز در مدت تعطیلات تابستان بعهده دارند لذا باید بتوان با ایجاد در جداگانه رفت و آمد به آن را از سمت کوچه و خیابان آسان ساخت. وسعت آن باید طوری باشد که همواره بیشتر از تعداد شاگردان یک کلاس جای نشستن و مطالعه در آن باشد (۴۸ محل برای ۳۰۰ دانش‌آموز و ۳۰ جای اضافی برای عدهٔ بیشتر از ۵۰۰ دانش‌آموز). برای یک دبستان ۶۰۰ نفره تالار مطالعه‌ای به ابعاد ۱۸ × ۹ متر و دو اتاق اضافی هر یک به ابعاد ۴ × ۴ متر یکی برای کار گروهی دانش‌آموزان و جلسات و دیگری برای آماده‌ساختن کتاب، دیدن فیلم استریپها، اسلایدها، شنیدن نوار و ضبط صوت و احیاناً صفحات مختلف و تالاری برای جلسات کوچک احتیاجات اساسی را برطرف خواهد کرد.

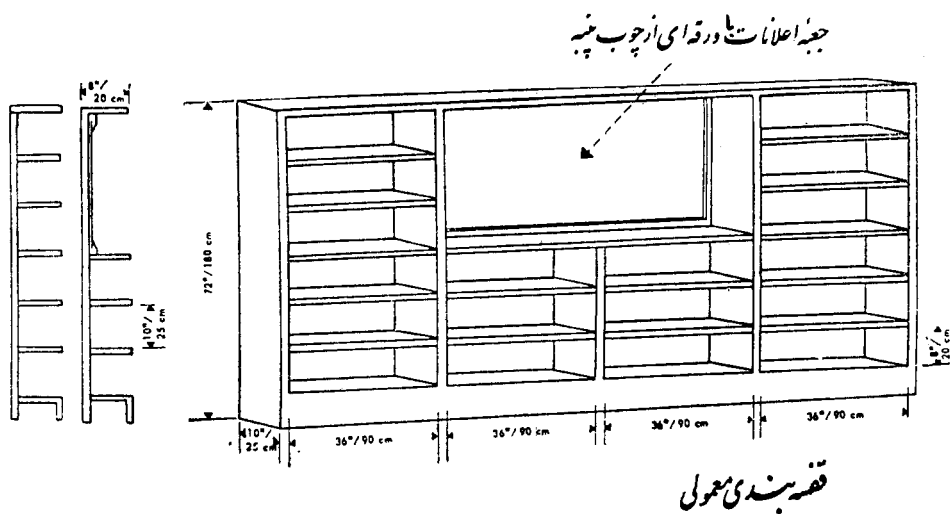
۱ - تصاویر و طرحهای این قسمت از کتابهای «سازمان و وظایف کتابخانه‌های دبستانی»



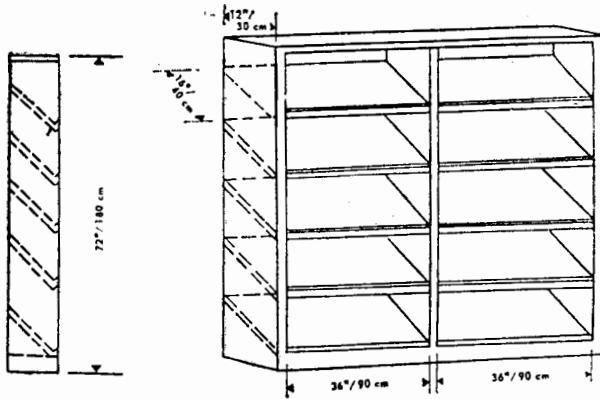
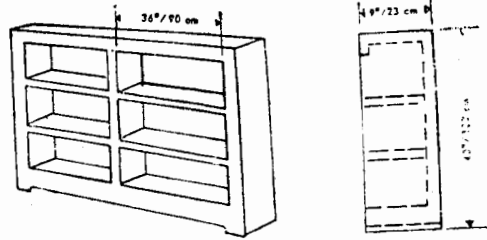
طرح و تقسیمه یاک کتا انجا ای کورجک سدرسه

رنگ دیوارها و اثاثیه کتابخانه باید ملایم، زیبا و دلنشین باشد. کتابخانه باید از نور طبیعی و کافی برخوردار باشد. و سقف و کف آن طوری ساخته شده و پوشیده شده باشد که تولید و انعکاس صدا را به حداقل برساند. بطور کلی همه چیز باید در کتابخانه، آرامش، آسایش، تمرکز فکر، ذوق و سلیقه و زیبایی و گرما و صمیمیت خاصی را تلقین کند.

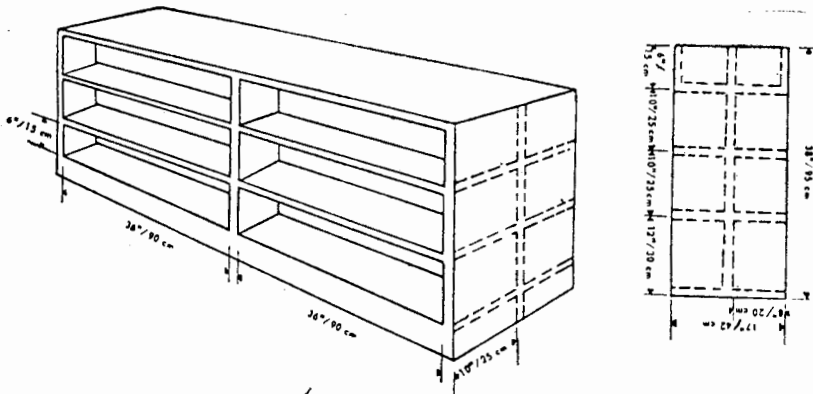
تجهیزات کتابخانه عبارتند از: انواع قفسه بندیهای کتاب، گنجه های مخصوص، میزها و صندلیها، میز تحریر کتابدار، جای برگه های کتاب (فیشیر) کلاسور عمومی و فلزی که تصویر هر يك از انواع آن با ابعاد مورد نظر در این قسمت دیده می شود.



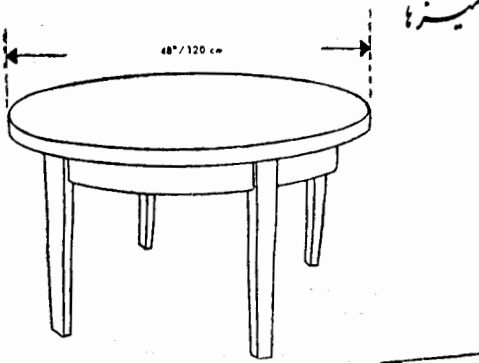
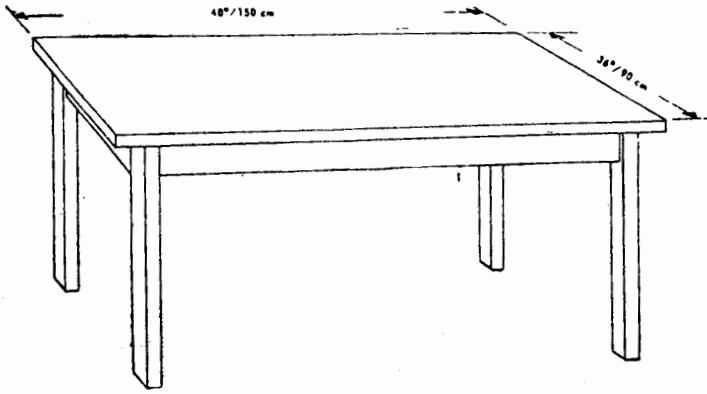
قفسه بندی با ارتفاع مناسب



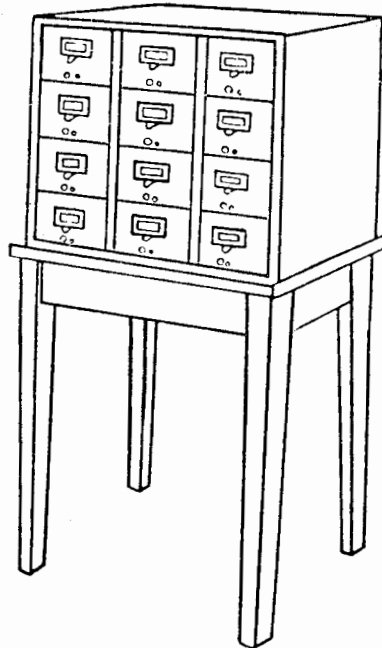
قفسه بندی برای مجلات متناوب



قفسه کوتاه دو طرفه



فیشہ کابینہ



ماده ۲۸ آیین‌نامه دبستان که در قسمت بودجه کتابخانه عین آن نقل شد، تصریح می‌کند که خرید کتابهای پیشنهادی و تشخیص مفید و مناسب بودن آن به عهده شورای آموزشی دبستان است. بدین ترتیب پیشنهاددهندگان خرید کتاب آموزگاران هستند. باید دید آموزگاران نخست برای انتخاب کتاب چه منابع و راهنماهایی را در اختیار دارند. نخست باید دانست که کتابخانه مدرسه جای دودسته از کتابها نیست: دسته اول کتابهای نامناسب و مبتذل، تلخیص شده و بدچاپ با اغلاط بسیار و با فارسی ناصحیح (رجوع شود به ملاکهای ارزشیابی در فصل چهارم). دسته دوم کتابهای سنگین ادبی و علمی و فنی که اطفال قدرت خواندن و درک آنها را نداشته، جز گرفتن جا و خاک خوردن نقش دیگری ندارند.

تعداد کتابهای لازم در يك کتابخانه به نسبت دانش‌آموزان معین می‌شود که حداقل ۵ جلد برای هر دانش‌آموز و حداکثر ۱۰ جلد تعیین شده است یعنی دبستانی با ۶۰۰ دانش‌آموز می‌تواند حداقل ۳۰۰۰ جلد و حداکثر ۶۰۰۰ جلد کتاب داشته باشد. برای انتخاب کتابهای مناسب، وظیفه آموزگار است که بطور مداوم کتابهایی را که برای کودکان منتشر می‌شوند مطالعه کند و با در دست داشتن ملاکهای ارزشیابی درباره هر يك فکر کرده، عقیده و نظر شخصی پیدا کند. به نقدهایی که در روزنامه‌ها و مجلات درباره این کتب و درباره ادبیات کودکان و مطالب خواندنی بطور کلی چاپ می‌شود توجه کند و با مطالعه و مقایسه آن با نظرات و تجربیات خود عمق و وسعت تازه‌ای به دید خود در این زمینه بدهد. باید بطور مرتب نشریات اختصاصی در زمینه انتشارات کودکان را مانند نشریه فصلی شورای کتاب کودک^۱، کارنامه ماهانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان^۲، خبرنامه انجمن کتابداران^۳ و پیک معلم و خانواده و انواع پیکهای

۱- شورای کتاب کودک، تهران صندوق پستی ۷۴۱.

۲- کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهران خیابان جم شماره ۳۱.

۳- انجمن کتابداران، تهران صندوق پستی ۱۳۹۱-۱۱.

كودك، نوآموز، دانش‌آموز و نوجوانان را مطالعه كند. آموزگاری كه خود اهل مطالعه باشد عموماً به كتابها و نشریات و مقالاتی برخوردار می‌كند كه از جهات مختلف قابل استفاده دانش‌آموزان هستند و می‌توانند ارزش مراجعه برای كارهای تحقیقی ساده را داشته، قابل پیشنهاد برای خرید یا تهیه باشند. برای سهولت كار آموزگاران و راهنمایی دانش‌آموزان برای مطالعه، منابع زیر نیز وجود دارد كه آموزگاران و دانش‌آموزان و والدین و كتابداران می‌توانند به آنها مراجعه كنند.

۱- فهرست كتب مناسب برای هر كلاس كه در انتهای كتابهای فارسی دبستان و دوره راهنمایی تحصیلی چاپ شده است.
۲- فهرست كتابهای مناسب برای كودكان و نوجوانان (تهیه‌كننده شورای كتاب كودك).

۳- فهرست كتابهای مناسب هر سال كه در نشریات فصلی شورای كتاب كودك منتشر می‌شود.

برای بررسی آثار جدید و آشنایی با آنچه چاپ می‌شود مراجعه به كتابشناسی ملی ایران نیز كه توسط كتابخانه ملی^۱ (وزارت فرهنگ و هنر) هر سه ماه یکبار چاپ می‌شود مفید است فقط باید در نظر داشت كه در این كتابشناسی كتابهای مناسب و نامناسب هر دو فهرست شده‌اند.

در انتخاب و تنظیم فهرست خرید كتاب برای كتابخانه مدرسه مسئله تنوع و تعادل انواع خواندنیها را باید در نظر گرفت. مثلاً اگر كتابخانه‌ای ۱۵۰۰ جلد كتاب داشته باشد كه در حدود ۱۲۰۰ جلد آن كتابهای قصه و افسانه باشند یا بالعكس ۱۰۰۰ جلد كتاب علمی داشته باشد با نیازمندیهای كودكان سنین دبستانی وفق نمی‌دهد.

در مورد اول نوعی انحراف خواندن در آنها ایجاد می‌كند و مورد دوم از رغبت و علاقه آنها به مطالعه خواهد كاست. برای ایجاد این توازن و تعادل، نسبتهای زیر می‌تواند راهنمای آموزگار و كتابدار باشد.

۱- كتابخانه ملی، تهران، خیابان قوام‌السلطنه.

موضوع	درصد
آثار عمومی (کلیات)	۲
فلسفه و اخلاق	$\frac{۱}{۴}$
دین، مذهب داستان خدایان و قهرمانان	۱
علوم اجتماعی	۳
زبان	$\frac{۱}{۴}$
علوم مطلق (خالص)	۱۲
علوم عملی	۸
هنرهای زیبا و سرگرمیها	۳
تاریخ، سفرنامه و شرح حال	۲۰
داستانها، قصه‌ها و افسانه‌ها	۲۰
کتابهای ساده برای سالهای اول دبستان	۲۵

(این جدول از کتاب «سازمان و وظایف کتابخانه‌های دبستانی» اثر مری پکوک دوگلاس اقتباس شده است.)

د- ثبت کتاب

چه در ابتدای خرید مجموعه کتابهای کتابخانه مدرسه و چه پس از آن هر بار که کتابهای تازه‌ای به صورت هدیه و یا به عنوان حق عضویت و یا خریدهای بعدی وارد کتابخانه می‌شود، باید کارهای زیر در مورد هر کتاب به طور مستقل انجام شود:

الف - بازرسی کتاب: از نظر کامل بودن صفحات، نداشتن پارگی و سایر نواقص در چاپ و صحافی.

ب - وارد کردن در دفتر ثبت: دفتر ثبت دفتر نسبتاً بزرگی است که به شکل زیر خط‌کشی شده است:

تاریخ ورود، تاریخ خرید یا اهداء کتاب روزی است که کتاب وارد کتابخانه می‌شود تا در مجموعه آن جایگزین گردد.

شماره ثبت، همان شماره ردیف دفتر است که از يك شروع می‌شود. به هر کتاب تازه‌ای که وارد کتابخانه شد يك شماره ثبت تعلق می‌گیرد.

شماره موضوعی، شماره‌ایست که بسته به موضوع کتاب که ادبیات باشد یا هنر یا تاریخ یا دین به آن تعلق می‌گیرد. (در مبحث بعد مفصلتر توضیح داده خواهد شد).

عنوان کتاب و نام مؤلف و مترجم، محل انتشار و ناشر و سال انتشار از روی صفحه عنوان کتاب که صفحه‌ایست پس از جلد و صفحه سفید داخلی که مشخصات کتاب را بطور کاملتر دربر دارد، استفاده از صفحه عنوان بهتر از استفاده از روی جلد است زیرا جلد کتاب چون جنبه تبلیغاتی خاص دارد همه مطالب لازم را بطور کامل دربر نمی‌گیرد.

پس از نوشتن تعداد صفحات و بهای هر جلد کتاب، تعداد جلد‌های خرید شده نیز نوشته می‌شود. این مسئله بخصوص از این نظر اهمیت دارد که برای کتابخانه مدرسه عموماً از يك کتاب بین سه تا پنج جلد خرید می‌شود.

در ستون ملاحظات نام شخص و یا سازمان اهداءکننده نوشته می‌شود یا با کلمه خریداری این نکته که باید هزینه خرید در دفتر حسابداری کتابخانه نیز وارد شود مشخص می‌گردد.

۵- فهرست نویسی و برگه نویسی، طبقه بندی کتابها و تهیه فیش یا برگه

«فهرست کتابخانه عبارت است از صورت مشخصات کتابها، جزوه‌ها، مجله‌ها، و نقشه‌ها، اطلس‌ها و وسایل سمعی و بصری که با روش خاصی تهیه شده باشد. فهرست کتابخانه راهنما و کلید مجموعه آن کتابخانه است.

فهرست نویسی یعنی شرح دادن مشخصات اثری به طریقی که آن اثر کاملاً معرفی شده باشد و شناخته شود تا مطالعه کننده بتواند کتاب یا مجله یا مواد سمعی و بصری مورد لزوم خود را تحت هر

نام و عنوان یا موضوع یا هر اطلاع دیگری که راجع به آن دارد فوراً پیدا کند و مطمئن باشد که اثر مورد نظر او در مجموعه کتابخانه وجود دارد یا ندارد^۱».

کتابداری هر روز بیشتر به صورت یک علم و فن پیشرفته در می‌آید و انجمن‌های ملی و بین‌المللی سعی دارند اصول علمی فهرست‌نویسی کتابها را در کشورهای مختلف هماهنگ سازند و قواعد و مقرراتی همگانی برای فهرست‌نویسی و برگه‌نویسی تنظیم کنند. برای این که مراجعه کنندگان به کتابخانه بتوانند در حداقل زمان کتاب مورد نظر خود را بیابند کتابها را از نظر موضوعی طبقه‌بندی می‌کنند و برای هر موضوع قفسه یا طبقه جداگانه‌ای در نظر می‌گیرند. نحوه مشخص کردن موضوعها و علامت‌گذاری آنها مختلف است. در حال حاضر در کشور ما کوشش بر آن است که روش ملویل دیویی^۲ عمومیت بیابد.

دیویی کلیه رشته‌های دانش بشری را بسته به موضوع خود به ۱۰ قسمت جداگانه تقسیم کرد و برای آنها از ۰۰۰ تا ۹۰۰ شماره‌هایی در نظر گرفت سپس برای شعب مختلف این رشته‌ها تقسیمات دهگانه تازه‌ای بصورت مثلاً ۹۱۰، ۹۲۰، ۹۳۰ و... معین کرد و به همین ترتیب کوشش کرد به اجزاء هر شعبه از هر رشته شماره دیگری بدهد و با گذاشتن ممیز امکان شماره‌گذاری را به همین نسبت گسترش دهد.

خلاصه اول روش دیویی به شرح زیر است:

کلیات	۰۰۰
فلسفه	۱۰۰
دین	۲۰۰
علوم اجتماعی	۳۰۰
زبان	۴۰۰
علوم خالص	۵۰۰

۱- فرنکیس شفا (امید) «راهنمای کتابداران».

۲- Melvil Dewey

علوم عملی	۶۰۰
هنرها و سرگرمیها	۷۰۰
ادبیات	۸۰۰
تاریخ	۹۰۰
جغرافی و سفرنامه	۹۱۰
شرح حال	۹۲۰

حال به عنوان نمونه علوم خالص را با شماره ۵۰۰ در نظر می‌گیریم: در خلاصه دوم بترتیب زیر تقسیم‌بندی می‌شود.

ریاضیات	۵۱۰
ستاره‌شناسی و علوم وابسته به آن	۵۲۰
فیزیک	۵۳۰
شیمی	۵۴۰
زمین‌شناسی	۵۵۰
فسیل‌شناسی	۵۶۰
زیست‌شناسی	۵۷۰
گیاه‌شناسی	۵۸۰
جانورشناسی	۵۹۰

در همین زمینه به عنوان نمونه در خلاصه سوم شماره ۵۹۸ به خزندگان و پرندگان تعلق دارد و بعد با گذاشتن یک ممیز و در نظر گرفتن دهم و صدم و هزارم می‌توان تقسیم‌بندی را گسترش داد.

با در نظر گرفتن نسبت کتابهای داستانی و غیرداستانی در کتابخانه مدرسه عموماً در طبقه‌بندی کتابها از خلاصه اول و دوم روش دیویی استفاده می‌شود و فقط زمانی که تعداد کتابهای کتابخانه از سه هزار جلد بیشتر باشد به خلاصه سوم مراجعه می‌شود. برای آموزگار کتابدار داشتن خلاصه اول لازم است و عموماً این خلاصه، را در اعلانی بزرگ برای شاگردان نیز می‌گذارند تا با آن آشنایی پیدا کنند و به آسانی کتابهای مورداحتیاج خود را بیابند. در موارد دیگر عموماً خلاصه دوم و سوم به صورت جزوه در اختیار کتابدار قرار می‌گیرد تا بتواند به آن مراجعه کند.

آموزگار یا کتابدار با مطالعه عنوان و فهرست مطالب کتاب و بررسی محتوی آن موضوع را مشخص می‌کند و شماره کتاب را به آن می‌دهد. این همان شماره موضوعی است که در دفتر ثبت، و در تمام برگه‌های کتاب تکرار می‌شود. علاوه بر شماره موضوعی حرف اول نام خانوادگی نویسنده زیر شماره‌ها داده می‌شود.

فهرست کتابخانه‌های مدرسه عموماً به صورت فهرست برگه‌ای تنظیم می‌شود. برگه کتاب کارتی است از مقوای سفید، نازک و در عین حال محکم به ابعاد بین‌المللی $7/5 \times 12/5$ سانتی‌متر که تمام مشخصات کتاب روی آن نوشته می‌شود. مشخصات کتاب عبارتست از: نام مؤلف - نام و عنوان کتاب - نام مترجم - ناظر یا ویرایشگر - مصور و نقاش - محل انتشار - ناشر - تاریخ انتشار - تعداد صفحات - سری یا سلسله انتشارات - چاپ اول یا تجدید چاپ (مشخصات کتاب در کتابخانه‌های عمومی و دبیرستانی و دانشگاهی مفصلتر است. در این‌جا تعدادی از اجزاء این مشخصات حذف شده است).

در کتابخانه دبستان برای هر کتاب حداقل ۳ برگه نوشته می‌شود. برگه اصلی یا برگه مادر یا برگه مؤلف، برگه موضوعی، برگه عنوان کتاب. در نوشتن این برگه‌ها باید کاملاً اصول بین‌المللی، علامات، فاصله‌ها، و ترتیب نوشتن رعایت گردد. آموزگار و کتابدار باید در این زمینه تمرین کافی داشته باشند. در اینجا چند نمونه از برگه‌های لازم برای کتابخانه دبستان ارائه می‌گردد.

برای کتابهای داستانی نیز همین برگه‌ها نوشته می‌شود منتها به جای شماره موضوعی در انگلیسی با حرف F به معنای Fiction، در فرانسه با حرف R بمعنای Roman و به فارسی با حرف د، داستان بودن کتاب را مشخص کرده دو حرف اول نام خانوادگی و حرف اول نام نویسنده نیز در برگه ذکر می‌گردد.

وقتی کار فهرست‌نویسی و برگه‌نویسی و طبقه‌بندی به پایان رسید، کتاب را برای امانت دادن آماده می‌کنند. آماده‌سازی کتاب شامل کارهای زیر می‌شود:

مهرزدن کتاب، هر کتابخانه‌ای برای خود مهر اختصاصی درست می‌کند، گاهی مدور و گاهی مستطیل شکل. بعضی از مدارس برای سهولت کار مهر خود را طوری تهیه کرده‌اند که بتوان از آن برای چند منظور استفاده کرد.

در این مهر نام مدرسه، شماره‌ثبت کتاب، شماره موضوعی کتاب و تعداد جلد‌هایی از این کتاب که در کتابخانه موجود است درج می‌گردد.

کتابخانه دبستان...

شماره ثبت کتاب...

شماره موضوعی یا جای کتاب...

تعداد جلد‌ها.....

این مهر يك بار پشت صفحه عنوان کتاب زده می‌شود و يك بار پایین صفحه آخر (آخرین صفحه شماره‌دار) و يك بار در صفحه مخفی کتاب زده می‌شود. صفحه مخفی صفحه‌ایست که هر کتابخانه برای خود قرار می‌گذارد و عموماً به عدد فرد ختم می‌شود مثل ۲۵، ۴۷، ۹۹ و به این ترتیب اگر جلد کتاب و یا صفحه آخر کتاب پاره یا گم شود همیشه می‌توان با این صفحه مشخصات لازم را یافت و تعلق کتاب را به کتابخانه ثابت کرد.

چسباندن جیب و برگه تاریخ برگشت کتاب و تهیه کارت کتاب: جیب کتاب، پاکتی است به شکلی که در تصویر (ص ۱۶۴۰) دیده می‌شود از جنس مقوا یا شمیز به رنگ شیری یا نخودی به اندازه‌های ۸ سانتیمتر در ۱۴ تا ۱۸ سانتی‌متر. این پاکت را در صفحه داخلی جلد (پشت جلد که ضخیمتر است) درست در وسط صفحه می‌چسبانند. روی جیب سمت راست بالا شماره موضوعی کتاب و سمت چپ بالا شماره ثبت کتاب نوشته می‌شود و سپس در پایین و وسط نام خانواده نویسنده و نام او و عنوان کتاب زیر آن.

کتابهای داستانی نیز به ترتیب الفبایی پشت سر هم در قفسه چیده می‌شوند. در بسیاری از کتابخانه‌های مدارس، کتابداران قفسه‌های کتابهای داستانی را به ترتیب سنی نیز از هم جدا می‌کنند. مثلاً کتابهای تصویری و آسان برای سالهای اول دبستان کتابهای داستانی ساده برای سالهای دوم و سوم و سرانجام کتابهای دشوارتر برای سالهای چهارم و پنجم به بالا. (رجوع شود به فهرست شورای کتاب کودک و فهرستهای انتهایی کتاب فارسی).

طرز اداره کتابخانه دبستان

الف - کتابدار کتابخانه دبستان

کتابخانه دبستان باید همواره برای سه کار اساسی آماده باشد:

۱- قرائت دسته جمعی یا برنامه‌های دسته جمعی و قرائت آزاد

انفرادی.

۲- امانت دادن کتاب برای مطالعه در منزل.

۳- انجام کارهای تحقیقی توسط گروهی از دانش‌آموزان و

تهیه نقشه‌ها و گزارشهای لازم برای آن.

کتابخانه‌ای را در نظر بگیرید: در گوشه‌ای از آن و به دور یک

میز چند نفر دانش‌آموز مشغول استخراج مطلب از مراجع مختلف

هستند. در گوشه‌ای دیگر، آموزگار کلاس اول شاگردان کلاس را

حلقه‌وار بدور خود نشانده و برایشان از یک کتاب زیبای تصویری

آهسته قصه می‌خواند. پشت میزهای مختلف عده‌ای آزادانه مشغول

مطالعه هستند. گروهی نیز به قفسه‌ها مراجعه کرده کتابهای

تازه‌ای برای مطالعه انتخاب می‌کنند. کتابدار کتابهای امانتی

را تحویل می‌گیرد و کتابهای تازه را به دانش‌آموزان می‌دهد

و در عین حال تمام فعالیتهای کتابخانه را زیر نظر دارد

تا چنانچه از او کمکی خواسته شد بتواند در اختیار گروههای

مختلف بگذارد. کتابخانه محیطی است صمیمی و پر از همکاریهای

متقابل. مقررات انضباطی آن مشخص است: سکوت هنگام مطالعه -

آهسته صحبت کردن هنگام مشورت - گذاشتن هر چیز به جای خود

پس از استفاده - حفاظت تمام کتابها و منابع - رعایت نظافت

کامل - مهربانی و ادب در همه حال.

برای اینکه کتابداری بتواند بدون اخم و تغییر و سرزنش و تنبیه این مقررات را در کتابخانه حکمفرما سازد باید خصوصیات اخلاقی و رفتاری برجسته زیر را داشته باشد: کودکان را دوست داشته باشد و مشکلات مختلف آنها را درک کند. آرام و مهربان و در عین حال جدی و مقرراتی باشد. انسانی پر تحمل بوده، نه تنها از جهان بینی وسیع و مثبتی برخوردار باشد بلکه به اصول انسانیت و اخلاق نیز پابند باشد.

بسیار مؤدب باشد و در کار حالت‌های خواهش و تقاضا را جایگزین تحکم و دستور کند. باید خود نمونه‌ای از انضباط و حسن سلیقه و نظافت باشد. همیشه آماده یادگیری مطالب تازه باشد. چنین کتابداری عموماً علاقه و محبت اطفال را جلب می‌کند و به آسانی می‌تواند از نیروهای جوان و آماده آنها برای تنظیم و گرداندن کتابخانه استفاده کند و کار در کتابخانه را نه تنها امری تربیتی و آموزشی بلکه فعالیتی پر نشاط و ثمربخش سازد.

آیین‌نامه دبستانها، انجمن کتابخانه را یکی از انجمنهای فعال دبستان می‌داند (ماده ۱۰۳) و شرکت دانش‌آموزان و گروه معلمان و حتی والدین را در کار کتابخانه توصیه می‌کند شکی نیست که کتابدار یا آموزگار کتابدار با استفاده صحیح از این کمکها و سازمان دادن بکار آنها می‌تواند نقش کتابخانه را هر سال فعالتر و پر ارزشتر سازد.

ب - کارت عضویت و شرایط عضویت در کتابخانه

عضویت در کتابخانه‌های عمومی کودکان و در کتابخانه‌های مدرسه‌ای در اصل باید برای تمام کودکان یا دانش‌آموزان رایگان باشد. ولی کتابخانه‌های مدارس در کشور ما هنوز اندک و غیر-مجهزند و هنوز بودجه مستمر و مشخصی برای آنها در نظر گرفته نشده است بنابراین کمکهای دانش‌آموزان برای تشکیل و ادامه فعالیت کتابخانه لازم است. بهمین سبب تعدادی از مدارس حق عضویت را اهداء یک جلد کتاب مناسب به کتابخانه قرار داده‌اند

و تعدادی دیگر حق عضویت مختصری بنا به رأی شورای آموزگاران و انجمن خانه و مدرسه مشخص کرده اند که بودجه خرید کتاب کتابخانه و تعمیر و صحافی کتابها از آن تأمین می شود. دانش آموزی که عضو کتابخانه مدرسه می شود باید با مقررات آن آشنا باشد بیشتر کتابداران یا آموزگاران کتابدار، در ابتدای سال تحصیلی به ترتیب کلاسهای مختلف را به کتابخانه دعوت می کنند و ضمن صحبت درباره حق عضویت، مقررات انضباطی کتابخانه، و طرز نگهداری و مطالعه کتاب را برایشان کاملاً توضیح می دهند و منابع مختلف کتابخانه را به آنها معرفی می کنند. در همین جلسه نماینده کتابخانه را نیز برای کمک به کتابدار و دانش آموزان آن کلاس انتخاب می کنند. این جلسات همیشه بسیار مفید است و در ایجاد تحرك اولیه و فعال کردن کتابخانه تأثیر بسیار دارد.

شاگردانی که به این ترتیب عضو می شوند کارت عضویت خاصی به شکل زیر یا اشکالی شبیه به آن برای تمام سال (۱۲ ماه) دریافت می دارند.

۷/۵ ساعته متر

	کتابخانه دبستان
۱۴ ساعته متر	شماره عضویت
	نام و نام خانوادگی....
	تاریخ اعتبار کارت
امضاء کتابدار	

عموماً در پشت این کارت برای یادآوری، مقررات استفاده از کتابها در چند جمله کوتاه ذکر می شود. به عنوان نمونه دارنده کارت باید:

- ۱- کتابهای کتابخانه را خوب و پاکیزه نگاه دارد.
- ۲- در صورت گم کردن یا پاره شدن یا کتاب را تهیه کرده یا قیمت آن را بپردازد.
- ۳- کتابهای کتابخانه را در موعد مقرر به کتابخانه باز گرداند، در غیر این صورت جریمه بپردازد.
- ۴- با کتابدار کمک و همکاری کند و مقررات کتابخانه را کاملاً رعایت کند.

حفظ کارت کتابخانه عموماً برای دانش‌آموزان سنین دبستانی دشوار است. به همین دلیل اندازه‌های کارت عضویت را عموماً به قطع کارت کتاب معین می‌کنند تا دانش‌آموزان پس از امانت گرفتن کتاب بتواند کارت عضویت خود را در جیب کتاب بگذارد و به این ترتیب موقع تعویض همراه داشته باشد. مقوای کارت عضویت عموماً از رنگهای الوان و ملایم انتخاب می‌شود.

ج- امانت دادن کتاب

دانش‌آموزان عموماً در ساعات مدرسه کمتر فرصت مطالعه دارند و بخصوص موفق به خواندن کتابهای داستانی و غیر داستانی مورد علاقه خود نمی‌شوند. برای اینکه عادت به مطالعه بطور واقعی ایجاد گردد و در عین حال به عنوان يك سرگرمی مفید نیز در زندگی جای خود را بیابد کتابخانه‌های مدارس به تمام اعضای خود کتاب به امانت می‌دهند.

وقتی دانش‌آموزان با منابع و طرز چیدن کتابهای مختلف در کتابخانه آشنایی پیدا کردند به راحتی و بدون اتلاف وقت زیاد کتابهایی را که قبلاً به امانت گرفته بودند به کتابدار پس داده، آزادانه به قفسه مورد علاقه خود مراجعه می‌کنند. در این فاصله کتابدار کتابهای آنها را از نظر سلامت و خوب نگه‌داری کردن (پاره نکردن تصاویر و صفحات - خط خطی نکردن صفحات - نوشتن بعضی مطالب در حاشیه‌ها) معاینه می‌کند. وقتی دانش‌آموز با کتاب تازه خود سر میز کتابدار آمد کتابدار اگر لازم بود تذکر

می‌دهد یا احياناً برای اینکه بفهمد دانش‌آموز چگونه از کتاب قبلی استفاده کرده است، نظر او را بطور مختصر می‌پرسد و سپس کارت جدید را از جیب آن خارج کرده نام دانش‌آموز را روی آن می‌نویسد و مهر تاریخ برگشت کتاب را (عموماً ۱۵ روز پس از امانت گرفتن کتاب) روی ورقه برگشت داخل کتاب و کارت کتاب می‌زند کارت عضویت دانش‌آموز را داخل جیب کتاب می‌گذارد و به او می‌دهد.

همه کتابداران جعبه‌ای دارند که در آن کارتهایی با شماره ۱ تا ۳۱ برای روزهای ماه درست کرده‌اند. کارتهای کتابهایی را که دانش‌آموزان در يك روز گرفته‌اند چون تقریباً همه آنها يك تاریخ برگشت دارند در قسمت مربوط به روز تاریخ برگشت می‌گذارند (مثلاً اگر در دوم مهرماه تعدادی کتاب امانت داده شده است همه کارتها را در ردیف ۱۷ یعنی هفدهم مهرماه می‌گذارد). هر روز کتابدار کارتهایی را که باید در آن تاریخ به کتابخانه برگردند بررسی می‌کند. اگر دانش‌آموز کتاب را برگردانده باشد کارت آن را مجدداً در جیب مخصوص آن می‌گذارد و به قفسه اولیه خود برمی‌گرداند. اگر تا آخر وقت آن روز کتاب برنگشته باشد، اسم دانش‌آموز یادداشت می‌شود. کتابدار تأخیر تا سه روز را تحمل می‌کند ولی اگر از این مدت بیشتر شد، دانش‌آموز را توسط نماینده کتابخانه می‌خواهد و تذکر لازم را برای برگرداندن کتاب می‌دهد. اگر دانش‌آموز بازهم کوتاهی کرد آنوقت او را به تعداد روزهای تأخیر مبلغ کمی جریمه می‌کند.

دانش‌آموزان باید بدانند که کتابخانه به همه آنها تعلق دارد و ملك خصوصی شخصی نیست و بنابراین باید ضمن حفاظت از کتابها، مقررات مربوط به آن را کاملاً رعایت کنند. این یکی از اثرات متعدد تربیت اجتماعی کتابخانه است که فقط کتابدار جدی و منظم با رسیدگی دقیق و مداوم به کارتهای کتاب می‌تواند آن را ایجاد کند.

امانت دادن فردی یکی از انواع امانت دادن در کتابخانه مدرسه است. گاهی امانت به کلاس داده می‌شود. مثلاً آموزگار

کلاس برای تشویق دانش‌آموزان خود به جمع‌آوری اطلاعات بیشتر دربارهٔ حیوانات، گیاهان یا یکی دیگر از مباحث علوم یا تعلیمات اجتماعی و یا ادبیات از کتابدار خواهش می‌کند تعدادی کتاب در این زمینه برای او به کلاس بفرستد. کتابدار این کتابها را از قفسهٔ مربوط انتخاب کرده (با در نظر گرفتن قدرت خواندن و میزان ادراک مطالب از طرف شاگردان آن کلاس) کارتهای آن را به نام کلاس می‌نویسد و تاریخ برگشت آن را مطابق با نظر آموزگار معین می‌کند و سپس همهٔ کارتها را يك جا با کش یا نخ می‌بندد و در شماره مربوط به تاریخ برگشت می‌گذارد. مسئول جمع‌آوری و برگرداندن کتابها بطور صحیح و سالم در این مورد آموزگار کلاس است که باید به دقت با کتابدار همکاری کند.

فرهنگنامه‌ها و کتابهای مرجع را نمی‌توان به امانت داد و فقط در کتابخانه می‌توان از آنها استفاده کرد. این دسته از کتابها را کتابدار فقط برای مدت کوتاه (از صبح تا ظهر) می‌تواند در اختیار معلم کلاس، آن‌هم برای کار یا تحقیقی مشخص بگذارد.

گاهی نیز آموزگاران مایلند، در طرز خواندن و میزان خواندن دانش‌آموزان خود نظارت بیشتری داشته باشند و از مطالعات آنها در کار و بحث کلاس بیشتر استفاده کنند. در این صورت به کتابدار مراجعه کرده، به تعداد دانش‌آموزان کتاب با عنوانهای مختلف و در سطح قدرت خواندن و ادراک کلاس انتخاب می‌کنند و همه را يك جا به نام کلاس خود، برای مدتی طولانی يك یا دو ماه به امانت می‌گیرند و در واقع يك کتابخانهٔ موقت کلاس تشکیل می‌دهند. در اینجا نیز آموزگار در مقابل کتابدار مسئول است و باید سعی کند کتابها سالم به کتابخانه برگردند. کتابدار برای امانت دادن این مجموعه بیشتر به سراغ کتابهایی می‌رود که از آنها چند نسخه در کتابخانه دارد و با امانت دادن آنها به مدت زیاد کار کتابخانه مختل نمی‌شود.

د - ساعت کار کتابخانه

کتابخانه باید در تمام ساعاتی که مدرسه دائر است باز باشد.

علاوه بر آن باید ترتیبی داده شود که کتابخانه در ساعات ظهر نیز باز باشد تا شاگردان فرصت کوتاهی برای مطالعه آزاد در کتابخانه و کار تحقیقی یا برای تعویض کتابهای خود داشته باشند. شکی نیست که به این ترتیب مدت کار روزانه کتابدار بسیار طولانی می‌شود. عموماً چنین مشکلی را با دادن کمک به کتابدار یا پاداش اضافی حل می‌کنند. بطور کلی کتابدار مدرسه می‌تواند کار خود را طوری سازمان بدهد که شاگردان هر کلاس بتوانند در فرصتی معین، حداقل هفته‌ای یک بار کتابهای امانتی خود را عوض کنند. عموماً چون میزان و نوع مطالعه دانش‌آموزان برای آموزگار نیز جالب است و در شناخت کودکان به او کمک می‌کند، در چنین فرصت معینی با دانش‌آموزان خود به کتابخانه مراجعه می‌کند و به کتابدار نیز کمک لازم را می‌رساند. کتابخانه مدرسه می‌تواند در تابستان نقش کتابخانه عمومی را داشته باشد. این کار از چند نظر بسیار مفید است: اول مطالعه به عنوان سرگرمی مفید تابستانی برای تعداد بیشتری از کودکان امکان‌پذیر می‌شود. ثانیاً فرصت مطالعه آزاد برای کودکان در محیط کتابخانه به وجود می‌آید. ثالثاً کتابدار می‌تواند با تنظیم برنامه‌های اختصاصی و جالب، گسترشی را که در طی سال تحصیلی کمتر فرصت آن پیدا می‌شد، به مطالعه دانش‌آموزان بدهد. اگر کتابخانه مدرسه نتواند در مدت تابستان بطور کامل باز باشد می‌تواند در هفته یک یا دو روز برای تعویض کتاب دایر شود.

در هر حال مدیر مدرسه باید برنامه کار را همراه با کتابدار طوری ترتیب دهد که کتابدار بتواند از مرخصی سالانه بهره‌مند شود و کمکهای لازم را در هر قسمت داشته باشد.

۵ - روابط کتابدار و آموزگار و برنامه‌های تدریس

کتابدار کتابخانه مدرسه، یا معلمی است که کتابدار شده است، یا یکی از کارمندان اداری است که مسئولیت کتابخانه را به عهده گرفته است یا کتابدار نیست که برای این کار تربیت شده است. کتابدار در واقع نه کارمند صددرصد اداری است که از

تعلیم و کتاب و کلاس دور باشد و نه کارمندی است آموزشی که مستقیماً با تعلیم و کلاس و کتاب سروکار داشته باشد. کتابدار حد فیما بین است. هنگامی که کتابها را تنظیم می کند کارش بیشتر جنبه فنی دارد ولی وقتی که با شاگردان سروکار دارد کارش صددرصد تعلیمی و تربیتی است. او تنها با يك کلاس و يك گروه از شاگردان سروکار ندارد بلکه با تمام شاگردان آموزشگاه، و با مجموعه برنامه های درسی و تربیتی آشناست و از راه مراجعات شاگردان و بررسیها و صحبت های خود با معلمان از میزان پیشرفت کلاس و حتی فرد فرد دانش آموزان تا حدودی مطلع است. کتابدار محتوای کتابهای درسی را به طور کامل می شناسد. با محتوای اکثر کتابهای کتابخانه آشناست و بطور مرتب مطالعه کتابهای کتابخانه را ادامه می دهد و می داند چگونه با پیشنهادات و همکاریهای خود به آموزگار و شاگرد کمک برساند، دانش و معلومات آنها را گسترش دهد و از آنچه مورد بحث و تعمق در کلاسهاست به عنوان موضوعهای فعالیت خاص کتابخانه استفاده کند و برنامه های متنوعی مانند معرفی کتاب، نمایشگاههای خاص، سخنرانی و نمایش، روزنامه دیواری و... ترتیب دهد.

کتابدار در برنامه های عمومی و تربیتی دبستان شرکت می کند. اگر جشنی برپاست برنامه ای با کمک دانش آموزان، خاص کتاب و کتابخوانی ترتیب می دهد، اگر شورایی از والدین تشکیل می گردد او هم شرکت کرده در زمینه مطالعه آزاد دانش آموزان توصیه ها و راهنماییهای ارائه می دهد، در انجمن خانه و مدرسه احتیاجات کتابخانه را طرح می کند و.....

کتابدار، گاهی نقش واسطه تربیتی را به عهده می گیرد، مثلاً چه بسا پیش آمده است که به دانش آموز ناسازگار با دادن مسئولیت کمک کرده است تا جای خود را در میان شاگردان پیدا کند و بر رفتارهای نامتعادل خود مسلط شود. یا از کودکی محبوب و گوشه گیر، دانش آموزی فعال و اجتماعی ساخته است و یا در مواردی اختلاف بین معلم و شاگرد را به نفع هر دو از میان برداشته است. کتابخانه در این زمینه فرصتهای متعدد بوجود می آورد و چون

نمره و تحمیلی در کار نیست عموماً شاگردان کتابدار را دوست بزرگتر و قابل اطمینان و خوبی می دانند که می تواند مشکلات آنها را درک کند.

شکی نیست که آموزگاران و کارمندان اداری يك دبستان در همه موارد به کتابدار كمك می کنند بخصوص در مواقعی که کار فراوان در مقابل او قرار می گیرد (هنگام خرید کتابهای تازه - هنگام بررسی و نظارت کامل تمام کتابها - هنگام اجرای برنامه های خاص و.....) و با خوشرویی و احساس مسئولیت به او مدد می رسانند. در دبستانهایی که کتابدار خاص وجود ندارد آموزگاران به نوبت و با همکاری یکدیگر کتابخانه را اداره می کنند (هر آموزگاری يك صبح و يك بعدازظهر). کارها و برنامه ها باید به دقت تقسیم شود، تا هم کار کتابخانه بطور کامل انجام شود و هم عدم هماهنگی در روشهای اداره و تنظیم پیش نیاید و طی جلسات هفتگی مسائل با شور و مشورت و اطلاع همه حل شود. در چنین دبستانی، عموماً یا مدیر و یا یکی از آموزگاران، به انتخاب شورای آموزگاران، نقش هماهنگ کننده اصلی را به عهده می گیرد و همه در مرحله اول، مشکلات و مسائل خود را با او در میان می گذارند.

وزارت ارشاد اسلامی	
دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور	
شماره ثبت دفتر	۱۳۱۷۵
تاریخ ثبت	۲۱ / ۴ / ۲
شماره ثبت	

فهرست مأخذ و منابع

- 1- Arbuthnot, M. «Children and Books», Scott Forsman and Co; 1964.
 - 2- Carlson, R. K. «Folklore and Folktales Around the World» IRA; 1972.
 - 3- Golby, J. P. «Writing, Illustrating and Editing Children's Books» Hastings House; 1967.
 - 4- Ellis, A. «A History of Children's Reading and Literature».
 - 5- Fenner, Ph. «The Proof of the Pudding», The Jobs Day Co.; 1957.
 - 6- Hazard, P. «Books, Children and Men». Horn Book; 1965.
 - 7- Huch, Ch, S. and Kuhn, D. Y., «Childrens' Litrature in the Elementary School» Holt, Rinehart and Winston Inc., 1968.
 - 8- Huus H. «Evaluating Books for Children and Young People» IRA, 1968.
 - 9- Huzlman, Methina «Three Centuries of Children's Books in Europe» Oxford University Press, 1967.
 - 10- Johnson, Siokels and Sayers «Anthology of Children's Literature» Houghton Miflin Co. 1940.
 - 11- Klemin, D. «The Art of Children's Books» Clarkson N. Potte inc. 1966.
 - 12- Larrick, N. «A Parent's Guide to Children's Reading» IRA. 1950.
 - 13- Pellovski, Anne «The World of Children's Literature» R.R. Bowker Co., 1968.
 - 14- Selbest S. H. (Editor) «Ivory, Apes and Peacocks» IRA. 1968.
 - 15- Smith L. «The Unrelactant Years» American Library Association 1953.
- ۱۶- انصاری نوشین «تشکیل کتابخانه در روستا» انتشارات اداره کل نگارش. ۱۳۴۶.
- ۱۷- بنی آدم حسین، اسمعیل جانا «اصول ساده کتابداری» اداره کل نگارش ۱۳۴۴.
- ۱۸- دومکاس مری پیکاک «سازمان و وظایف کتابخانه‌های دبستانی» اداره کل نگارش ۱۳۴۶.
- ۱۹- شفا فرنگیس «راهنمای کتابداران» وزارت فرهنگ و هنر.
- ۲۰- مصاحب غلامحسین «دایره المعارف فارسی» فرانکلین ۱۳۴۵.
- 21- Book bird, Quarterly, Verlage fur Jugend und Volk, Vienne.
 - 22- Detskaya Literatura, Dom Detskoy Knighi. Moscow.
 - 23- Horn Book Magazine, U.S.A.
 - 24- Grade Teacher. U.S.A.
 - 25- School Librarian, Premier House, England.
 - 26- Soviet Literature, Monthly, USSR.

- ۲۷- مجلات پیام یونسکو.
- ۲۸- شماره مخصوص مجله سپیده فردا ۱۳۳۶.
- ۲۹- کارنامه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۳۰- نشریه‌های شورای کتاب کودک.
- ۳۱- نشریه دانشکده علوم تربیتی دوره دوم. شماره دوم زمستان ۱۳۵۱.

